بسم الله الرحمن الرحیم

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ

جامعه شناسی (۲)

رشتهٔ ادبیات و علوم انسانی

پایهٔ یازدهم

دوره دوم متوسطه

وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

نام کتاب: جامعه‌شناسی(۲) ـ پایهٔ یازدهم دورهٔ دوم متوسطه ـ ۱۱۱۲۲۲

پدیدآورنده: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

مدیریت برنامه‌ریزی درسی و تألیف: دفتر تألیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری

شناسه افزوده برنامه‌ریزی و تألیف: اصغر اسلامی تنها، علی انتظاری، حمید پارسانیا، حسین سوزنچی، محمدتقی عینی‌زاده، لطیف عیوضی، محمدعلی غمامی، نعمت‌الله کرم الهی، عبدالحسین کلانتری، محسن لب خندق، محمد مهدی ناصری، شهلا باقری، الدوز تبریزی، ربابه فتحی و فهیمه میرصانع (اعضای شورای برنامه‌ریزی) ـ آزیتا بیدقی، حسین تاجیک نوری، فریبا فتحی، سولماز فیض‌اله زاده، محمدشریف متولی الموتی و علی نوری (همکاران شورای برنامه‌ریزی)
نصرالله آقاجانی، حمید پارسانیا، الدوز تبریزی، لطیف عیوضی، ربابه فتحی، نعمت‌الله کرم‌الهی، شمس‌الله مریجی، فهیمه میرصانع، سید محمدحسین هاشمیان (اعضای گروه تألیف) ـ افسانه حجتی طباطبایی (ویراستار)

مدیریت آماده‌سازی هنری: اداره کلّ نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی

شناسه افزوده آماده‌سازی: احمدرضا امینی (مدیر امور فنی و چاپ) ـ جواد صفری (مدیر هنری) ـ مجتبی زند (طراح گرافیک، طراح جلد) ـ مریم وثوقی انباردان (صفحه‌آرا) ـ بهناز بهبود، فریبا سیر، نوشین معصوم‌دوست، رعنا فرج‌زاده دروئی، مریم دهقان‌زاده (امور آماده‌سازی)

نشانی سازمان: تهران: خیابان ایرانشهر شمالی ـ ساختمان شمارهٔ ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی)
تلفن: ۹ـ۸۸۸۳۱۱۶۱، دورنگار: ۸۸۳۰۹۲۶۶، کدپستی: ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹
وبگاه: www.chap.sch.ir و www.irtextbook.ir

ناشر: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران تهران: کیلومتر ۱۷ جادهٔ مخصوص کرج ـ خیابان ۶۱ (داروپخش) تلفن: ۵ـ۴۴۹۸۵۱۶۱، دورنگار: ۴۴۹۸۵۱۶۰، صندوق پستی: ۱۳۹ـ۳۷۵۱۵

چاپخانه: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران «سهامی خاص»

سال انتشار و نوبت چاپ: چاپ پنجم ۱۴۰۰

شابک ۰ـ۲۸۱۵ـ۰۵ـ۹۶۴ـ۹۷۸

ISBN: 978_964_05_2815_0

انتظار فرج، انتظار قدرت اسلام است. ما باید کوشش کنیم تا قدرت اسلام در عالم تحقق پیدا کند و مقدمات ظهور ان‌شاءالله فراهم شود. من با تأیید خداوند متعال و تمسک به مکتب پر افتخار قرآن، به شما فرزندان عزیز اسلام، مژده پیروزی نهایی می‌دهم؛ به شرط اینکه نهضت بزرگ اسلامی و ملی ادامه یابد و پیوند بین شما جوانان برومند اسلام، ناگسستنی باشد و به شرط آگاهی از حیله‌های استعمارگران راست و چپ و جنود ابلیسی آنان.

امام خمینی «قُدِّسَ سِرُّهُ»

کلیه حقوق مادی و معنوی این کتاب متعلق به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش است و هرگونه استفاده از کتاب و اجزای آن به‌صورت چاپی و الکترونیکی و ارائه در پایگاه‌های مجازی، نمایش، اقتباس، تلخیص، تبدیل، ترجمه، عکس‌برداری، نقاشی، تهیه فیلم و تکثیر به هر شکل و نوع، بدون کسب مجوز از این سازمان ممنوع است و متخلفان تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.

محتوای این کتاب تا پایان سال تحصیلی ۱۴۰۲ - ۱۴۰۱ تغییر نخواهد کرد.

فهرست

فصل اوّل: فرهنگ جهانی ۱

اهداف فصل اوّل ۲

- درس اوّل: جهان فرهنگی ۳
- درس دوم: فرهنگ جهانی ۱۱
- درس سوم: نمونه‌های فرهنگ جهانی ۱ ..... ۱۹
- درس چهارم: نمونه‌های فرهنگ جهانی ۲ ..... ۲۷

فصل دوم: فرهنگ معاصر غرب و نظام نوین جهانی ۳۵

اهداف فصل دوم ۳۶

- درس پنجم: باورها و ارزش‌های بنیادین فرهنگ غرب ۳۷
- درس ششم: چگونگی تکوین فرهنگ معاصر غرب ۴۶
- درس هفتم: جامعهٔ جهانی ۵۵
- درس هشتم: تحولات نظام جهانی ۶۴

فصل سوم: چالش‌های جهانی ۷۳

اهداف فصل سوم ۷۴

- درس نهم: جهان دو قطبی ۷۵
- درس دهم: جنگ‌ها و تقابل‌های جهانی ۸۳
- درس یازدهم: بحران‌های اقتصادی و زیست محیطی ۹۱
- درس دوازدهم: بحران‌های معرفتی و معنوی ۹۸

فصل چهارم: بیداری اسلامی و جهان جدید ۱۰۵

اهداف فصل چهارم ۱۰۶

- درس سیزدهم: سرآغاز بیداری اسلامی ۱۰۷
- درس چهاردهم: انقلاب اسلامی ایران، نقطهٔ عطف بیداری اسلامی ۱۱۵
- درس پانزدهم: افق بیداری اسلامی ۱۲۳
- منابع ۱۳۵

سخنی با دانش‌آموز

باسمه تعالی

دانش‌آموزان عزیز

سلام

بی‌شک آیندهٔ ایران و اسلام در گرو وضعیت علوم انسانی و وضعیت علوم انسانی نیز مرهون کمّ و کیف کوشش شما در رشته ادبیات و علوم انسانی است! جامعه‌شناسی یکی از دروس این رشته می‌باشد که در آن تولید، تداوم و تغییر پدیده‌های اجتماعی مورد مطالعه قرار می‌گیرد. در این کتاب، کلان‌ترین پدیدهٔ اجتماعی یعنی «نظام جهانی» بررسی می‌شود. اثرگذاری نظام جهانی بر زندگی افراد، گروه‌ها، جوامع و فرهنگ‌ها و اثرپذیری آن از این عوامل به خوبی نشان می‌دهد که چرا باید این پدیده مورد مطالعه قرار گیرد. کتاب حاضر در چهار فصل و پانزده درس تنظیم شده است.

فصل اول به مفاهیم «جهان فرهنگی» و «فرهنگ جهانی» می‌پردازد و به برخی از فرهنگ‌هایی که گسترش جهانی پیدا کرده‌اند، به ویژه اسلام و غرب جدید اشاره می‌کند.

فصل دوم چگونگی شکل‌گیری فرهنگ جدید غرب و نظام جهانی برآمده از آن را بررسی می‌کند.

فصل سوم به چالش‌ها و بحران‌های نظام جهانی می‌پردازد.

و فصل چهارم خیزش فرهنگی ـ تمدنی جهان اسلام برای عبور از چالش‌های جهانی و فرصت‌ها و محدودیت‌های پیش‌روی بیداری اسلامی را مورد کنکاش قرار می‌دهد.

استفادهٔ مطلوب از کتابی که در دست دارید، مستلزم حضور فعال و خلاق شما در موقعیت‌های یاددهی ـ یادگیری آن در بیرون و درون مدرسه و بهره بردن از دانسته‌ها و تجربه‌های ارزشمند تمام کسانی است که با آنها تعامل دارید. تلاش کنید تا با همدلی و همراهی با دوستان و دبیران خود در مباحث کلاس شرکت کنید. سعی کنید خوب بشنوید، خوب بخوانید، خوب بگویید، خوب بپرسید و خوب بنویسید. برای کسب این شایستگی‌ها، فعالیت‌هایی در کتاب گنجانده شده است:

هر درس به دو یا سه بخش تقسیم شده است. هر درس، هر بخش و همچنین هر فصل مقدمه‌ای دارد. این مقدمه‌ها نشان می‌دهند که هر فصل، درس یا بخش به دنبال پاسخ به چه پرسش‌هایی است. پرسش‌های مطرح شده را با دقت بخوانید و با استفاده از دانسته‌ها و تجربه‌های خود به آنها پاسخ دهید. پس از مطالعه درس، پاسخ‌های اولیه خود را با پاسخ‌های کتاب مقایسه کنید و برای عمق بخشیدن به پرسش‌ها و پاسخ‌ها تلاش نمایید.

در هر درس، فعالیت‌هایی با عناوین مختلف مانند «گفت‌وگو کنید»، «نمونه بیاورید»، «بیندیشید» و... وجود دارد. این فعالیت‌ها را با نظارت و هدایت دبیران محترم انجام دهید تا بتوانید:

یافته‌های خود را در هر بخش تحکیم و تثبیت کنید یعنی همان یافته‌ها را به‌گونهٔ دیگری دریافت کنید.

یافته‌های خود را عمق ببخشید و برداشت عمیق‌تری از موضوع یا مسئله مورد بررسی به‌دست آورید. یافته‌های خود را وسعت ببخشید و برداشت وسیع‌تری از موضوع یا مسئله مورد بررسی کسب کنید.

«بخوانیم و بدانیم» راهی است برای علاقه‌مند کردن شما به مطالعهٔ بیشتر. چه خوب است به‌جای مراجعه به کتاب‌های کمک درسی غیرمفید از کتاب‌های غیردرسی مفید استفاده کنید تا در دانسته‌ها و تجربه‌های علما و اندیشمندان شریک شوید. «ببینیم و بدانیم» نیز چنین هدفی را دنبال می‌کند. فیلم خوب می‌تواند منبع مفید و مفرح دانش باشد.

تصویرها، جدول‌ها و نمودارها بخشی از محتوای درس‌ها هستند و شما را برای رسیدن به اهداف درس یاری می رسانند. در آنها تأمل کنید، آنها را نقد و ارزیابی کنید و اگر علاقه‌مند بودید تصویرهایی که مناسب می‌دانید به ما پیشنهاد دهید.

صفحه پایانی هر درس شامل سه بخش «مفاهیم کلیدی»، «خلاصه کنید» و «آنچه از این درس آموختیم» است. با تکمیل این صفحه می‌توانید مهارت‌های بسیاری را کسب نمایید و توانایی‌های خود را ارتقا ببخشید.

ارزشیابی این درس، به دو شکل ارزشیابی مستمر و ارزشیابی پایانی صورت می‌گیرد.

ارزشیابی مستمر شامل موارد زیر است:

- حضور فعال و پرشور در کلاس و شرکت در بحث و گفت‌وگوهای کلاسی.
- انجام فعالیت‌های آموزشی درون و بیرون کلاس.
- همکاری در کارهای گروهی.
- انجام فعالیت‌های پژوهشی، نوآوری‌ها، خلاقیت‌های علمی، ادبی و هنری.
- پرسش‌های کلاسی به صورت کتبی و شفاهی از تمام کتاب از جمله «بخوانیم و بدانیم».

ارزشیابی پایانی در پایان هر نیم سال به صورت کتبی و براساس بارم‌بندی مشخص انجام می‌شود.این ارزشیابی از تمامی کتاب به جز «بخوانیم و بدانیم» و «ببینیم و بدانیم» صورت می‌گیرد.

گروه علوم اجتماعی دفتر تألیف کتاب های درسی عمومی و متوسطه نظری

فصل اوّل

فرهنگ جهانی

در سفر گاهی عجله می‌کنیم و از زیبایی‌ها و ظرافت‌های راه غافل می‌شویم؛ گاهی چنان سرگرم پیچ و خم‌های راه می‌شویم که از مقصد می‌مانیم. در فرایند یاددهی ـ یادگیری نیز گاهی موضوع آن‌قدر کلی، مختصر و کوتاه می‌شود که از آن سردرنمی‌آوریم؛ در مقابل گاهی جزئیات موضوع آن‌قدر مفصل و طولانی می‌شود که با سرگرم شدن به آنها از مطالب اصلی باز می‌مانیم. اگر می‌خواهیم چنین نشود باید همواره جزئیات و کلیات موضوع را در ارتباط با هم ببینیم. موضوع کتاب حاضر، نظام جهانی یا زندگی اجتماعی در سطح جهان است. فصل اوّل، تصویری کلی از موضوع ارائه می‌کند و در فصل‌های بعد، با جزئیات آن بیشتر آشنا می‌شوید. با ما همراه شوید.

اهداف فصل اوّل

انتظار می‌رود دانش‌آموز با مشارکت در موقعیت‌های یاددهی ـ یادگیری این فصل، شایستگی‌های زیر را کسب نماید:

۱. چگونگی تمایز و تعامل جهان‌های تکوینی، ذهنی و فرهنگی را تشریح کند؛ به نقش خود در اثرگذاری بر جامعه، فرهنگ، طبیعت و ماوراءطبیعت و همچنین اثرپذیری از آنها آگاهی یابد و همواره برای اصلاح و بهبود روابط خود با این عرصه‌ها تلاش نماید.

۲. به تصویر دقیقی از مفهوم فرهنگ جهانی دست یابد؛ بداند که همهٔ فرهنگ‌ها ظرفیت و ادعای جهانی‌شدن ندارند و برای فرهنگ‌هایی که از ظرفیت لازم برخوردار نیستند ولی با اعمال سلطه از مرزهای قومی و گروهی خود فراتر می‌روند و جهان را عرصه برخوردها و تقابل‌های ویرانگر می‌سازند، نمونه بیاورد.

۳. فرهنگ جهانیِ مطلوب یا عقاید و ارزش‌های جهان‌شمول فرهنگی را بشناسد و بر مبنای آن، توان نقد و ارزیابی فرهنگ سلطه را به‌دست آورد؛ نسبت به گسترش فرهنگ سلطه در جهان حساسیت کافی پیدا کند؛ مقاومت در برابر اشکال گوناگون فرهنگ سلطه را وظیفهٔ خود بداند و دربارهٔ راه‌های مقابله با آن تحقیق و بررسی کند.

۴. به ظرفیت دین اسلام برای ساختن یک فرهنگ جهانیِ مطلوب پی ببرد و به شکوفایی این ظرفیت علاقه‌مند گردد؛ مراحل تاریخی گسترش عقاید و ارزش‌های اسلام را بشناسد؛ فرصت‌ها و محدودیت‌های هر مرحله را تحلیل کند و درحد توان خود برای رفع موانع پیش روی گسترش فرهنگ اسلامی راهکار ارائه نماید.

کشتی باچوخه در اسفراین

درس اوّل

جهان فرهنگی

در سال گذشته مطالبی دربارهٔ جهان اجتماعی و طبیعی، فرهنگ، هویت افراد و جهان اجتماعی آموختید.
به چهار گروه تقسیم شوید و در هر گروه، با توجه به آنچه خوانده‌اید، یکی از پرسش‌های زیر را بررسی کنید.
برای هر گروه یک دبیرجلسه و یک نماینده انتخاب کنید. دبیر جلسه خلاصهٔ گفت وگوهای اعضای گروه را ثبت می‌کند. نمایندهٔ هر گروه دست‌نوشته‌های دبیر جلسه را در کلاس می‌خواند.

- تفاوت جهان اجتماعی و جهان طبیعی چیست؟
- سال گذشته فرهنگ را چگونه تعریف کردید؟
- فرهنگ چه نقشی در هویت‌یابی افراد و جهان اجتماعی دارد؟
- هویت جهان اجتماعی بیشتر از لایه‌های عمیق فرهنگ (عقاید و ارزش‌ها) تأثیر می‌گیرد یا لایه‌های سطحی آن (هنجارها و نمادها)؟ چرا؟

نمایندگان گروه‌ها، گروه تلفیق را شکل دهند. اعضای گروه تلفیق دربارهٔ ارتباط مباحث گروه‌ها گفت وگو کنند، نتیجه و چکیدهٔ بحث‌شان را ارائه دهند و با راهنمایی دبیر آن را بازبینی کنند.

هر فرهنگی در عمیق‌ترین لایه‌های خود به بنیادی‌ترین پرسش‌های بشر پاسخ می‌دهد. این پرسش‌های بنیادی کدام‌اند؟ چه پاسخی به این پرسش‌ها داده می‌شود؟ این پرسش‌ها و پاسخ‌های بنیادی، همان عقاید اساسی یا تصاویر بنیادی هر فرهنگ را از انسان و جهان می‌سازند و به مثابه **روح** یا **شالودهٔ** آن فرهنگ عمل می‌کنند.
پرسش‌های بنیادی به سه دسته اصلی تقسیم می‌شوند.

- هستی شناسانه، با پرسش‌هایی از این قبیل: آیا جهان هستی به همین جهان مادی محدود می‌شود؟
- انسان شناسانه، با پرسش‌هایی از این قبیل: آیا انسان موجودی مختار و فعّال است یا مجبور و منفعل؟

● معرفت شناسانه، با پرسش‌هایی از این قبیل: آیا تنها راه شناخت، حس و تجربه است؟ پاسخ‌های متفاوت به این پرسش‌های اساسی، جهان‌های فرهنگی مختلفی پدید می‌آورد. آیا می‌دانید منظور از جهان فرهنگی چیست؟

جهان انسانی

وقتی به اطراف خود نگاه می‌کنیم، با پدیده‌های متفاوتی روبه‌رو می‌شویم. با تأمل بیشتر متوجّه می‌شویم که این پدیده‌ها در مجموعه‌های بزرگ و مهمی دسته‌بندی می‌شوند. این مجموعه‌ها را به دلیل گستردگی و اهمیت‌شان «جهان» می‌نامند. یکی از این جهان‌ها، جهان انسانی است. جهان انسانی محصول زندگی انسان است و هر چه با اندیشه و عمل انسان پدید می‌آید به این جهان تعلق دارد. آیا می‌توانید برخی از پدیده‌هایی را که به جهان انسانی تعلق دارند نام ببرید؟

جهان انسانی به دو بخش **فردی** و **اجتماعی** تقسیم می‌شود؛

بخش فردی آن به زندگی شخصی و فردی انسان‌ها باز می‌گردد. ابعاد ذهنی، اخلاقی و روانی انسان‌ها به این بخش تعلق دارد. هر کدام از ما دانسته‌ها، تجربه‌ها و خلقیات ویژه‌ای داریم که افراد دیگر با ما در آنها شریک نیستند.

■ بخش فردی جهان انسانی؛ سه فرد در یک مسابقه، موضوعی واحد را به سه شکل مختلف خلق می‌کنند.

بخش اجتماعی آن، زندگی اجتماعی انسان‌ها را دربر می‌گیرد. قبلاً آموخته‌اید که این بخش هویت فرهنگی دارد. فرهنگ، شیوه زندگی اجتماعی انسان‌ها را شکل می‌دهد و خود نیز محصول آگاهی و عمل مشترک انسان‌هاست.

از این رو، بخش فردیِ جهان انسانی را **جهان ذهنی** و بخش اجتماعی آن را **جهان فرهنگی** نیز می‌نامند.

نمودار زیر را کامل کنید.

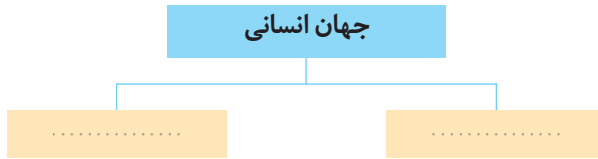

وقتی فردی دربارهٔ موضوعی خاص می‌اندیشد، در محدودهٔ فردی و ذهنی خود قرار دارد، ولی هنگامی که اندیشه‌اش را به‌صورت گفته یا نوشته بیان می‌کند یا براساس اندیشه و تصمیم خود با دیگران رفتار می‌کند، به جهان فرهنگی وارد می‌شود.

بین دو بخش ذهنی و فرهنگی جهان انسانی تناسب و هماهنگی وجود دارد. هر فرهنگی نوع خاصی از عقاید و خصوصیات ذهنی را در افراد به‌وجود می‌آورد و به همان نوع از عقاید و خصوصیات، اجازهٔ بروز می‌دهد. هر نوع عقیده و اخلاقی نیز فرهنگی متناسب با خود را جست‌وجو می‌کند.

■ وقتی فردی کتابی می‌نویسد یا مجسمه‌ای می‌سازد یا به دیگری مهر می‌ورزد، از جهان فردی به جهان فرهنگی وارد می‌شود.

گفت‌وگو کنید

دربارهٔ راه‌های ورود یک اندیشهٔ فردی به حوزهٔ فرهنگ گفت‌وگو کنید.

جهان تکوینی

می‌دانیم که تمامی پدیده‌های جهان هستی محصول زندگی انسان نیستند. آیا می‌توانید برخی از این پدیده‌ها را نام ببرید؟ در مقابل جهان انسانی، جهان دیگری به نام جهان تکوینی وجود دارد. این جهان، پیش از انسان هم بوده و وجود آن مستقل از خواست و اراده انسان است. جهان تکوینی شامل چه بخش‌هایی است؟

جهان هستی و بخش‌های مختلف آن

برخی جهان تکوینی را به طبیعت محدود می‌کنند. آنها طبیعت را در مقابل جهان انسانی قرار می‌دهند. جهان انسانی را به دو جهانِ ذهنی و فرهنگی تقسیم می‌کنند و به این ترتیب از وجود سه جهان سخن می‌گویند.جهان طبیعت، جهان ذهن و جهان فرهنگ.

متفکران مسلمان، جهان تکوینی را به جهان طبیعت محدود نمی‌دانند. از نظر آنان، جهان طبیعت بخشی از جهان تکوینی است و جهان تکوینی را هم به دو جهان طبیعت و فوق طبیعت تقسیم می‌کنند.

با هم تکمیل کنید

با توجه به جهان‌هایی که تاکنون از آنها سخن گفته‌ایم، نمودار زیر را کامل کنید.

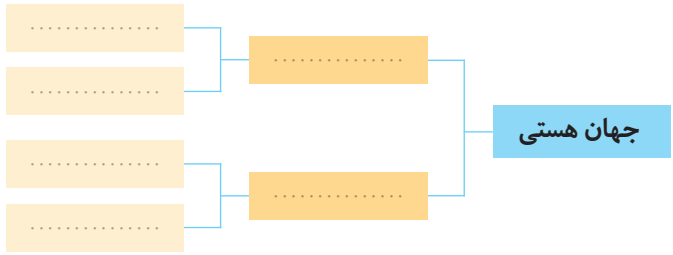

تعامل جهان‌های ذهنی، فرهنگی و تکوینی

جهان‌های مختلف با هم رابطه و تعامل دارند. قبلاً از تعامل جهان ذهنی و جهان فرهنگی سخن گفتیم. بین جهان تکوینی و جهان انسانی نیز رابطه و پیوند برقرار است. دربارهٔ جهان‌های مختلف و رابطهٔ آنها با هم دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد. آیا می‌توانید برخی از این دیدگاه‌ها را حدس بزنید؟

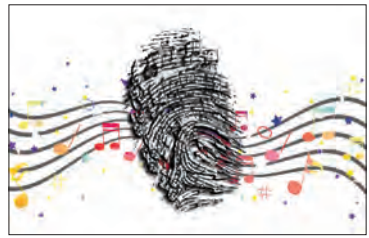

هنرمند عضوی از یک فرهنگ است و آثارش مطابق با نوع فرهنگی است که با آن مناسباتی دارد. هنر را می‌توان بیان ژرف‌ترین فردیت هنرمند دانست. اما این فردیت مجرد از اجتماع نیست.

باغ گلشن طبس؛ باغ‌سازی ایرانی ارتباطی نزدیک با باورهای مذهبی و اعتقادات سازندگان آنها داشته است. باغ تمثیلی است از بهشت جاویدان و برگرفته از آیات قرآن درباره بهشت.

دیدگاه اول: براساس این دیدگاه جهان تکوینی به جهان طبیعت محدود می‌شود و جهان طبیعت مهم‌تر از جهان ذهنی و جهان فرهنگی است. ذهن افراد و فرهنگ نیز هویتی طبیعی و مادی دارند و علوم مربوط به آنها نظیر علوم طبیعی است. طرفداران این دیدگاه بین علوم طبیعی و علوم انسانی تفاوتی قائل نیستند. نادیده گرفتن تفاوت علوم انسانی با علوم طبیعی، ظرفیت‌ها و قابلیت‌هایی را از علوم انسانی و اجتماعی سلب می‌کند. در این‌باره، در آینده بیشتر خواهید آموخت.

دیدگاه دوم: گروهی دیگر جهان فرهنگی را مهم‌تر از جهان ذهنی و تکوینی می‌دانند. در این دیدگاه جهان ذهنی و فردی افراد تابع فرهنگ آنهاست و جهان تکوینی مادهٔ خامی است که فرهنگ‌ها و جوامع مختلف در آن دخل و تصرف می‌کنند. از این دیدگاه، جهان ذهنی و جهان تکوینی اهمیتی ندارند و استقلال خود را در برابر جهان فرهنگی از دست می‌دهند.

دیدگاه سوم: براساس این دیدگاه، جهان فرهنگی، جهان ذهنی و جهان تکوینی، مهم و در تعامل با یکدیگرند.

شما کدام یک از دیدگاه‌ها را درست می‌دانید؟ فکر می‌کنید کدام یک فرصت تعامل صحیح انسان با خودش و جهان هستی را فراهم می‌کند؟

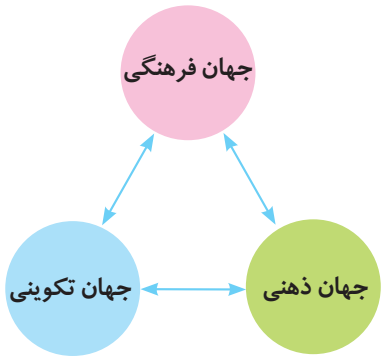

از نگاه قرآن، جهان تکوینی محدود به جهان طبیعت نیست. ادراک و آگاهی نیز به انسان منحصر نمی‌شود و جهان تکوینی بر اساس حکمت و خواست خداوند سبحان، با افراد و جوامع انسانی رفتاری حکیمانه دارد. قرآن‌کریم برای جامعه و فرهنگ جایگاه ویژه‌ای قائل است و از زندگی و مرگ امّت‌ها سخن می‌گوید. در عین حال، جهان فردی اشخاص را نادیده نمی‌گیرد و بر مسئولیت فرد در قبال فرهنگ و جامعه تأکید می‌کند.

بخوانیم و بدانیم

ـ از منظر قرآن، هرگاه انسان، اخلاق الهی داشته باشد و جامعه نیز از فرهنگ توحیدی برخوردار باشد، جهان تکوینی درهای برکات خود را به روی آنها می‌گشاید و هرگاه افراد و فرهنگ جامعه هویتی مشرکانه داشته باشند، زمین و آسمان از تعامل سازنده با آنها سر باز می‌زنند و ظرفیت‌های الهی و آسمانی خود را از آنها پنهان می‌کنند.

ـ برخی دیدگاه‌ها، بر شناخت درستی از انسان و جهان هستی استوار نیستند. اگر انسان از خود و جهان هستی شناخت درستی نداشته باشد، از تعامل صحیح با جهان هستی باز می‌ماند و نمی‌تواند استعدادهایش را بپروراند و شکوفا کند. قرآن‌کریم، باورها و اعمالی را که نمی‌گذارند انسان حقیقت خویش و جهان هستی را درک کند، «اغلال و سلاسل» می‌نامد. اغلال و سلاسل، زنجیرهایی هستند که انسان را در دنیا و آخرت به بند می‌کشند.

بیندیشید

ـ وضعیت امروزی محیط‌زیست، نتیجهٔ چه باورهایی دربارهٔ انسان و طبیعت است؟
ـ برخی آیات قرآن‌کریم، مانند آیهٔ ۴۱ سورهٔ روم، آیهٔ ۹۶ سورهٔ اعراف و آیهٔ ۲۷۶ سورهٔ بقره از تعامل فعال جهان تکوینی با جهان فرهنگی سخن می‌گویند. نمونه‌های این تعامل را در این آیات بیابید.

ببینیم و بدانیم

فیلم سینمایی «بچه‌های آسمان» روایت خواهر و برادری است با خانواده‌ای فقیر و در عین حال شرافتمند که باورهای عمیق مذهبی دارند. انتخاب نام علی و زهرا برای دو قهرمان اصلی داستان، انتخاب نام بچه‌های آسمان برای فیلم، نمایش فقری زیبا و با عظمت و... جلوه‌هایی از نگاه دینی سازنده فیلم است.

این فیلم را ببینید و مصادیق نگاه دینی سازنده فیلم را در آن بیابید و دربارهٔ آن گفت‌وگو کنید.

■ علی و زهرا در کوچه‌ای که بر سر در آن نوشته شده، «یا صاحب‌الزمان» کفش‌های خود را تعویض می‌کنند. آنها هر دو صاحب یک جفت کفش هستند.

■ سکانس باشکوه فیلم که به فرمان خدا، اجتماع ماهی‌ها به نشانهٔ سپاس از آن همه تلاش مردانهٔ پسر، برپای تاول زدهٔ او بوسه می‌زنند.
این سکانس یکی از معنوی‌ترین سکانس‌های تاریخ سینمای ایران است.

مفـاهیـم اساسی

اصطلاحات و مفاهیم اساسی درس را در این قسمت بنویسید.

جهان فرهنگی .....

خلاصـه کنیـد

مطالب مهم درس را در قالب جمله بنویسید.[1] در این قسمت مفاهیم اساسی را تعریف می‌کنید یا ارتباط آنها را نشان می دهید.

ـ بخش اجتماعی جهان انسانی هویتی فرهنگی دارد و از آن با عنوان جهان فرهنگی یاد می‌شود.

آنچـه از ایـن درس آمـوختیـم

در این قسمت می‌توانید جمله‌هایی را که در قسمت «خلاصه کنید» نوشته‌اید با هم ترکیب کنید و در قالب یک بند بنویسید.

فرض کنید می‌خواهید مطالبی را که در این درس یاد گرفته‌اید به زبان و قلم خودتان به دیگران آموزش دهید. در کلاس نوشته‌هایتان را بخوانید؛ با راهنمایی دبیرتان، بهترین آنها را انتخاب کنید و به نام نویسنده آن در کتاب خود بنویسید.

۱ـ برای پیدا کردن مطالب مهم درس از خود بپرسید این درس به دنبال پاسخ دادن به چه پرسش‌هایی است.

درس دوم

فرهنگ جهانی

فرهنگ‌های مختلف، گسترهٔ جغرافیایی و تداوم تاریخی یکسانی ندارند. در طول زمان، در سرزمینی واحد، فرهنگ‌های متفاوتی پدید می‌آیند و در زمانی واحد در سرزمین‌های متعدد، فرهنگ‌های گوناگونی شکل می‌گیرند. عمر برخی از فرهنگ‌ها کوتاه و برخی دیگر طولانی است. برخی در مناطقی محدود به‌وجود می‌آیند و از مرزهای جغرافیایی خود عبور نمی‌کنند ولی برخی دیگر گسترش بسیاری دارند. نه تنها فرهنگ‌ها بلکه عناصر و اجزای فرهنگ‌ها نیز این‌گونه‌اند؛ برخی عناصر فرهنگی، تداوم تاریخی و گسترش جغرافیایی بیشتری دارند و برخی این‌گونه نیستند.

در سرزمین پهناور ایران در طول تاریخ چه فرهنگ‌هایی شکل گرفته‌اند؟ چه عناصری از این فرهنگ‌ها باقی مانده است؟

فرهنگ نمونه	تداوم تاریخی بالا	گستره جغرافیایی وسیع
ژاپن	✓	—
اینکاها	—	—
اسلام	✓	✓
مسیحیت	✓	✓
.....	.....	.....
.....	.....	.....

■ فرش پازریک، اثر ایرانی دورهٔ هخامنشی

■ «تومان» واژه‌ای مغولی است به معنای ده هزار. در تقسیمات کشوری به ده هزار سرباز «تومان» و به فرمانده آن «امیر تومان» می‌گفتند. «ریال» از کلمهٔ اسپانیایی و پرتغالیِ **real** به معنای شاهی و سلطنتی وارد فارسی شد.

چه فرهنگ‌هایی جهانی می‌شوند؟

آموختید که فرهنگ‌ها متنوع‌اند و این تنوع به عقاید و ارزش‌های اساسی و کلان آنها برمی‌گردد. یعنی روح و شالودهٔ فرهنگ‌ها متنوع است. فرهنگ‌ها از نظر گسترهٔ جغرافیایی و تداوم تاریخی نیز متنوع‌اند. این آموخته‌ها، زمینه‌ای برای پاسخ‌گویی به پرسش‌های زیر فراهم می‌کنند. فرهنگ جهانی چیست؟ چرا برخی از فرهنگ‌ها جهانی می‌شوند؟

فرهنگی که از مرزهای جغرافیایی و قومی عبور می‌کند و در جهان گسترش می‌یابد فرهنگ جهانی است.

فرهنگ‌هایی که عقاید و ارزش‌های آنها مربوط به قوم و منطقه خاصی است، از محدودهٔ قومی و منطقه‌ای خود فراتر نمی‌روند و جهانی نمی‌شوند؛ مگر اینکه نسبت به سایر اقوام و مناطق نگاه سلطه‌جویانه داشته باشند.

■ برخی فرهنگ‌ها ظرفیت جهانی شدن ندارند.

در طول تاریخ، فرهنگ‌هایی وجود داشته‌اند که از مرزهای جغرافیایی خود عبور کرده و به‌سوی جهانی‌شدن گام برداشته‌اند. این فرهنگ‌ها دوگونه‌اند:

گونهٔ نخست: فرهنگی است که عقاید، ارزش‌ها یا هنجارهای آن متعلق به قوم، منطقه یا

گروه خاصی است ولی نگاهی سلطه‌جویانه دارد. چنین فرهنگی با عبور از مرزهای جغرافیایی خود، جهان را به دو منطقهٔ مرکزی و منطقهٔ پیرامونی تقسیم می‌کند. منطقهٔ مرکزی، منطقهٔ پیرامونی را به خدمت می‌گیرد.

فرهنگ صهیونیسم و فرهنگ سرمایه‌داری دو نمونه از این گونه‌اند.

آیا می‌دانید صهیونیسم چه آرمان‌ها و ارزش‌هایی دارد؟ آرمان‌ها و ارزش‌های صهیونیسم، نژاد خاصی را مورد توجه قرار می‌دهد و با رویکرد دنیوی خود، دیگران را درخدمت به آن نژاد به‌کار می‌گیرد.

■ دیوار حائل بتونی در کرانهٔ باختری و نقاشی‌هایی که توسط فلسطینیان بر روی آن کشیده شده است. اسرائیل ساخت این دیوار را از سال ۲۰۰۲ آغاز کرده است.

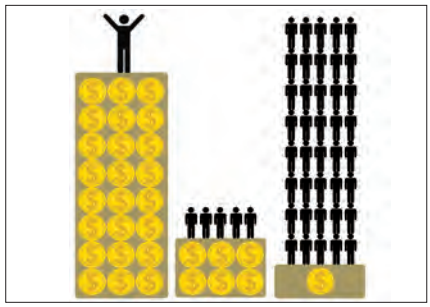

■ نابرابری

در مورد فرهنگ سرمایه‌داری چه می‌دانید؟ سرمایه‌داری کانون ثروت و قدرت را مورد توجه قرار می‌دهد و کشورهای دیگر را در پیرامون آن به خدمت می‌گیرد.

فرهنگی که تسلط یک قوم، جامعه یا گروهی خاص را بر دیگران به‌دنبال می‌آورد و دیگر اقوام، جوامع و گروه‌ها را به ضعف و ناتوانی می‌کشاند، فرهنگ سلطه یا استکبار است.

گونهٔ دوم: فرهنگی است که عقاید، ارزش‌ها و هنجارهای آن در خدمت گروه و قوم خاصی نیست بلکه سعادت همهٔ انسان‌ها را دنبال می‌کند و از عقاید و آرمان‌های مشترک انسانی سخن می‌گوید.

گفت‌وگو کنید

فرهنگی که عقاید، ارزش‌ها، هنجارها و رفتارهای آن مطابق نیازهای فطری باشد همان فرهنگ حق است. فارابی جامعه‌ای را که عقاید و ارزش‌های آن حق باشد اما هنجارها و رفتارهای آن موافق و همسو با حق نباشد، مدینهٔ فاسقه می‌نامد. دربارهٔ نمونه‌های تاریخی فرهنگ‌هایی که در آنها عقاید و ارزش‌ها با هنجارها و رفتارهایشان سازگار نیست، گفت‌وگو کنید.

با هم تکمیل کنید

انواع فرهنگ‌ها براساس قابلیت جهانی شدن	نمونه‌ها	پیامد
دارای ارزش‌های عام و جهان شمول	.....	.....
دارای ارزش‌های قومی و قبیله‌ای با نگاه سلطه‌جویانه	.....	.....
دارای ارزش‌های قومی و قبیله‌ای بدون نگاه سلطه‌جویانه	.....	.....

فرهنگ جهانی مطلوب چه ویژگی‌هایی دارد؟

«هرکس، فردی را بی‌آنکه مرتکب قتل یا فساد در زمین شده باشد بکشد، چنان است که گویی همهٔ انسان‌ها را کشته و هر کس انسانی را از مرگ رهایی بخشد، چنان است که گویی همهٔ مردم را زنده کرده است.» (مائده:۳۲)

تار و پود عالم امکان به هم پیوسته است
عالمی را شاد کرد آن کس که یک دل شاد کرد
(صائب تبریزی)

هم‌زبانی خویشی و پیوندی است
مرد با نامحرمان چون بندی است
ای بسا هندو و ترک هم‌زبان
ای بسا دو ترک چون بیگانگان
پس زبان محرمی خود دیگرست
همدلی از هم‌زبانی بهترست
غیرنطق و غیر ایما و سجل
صدهزاران ترجمان خیزد زدل
(مولوی)

نه افغانیم و نی ترک و تتاریم
چمن زادیم و از یک شاخساریم
تمیز رنگ و بو بر ما حرام است
که ما پروردهٔ یک نوبهاریم
(اقبال لاهوری)

به نظر شما وجه اشتراک مطالب بالا چیست؟عقاید و ارزش‌های فرهنگ جهانی باید عقاید و ارزش‌های مشترک انسانی باشد که از آنها به عقاید و ارزش‌های عام و جهان‌شمول یاد می‌شود. آیا می‌توانید به برخی از ارزش‌های عام و جهان‌شمول اشاره کنید؟

• تصور کنید ما انسان‌ها برای تشخیص صحیح یا غلط بودن اندیشه‌ها، افکار و اعمال هیچ‌گونه میزان و معیاری نداشتیم در آن صورت، چه وضعیتی پیدا می‌کردیم؟ در چه صورت یک فرهنگ از چنین معیارهایی محروم می‌شود؟ فرهنگ‌هایی که به **حقیقتی** قائل نباشند، نمی‌توانند معیار و میزانی برای سنجش عقاید و ارزش‌های مختلف داشته باشند و درنتیجه، نمی‌توانند از حقانیت ارزش‌های خود دفاع کنند.

• آدمی دربارهٔ مرگ و زندگی خود پرسش‌های بنیادینی دارد که باید به آنها پاسخ داده شود. او علاوه بر نیازهای مادی و دنیوی، نیازهایی ابدی و معنوی دارد. فرهنگی که صرفاً متوجه نیازهای مادی و دنیوی انسان است و از نیازهای ابدی و معنوی او چشم‌پوشی می‌کند، بشر را به بحران‌های روحی و روانی گرفتار می‌سازد. فرهنگ جهانی باید از **معنویت** که ارزشی جهان‌شمول است، برخوردار باشد.

• درچه صورت می‌توان از قطبی شدن جهان، بهره‌کشی ظالمانهٔ برخی انسان‌ها و جوامع از برخی دیگر و در نتیجه، پایمال شدن حقوق انسان‌ها جلوگیری کرد؟ چگونه می‌توان از تفرقه بین جوامع و تباه شدن منابع و امکانات بشر پیشگیری کرد؟ چاره این امر، ارزش جهان‌شمول **عدالت** است. فرهنگ جهانی باید در لایه‌های مختلف خود به این ارزش معتقد و پایبند باشد. «آسمان‌ها و زمین با عدالت پابرجا می‌مانند.» (پیامبر اکرم ﷺ)

• برخی قید و بندها مانع رسیدن انسان به کمال و حقوق انسانی‌اش می‌شوند و زمینهٔ ظلم بر او را فراهم می‌کنند. فرهنگ جهانی باید **آزادی** انسان از این قید و بندها را تأمین کند. آزادی همواره دو پرسش به‌همراه دارد: آزادی از چه؟ آزادی برای چه؟ زیرا آزادی همواره رهایی از یک امر برای رسیدن به امری دیگر است. به این پرسش‌ها براساس ارزش‌های جهان‌شمول دیگر مانند حقیقت، معنویت و عدالت پاسخ داده می‌شود. با پاسخی که به این دو پرسش داده می‌شود، معنای آزادی مشخص می‌گردد.

• برخی فرهنگ‌ها جبرگرا و غیرمسئول‌اند. آنها نقش انسان‌ها در تعیین سرنوشتشان را انکار

می‌کنند، قدرت مقاومت را از آدمیان می‌گیرند، آنها را به موجوداتی منفعل تبدیل می‌کنند و زمینه نفوذ سلطه‌گران را فراهم می‌آورند.

فرهنگ جهانی باید روحیه **تعهد و مسئولیت** را در انسان‌ها ایجاد کند تا زمینهٔ گسترش و تحقق عقاید و ارزش‌های جهان‌شمول را فراهم آورد.

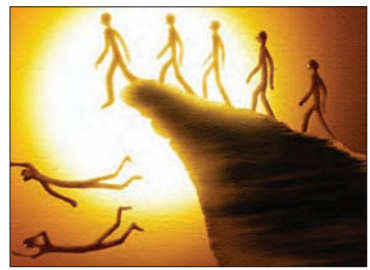

■ در فرهنگ‌های جبرگرا، انسان نمی‌تواند آینده‌اش را براساس اراده و عمل خود بسازد و محکوم به سرنوشتی محتوم است.

■ در طالع‌بینی، خصوصیات خلقی و رفتاری افراد تحت‌تأثیر موقعیت اجرام آسمانی و زمان تولد آنها تصور می‌شود.

- فرهنگ جهانی باید دارای دو سطح از **عقلانیت** باشد؛

ـ ابتدا باید به پرسش‌های بنیادین بشر دربارهٔ انسان و جهان پاسخ دهد. اگر فرهنگی نتواند به این پرسش‌ها پاسخ دهد، توانایی دفاع از هویت خود را نخواهد داشت.

ـ انسان علاوه بر پرسش‌های بنیادین، در شرایط تاریخی مختلف با پرسش‌ها و نیازهای متفاوتی مواجه می‌شود. فرهنگ جهانی باید توانایی پاسخ به پرسش‌های ثابت بشر و پرسش‌های متغیر را داشته باشد و براساس عقاید و ارزش‌های بنیادین خود، به این پرسش‌ها و نیازهای متغیر پاسخ مناسب بدهد[1].

■ پیدایش عرفان‌های دروغین، نوعی پاسخ‌گویی کاذب به نیازهای معنوی انسان است.

■ پیرشدن جمعیت، مسئله امروز بشر است و جوامع برای پاسخ‌گویی به آن چاره‌اندیشی می‌کنند.

■ یکی از پاسخ‌های امروز بشر به رشد جمعیت کره زمین و کمبود منابع، تولید محصولات تراریخته است. اصلاح ژنتیکی شاید مزایای بالقوه فراوانی داشته باشد، اما بیم و خطرهای نهفته در آن غیرقابل پیش‌بینی و محاسبه‌ناپذیر است.

۱ـ مثلاً معنای زندگی و مرگ پرسش همیشگی بشر است ولی بحران زیست‌محیطی درحالی که مسئله دیروز او نبوده، مسئله امروز اوست و چه‌بسا فردای تاریخ مسئله او نباشد یا صورت دیگری پیدا کند.

بخوانیم و بدانیم

آیا تأکید بر اشتراکات و شباهت‌ها در فرهنگ جهانی، مستلزم نادیده گرفتن تفاوت‌هاست؟ قبول تفاوت‌ها و محترم شمردن آنها در فرهنگ جهانی اهمیت بسیاری دارد. پذیرش تفاوت‌ها از صلح جهانی در برابر جنگ و خشونت محافظت می‌کند و انگیزهٔ شناخت متقابل جوامع و فرهنگ‌ها را فراهم می‌آورد. «ای مردم ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید. همانا گرامی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست.» (حجرات: ۱۳)

مراسم حج نمونهٔ بارز تأکید هم‌زمان بر شباهت‌ها و تفاوت‌های میان انسان‌ها و فرهنگ‌هاست. در این مراسم، انسان‌ها ــ از زن و مرد گرفته تا اقوام، ملت‌ها و نژادهای متفاوت ــ در جایگاهی برابر در یک مکان و زمان جمع می‌شوند و در کنار یکدیگر در مسیر خداپرستی رشد می‌کنند.

گفت‌وگو کنید

پیش از این، دربارهٔ تناسب زندگی فردی با زندگی فرهنگی سخن گفتیم. اگر فرهنگ جهانی ویژگی‌های جهان‌شمول گفته شده را داشته باشد، انسان‌هایی که در چنین فرهنگی پرورش می‌یابند چه ویژگی‌هایی خواهند داشت؟ چه انسان‌هایی و با چه ویژگی‌هایی می‌توانند چنین فرهنگی را پدید آورند؟

با هم تکمیل کنید

ویژگی‌های فرهنگ مطلوب جهانی	توضیحات
.....	.....
.....	.....
.....	.....
.....	.....
.....	.....
عقلانیت	ـ پاسخ به پرسش‌های ثابت بشر ـ پاسخ به پرسش‌های متغیر بشر

مفـاهیـم اساسی

فرهنگ جهانی .....

خلاصـه کنیـد

ـ فرهنگی که از مرزهای جغرافیایی و قومی عبور می‌کند و در پهنهٔ جهان گسترش می‌یابد، فرهنگ جهانی است.

آنچـه از ایـن درس آمـوختیـم

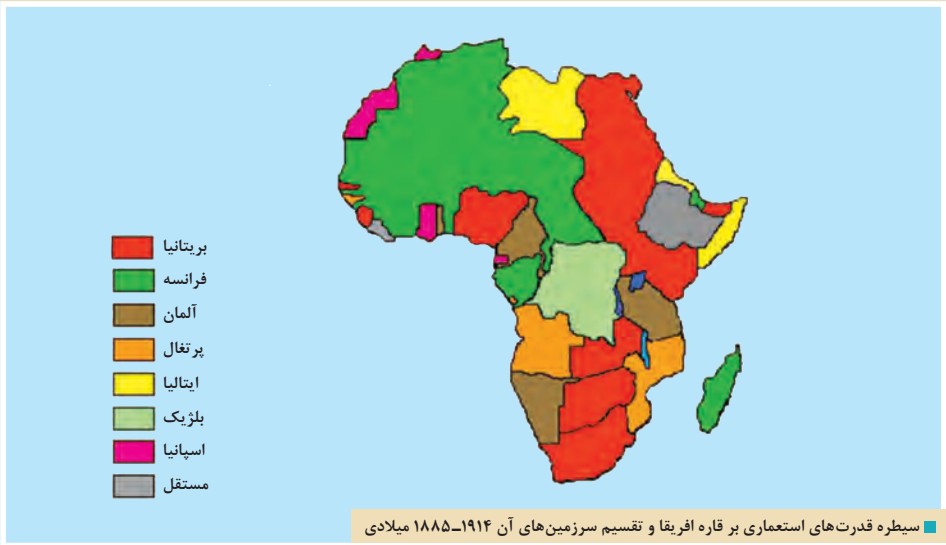

سیطره قدرت‌های استعماری بر قاره افریقا و تقسیم سرزمین‌های آن ۱۹۱۴ـ۱۸۸۵ میلادی

درس سوم

نمونه‌های فرهنگ جهانی ۱

ابونصر محمد فارابی(۳۳۰ ـ ۲۶۰ هـ.ش) در گونه‌شناسی جوامع، یکی از انواع جوامع جاهلی را جامعهٔ «تغلّب» می‌نامد. او در تعریف این نوع جامعه می‌نویسد: در جامعهٔ تغلّب، مردم برای غلبه یافتن بر سایر ملت‌ها با یکدیگر همکاری می‌کنند و این هنگامی پیش می‌آید که همهٔ آنها، شیفتهٔ غلبه بر اقوام و ملل دیگر باشند. هدف این مردم خوار و مقهور کردن دیگران است. آنها نمی‌خواهند ملّت مقهور، مالک جان و مال خود و... باشد. چنین افرادی دوست دارند بر یکایک مردم جامعهٔ خود نیز چیره شوند ولی از آنجا که در یک جامعه مردم برای بقای خود، غلبه بر اقوام دیگر و جلوگیری از غلبهٔ اقوام دیگر بر خود به هم نیازمندند، ناچارند از چیرگی بر یکدیگرخودداری کنند. چنین مردمی گمان می‌برند که فقط آنان خوشبخت، پیروز و مورد رشک دیگران‌اند (و باید باشند) و از همهٔ جوامع دیگر برترند. آنها مردم جوامع دیگر را خوار و بی‌ارزش می‌شمرند. این‌گونه اندیشه‌ها در آنان حس خودخواهی را تقویت می‌کند. پس، همواره می‌خواهند دیگران آنان را ستایش کنند. گمان می‌برند که ملّت‌های دیگر نتوانسته‌اند به موقعیتی که آنان به‌دست آورده‌اند، برسند و اصولاً چنین سعادتی را نمی‌شناسند.

آیا فارابی با این توضیحات، آرمان و ارزش اجتماعی برتر جامعهٔ تغلّب را به شما معرفی کرده است؟ آیا چنین فرهنگی در محدودهٔ مرزهای جغرافیایی و قومی خود باقی می‌ماند؟ اگر چنین فرهنگی در راه جهانی‌شدن قدم بگذارد، چه آثار و نتایجی در پی دارد؟

جهان‌گشایی و امپراتوری

در طول تاریخ فرهنگ‌هایی از مرزهای جغرافیایی خود عبور کرده و به سوی جهانی شدن گام برداشته‌اند. برخی از آنها فرهنگ سلطه و استکبار بوده‌اند. عملکرد فرهنگ سلطه در گذر تاریخ چگونه بوده است؟ نمونه‌های مختلف این فرهنگ کدام‌اند؟

برخی فرهنگ‌ها و جوامع، سلطه بر دیگر جوامع را ارزش اجتماعی برتر می‌دانند. درگذشته تاریخ، فرهنگ سلطه و استکبار، امپراتوری‌های بزرگی به‌وجود آورده است. امپراتوری و شاهنشاهی از طریق کشورگشایی و با قدرت نظامی و حضور مستقیم سربازان پیروز شکل می‌گیرد.

جهان‌گشایی و امپراتوری اغلب با کشتار و خسارت‌های انسانی و اقتصادی فراوان همراه بوده است. اسکندر تخت جمشید را به آتش کشید. مغولان برخی شهرها را از دم تیغ گذراندند و حیوانات آنها را نیز نابود کردند.

بخوانیم و بدانیم

در نتیجهٔ تهاجم مغول، شهری که چشم و چراغ تمام ماوراءالنهر و مکان اجتماع فضلا و دانشمندان بود، آن‌چنان ویران گردید که فراریان معدود این شهر جز جامه‌ای که بر تن داشتند چیزی دیگر نتوانستند با خود برند. یکی از اهالی بخارا که پس از آن واقعه جان سالم به‌در برده و به خراسان گریخته بود؛ چون حال بخارا را از او پرسیدند؛ جواب داد: «آمدند و کندند و سوختند و کشتند و بردند و رفتند».

جماعت زیرکان که این تقریر شنیدند، اتّفاق کردند که در پارسی موجزتر از این سخن نتواند بود.

(تاریخ جهانگشای جوینی)

آیا غلبهٔ نظامی همواره با غلبهٔ فرهنگی همراه است؟ در تاریخ اقوامی بوده‌اند که با قدرت نظامی بر دیگر اقوام تسلط پیدا کرده‌اند. غلبهٔ نظامی گرچه به‌حضور مستقیم مهاجمان در مناطق جغرافیایی مورد تهاجم منجر می‌شود، همواره گسترش فرهنگی آنها را به دنبال نمی‌آورد.

بنا و سنگ‌نوشته‌ای به خط یونانی به‌جا مانده از سلوکیان، حضور نظامی سلوکیان در ایران منجر به بسط فرهنگی آنان نشد.

قومی که در اثر تهاجم نظامی شکست می‌خورد، اگر هویت فرهنگی‌اش را حفظ کند با ضعیف شدن تدریجی قدرت نظامی مهاجم، می‌تواند استقلال سیاسی خود را به‌دست آورد و اگر فرهنگی غنی و قوی داشته باشد، می‌تواند گروه مهاجم را در فرهنگ خود هضم کند و به‌خدمت گیرد.

ایرانیان باستان فتوحاتی فراتر از مرزهای جغرافیایی‌شان داشتند امّا جهان‌گشایی‌ها به جهانی شدن فرهنگ آنان منجر نشد.

مغولان نیز با قدرت نظامی خود مناطق وسیعی از جهان را تصرف کردند ولی فرهنگ آنها، قومی و قبیله‌ای بود و شایستگی‌های جهانی شدن را نداشت. آنان به‌سرعت تحت تأثیر فرهنگ‌هایی قرار می‌گرفتند که به لحاظ نظامی از آنان شکست خورده بودند. این‌گونه بود که امپراتوری مغول در چین، هند و ایران تحت تأثیر فرهنگ‌های اقوام مغلوب، هویتی چینی، هندی و ایرانی پیدا کرد و به صورت سه حکومت مستقل درآمد.

به دستور غازان‌خان شهادتین (لا اله الّا الله، محمد رسول‌الله) بر دو سوی سکه‌ها ضرب شد.

غازان‌خان در حال قرائت قرآن، او هفتمین ایلخان از سلسله ایلخانیان ایران بود که به اسلام روی آورد و اسلام را دین رسمی اعلام کرد.

■ مسجد جامع‌النوری و منارهٔ الحدباء، نماد شهر موصل با سابقهٔ تاریخی ۸۰۰ ساله که توسط داعش منهدم شد.

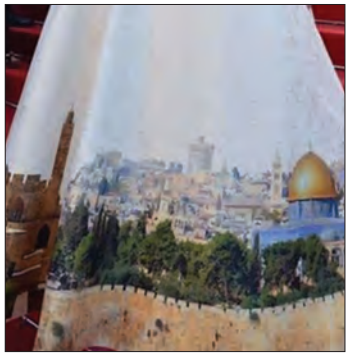

■ تصاویر مسجدالاقصی و قبةالصخره در حاشیهٔ دامن وزیر فرهنگ و ورزش رژیم اشغالگر صهیونیستی در جشنوارهٔ سینمایی کن. با هدف تأکید بر این ادعا که بیت‌المقدس، پایتخت تاریخی و همیشگی اسرائیل به‌شمار می‌رود.

تحلیل کنید

به نظر شما فرهنگ سلطه به‌دنبال چه نوع تأثیرات فرهنگی بر جوامع مغلوب است؟ چرا؟

امپریالیسم و استعمار

اروپا در پنج قرن اخیر، کانون شکل‌گیری فرهنگ جدیدی است که آن را به نام فرهنگ غرب می‌شناسیم. فرهنگ غرب در این مدت، اشکال مختلفی از سلطه را پدید آورده است. از سلطهٔ غرب با نام‌هایی مانند امپریالیسم و استعمار یاد کرده‌اند. دربارهٔ این دو واژه چه می‌دانید؟

■ سربازان آفریقایی ارتش مستعمراتی فرانسه در آفریقا

■ استفاده یک آمریکایی از کودک آفریقایی به‌جای صندلی

واژهٔ **امپریالیسم** از امپراتوری گرفته شده است و به هر نوع سلطه‌ای گفته می‌شود. امپریالیسم چه اشکال و انواعی دارد؟

امپریالیسم سیاسی با اشغال نظامی جوامع ضعیف شکل می‌گیرد.

در امپریالیسم اقتصادی، قدرت اقتصادی یک کشور، بازارها و مواد خام کشور دیگر را تصرف می‌کند.

در امپریالیسم فرهنگی، مقاومت فرهنگی منطقه‌ای که تحت تصرف اقتصادی یا نظامی جامعه‌ای دیگر قرارگرفته است، از بین می‌رود و قوم مغلوب، برتری فرهنگی جامعهٔ مسلط را نیز می‌پذیرد.

استعمار به معنای اشغال یک سرزمین خارجی، با توسل به قدرت نظامی و سیاسی است. کشور فاتح را دولت استعماری و کشور به بند کشیده شده را مستعمره می‌نامند. استعمار نوعی جهان‌گشایی و امپراتوری است که از قرن پانزدهم توسط اروپاییان آغاز شد و در قرن نوزدهم به اوج رسید. در این مدت، تصرفات اروپاییان از ۳۵ درصد کرهٔ زمین به ۶۷ درصد رسید.

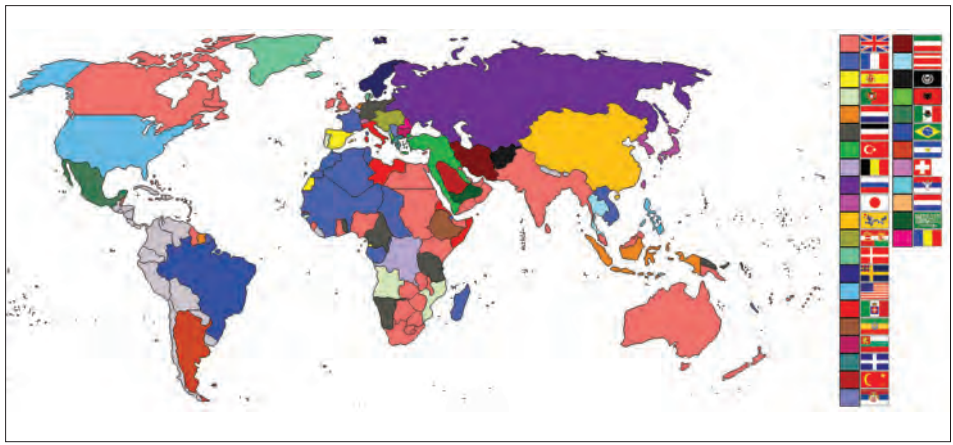

نقشهٔ مستعمرات در جهان، ۱۹۱۴

موفقیت‌های استعمار در این دوران ناشی از پیشرفت در زمینه‌های دریانوردی، فنون نظامی و اقتصاد صنعتی بود. استعمار اروپایی در سدهٔ هفدهم و هجدهم میلادی بزرگ‌ترین برده‌داری تاریخ بشریت را برپا کرد.

اروپاییان در هجوم به قارهٔ آمریکا، برای تأمین سلطهٔ خود، به نسل‌کشی دست زدند و شمار زیادی از ساکنان بومی را از بین بردند. آنها در یک دورهٔ پنجاه ساله، پانزده میلیون سرخ‌پوست را نابود کردند و مناطقی نظیر هائیتی، کوبا، نیکاراگوئه و سواحل ونزوئلا را که تراکم جمعیتی بالایی داشتند، از جمعیت خالی کردند.

■ بنای یادبود تجارت برده و تندیس‌های به‌کار رفته در آن در امتداد جادهٔ بردگان در غرب کشور بنین در قارهٔ آفریقا؛ این بنا یادآور آفریقایی‌هایی است که در قرون ۱۶ تا ۱۹ میلادی ربوده و به غرب فروخته شدند.

ببینیم و بدانیم

مستند «انگلیسی‌ها و تجارت برده» به بررسی تاریخ سیاه تجارت برده در انگلستان می‌پردازد. با تماشای این مستند به آثار و پیامدهای بزرگ‌ترین برده‌داری تاریخ، در اروپا و آفریقا پی می‌برید.

سلطهٔ جهان غرب بر کشورهای دیگر به سلطهٔ نظامی محدود نشد بلکه به مرور، اشکال جدیدی از آن پدیدار شد.

استعمار نو پس از شکل‌گیری جنبش‌های استقلال‌طلبانهٔ کشورهای مستعمره، طی قرن بیستم به‌وجود آمد. در استعمار نو، کشورهای استعمارگر با استفاده از شرایط مساعدی که در دورهٔ استعمار ایجاد کرده‌اند، از مجریان بومی و داخلی کشورهای مستعمره، برای رسیدن به اهداف استعماری خود استفاده می‌کنند.

دولت‌های استعمارگر برای به‌قدرت رساندن نیروهای وابسته به خود، از کودتای نظامی نیز استفاده می‌کنند. کودتای انگلیسی سوم اسفند ۱۲۹۹رضاخان و همچنین کودتای آمریکایی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲محمدرضا پهلوی دو نمونهٔ موفق از کودتاهای استعمار نو به‌شمار می‌روند و کودتای آمریکایی ـ انگلیسی نوژه[1]، که به قصد ضربه زدن به انقلاب اسلامی ایران طراحی شده بود، نمونهٔ شکست خوردهٔ این‌گونه کودتاهاست.

■ تبلیغات شرکت‌های تجاری در هند و نیجریه

۱ـ این توطئه در تاریخ ۱۸ تیرماه ۱۳۵۹ با همکاری عوامل داخلی و خارجی دشمن به قصد ضربه نهایی و قطعی به انقلاب اسلامی ایران طراحی شد. از آنجا که قرار بود این کودتا از پایگاه هوایی شهید نوژه همدان آغاز شود، پس از کشف و خنثی شدن به همین نام شهرت یافت.

در استعمار نو، کشور استعمارگر با اتکا به قدرت اقتصادی خود، با استفاده از نهادها و سازمان‌های اقتصادی و سیاسی بین‌المللی و ازطریق دولت‌های دست‌نشانده، کنترل بازار و سیاست کشورهای دیگر را در اختیار می‌گیرد.

در **استعمار فرا نو**، استعمارگران بیش از ابزارهای نظامی، سیاسی و اقتصادی از ابزارهای فرهنگی و علمی به ویژه رسانه‌ها و فنّاوری اطلاعات استفاده می‌کنند.

■ زبان فارسی پیش از آنکه هندوستان مستعمرهٔ انگلستان شود، دومین زبان رسمی و زبان فرهنگی و علمی این کشور بود. در سال ۱۸۳۶م، انگلیسی‌ها، زبان انگلیسی را زبان رسمی هند کردند.

■ استفاده از ابزار رسانه‌ای در قالب بازی‌های رایانه‌ای؛ بازی رایانه‌ای که در آن حمله به ایران و مناطقی از تهران شبیه‌سازی شده است.

در استعمار قدیم، استعمارگران حضور مستقیم و آشکار داشتند اما در استعمار نو، استعمارگران پنهان و مجریان آشکارند. در استعمار فرا نو، استعمارگران و مجریان هر دو پنهان‌اند.

جهان غرب در استعمار فرا نو، هویت فرهنگی دیگر کشورها را هدف قرار می‌دهد؛ یعنی به عقاید، آرمان‌ها و ارزش‌های فرهنگ‌های دیگر هجوم می‌برد و باورها و ارزش‌های فرهنگی خود را تبلیغ و ترویج می‌کند.

مردمی که برتری فرهنگی جهان غرب را پذیرفته باشند، هویت خود را در حاشیهٔ جهان غرب جست‌وجو می‌کنند و به مسیری می‌روند که جهان غرب برای آنان ترسیم می‌کند.

گفت‌وگو کنید

مفاهیمی چون تهاجم فرهنگی، شبیخون فرهنگی و ناتوی فرهنگی به کدام یک از مراحل استعمار مرتبط‌اند؟ به نظر شما کشور ما برای مقابله با این شکل از استعمار چه ظرفیت‌هایی دارد؟

با هم تکمیل کنید

انواع استعمار	ابزارها	.....
.....	.....	.....
.....	.....	استعمارگران پنهان و مجریان آشکار
.....	.....	.....

مفـاهیـم اساسی

فرهنگ سلطه .....

خلاصـه کنیـد

ـ امپریالیسم به هر نوع سلطه‌ای گفته می شود و می تواند صورت‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی داشته باشد.

آنچـه از ایـن درس آمـوختیـم

درس چهارم

نمونه‌های فرهنگ جهانی ۲

دین اسلام با دعوت فراگیر خود، ایجاد یک فرهنگ جهانی را مورد توجه قرار داده است. اسلام، دین یک عصر و نسل خاص نیست. اصول اعتقادی و ارزش‌های آن، اصول و ارزش‌های ثابتی است که همه انبیا در طول تاریخ برای تبلیغ و ترویج آنها مبعوث شده‌اند. این اصول و ارزش‌ها مطابق با نظام آفرینش و موافق با فطرت آدمیان‌اند بنابراین به قوم و گروه خاصی تعلق ندارند بلکه جهان‌شمول هستند.

توحید، از خداوند واحدی حکایت دارد که خدای قوم و قبیلهٔ خاصی نیست بلکه خداوند همهٔ آدمیان و پروردگار همهٔ جهان‌هاست. همهٔ موجودات از او پدید آمده‌اند و به سوی او باز می‌گردند. او عالم را حکیمانه آفریده است و تدبیر می‌کند.

انسان از دیدگاه اسلام، موجودی مختار، مسئول، متعهد، دارای فطرتی الهی و خلیفهٔ خداوند در زمین است. سعادت و عزت انسان در نزدیک شدن به خداوند و رسیدن به مقام خلافت الهی است و شقاوت و ذلت او در فراموشی حقیقت الهی خود و دیگر موجودات و به‌کارگیری تمامی ظرفیت‌ها و توانمندی‌های الهی خویش، برای زندگیِ محدود این جهان است. انسان مسئول آبادکردن این جهان و موظف به پرهیز از فساد در آن است.

عقل در فرهنگ اسلام، زیباترین و محبوب‌ترین مخلوق خداوند است. پیامبران برای شکوفایی عقل آدمیان، اجرای عدالت، جلوگیری از چرخش ثروت در دست اغنیا و آزادسازی مستضعفان از حاکمیت مستکبران مبعوث شده‌اند. آنان برای رهایی آدمیان از زنجیرهایی آمده‌اند که انسان‌ها را به بندگیِ انسان‌های دیگر و بت‌های انسان‌ساخته، وادار می‌سازند. اسلام، مسلمانان را موظف به تلاش برای آزادی مستضعفان می‌داند و پیروزی مستضعفان بر مستکبران و حاکمیت دین حق را به بشریت نوید می‌دهد. بر این اساس، توانمندی‌های اسلام برای ساختن یک فرهنگ جهانی مطلوب چیست؟

مراحل گسترش فرهنگ اسلامی

عقاید و ارزش‌های اسلامی چگونه وارد فرهنگ بشری شدند؟ آیا می‌دانید فرهنگ اسلامی در تاریخ گسترش خود چه دوره‌هایی را پشت سرگذاشته است؟

عقاید و ارزش‌ها با پذیرش انسان‌ها به عرصهٔ فرهنگ بشری راه می‌یابند و جلوه و نمود تاریخی پیدا می‌کنند. عقاید و ارزش‌های اسلامی در تاریخ گسترش خود مراحل مختلفی را پیموده‌اند.

عصر نبوی: قبل از ظهور اسلام شبه‌جزیرهٔ عربستان، فرهنگ جاهلیِ قبیله‌ای داشت. شمال‌غربی شبه جزیره، تحت نفوذ و سلطهٔ امپراتوری روم و جنوب شرقی آن تحت تأثیر و سلطهٔ شاهنشاهی ایران بود. در چنین شرایطی، خداوند سبحان، پیامبر خود را با آیات روشنگر برای تبلیغ توحید و گسترش فرهنگ اسلامی در جامعهٔ بشری برانگیخت.

مسجد النبی در مدینه

رسول خدا ﷺ پس از سیزده سال دعوت مردم به اسلام و مقاومت در برابر فشار نظام قبیله‌ای عرب جاهلی، حکومت اسلامی را تشکیل داد و طی ده سال حکومت، موانع سیاسی پیش روی اسلام در شبه‌جزیرهٔ عربستان را از بین برد. در سال نهم هجرت، گروه‌های مختلف برای پذیرش اسلام از سراسر شبه جزیره به مدینه آمدند. پیامبر خدا ﷺ پیش از رحلت نامه‌های دعوت به دین خدا را به امپراتوری‌های ایران و روم فرستاده بود.

دوران خلافت: این دوران از زمان رحلت رسول خدا ﷺ آغاز شد و در طول خلافت اموی، عباسی و عثمانی ادامه یافت.

مسجد جامع سامرا از مساجد مشهور دورهٔ عباسیان

مسجد اموی در دمشق

فرهنگ جاهلی در عصر نبوی تا فتح مکه، در برابر اسلام آشکارا مقاومت کرده بود و از آن پس، به ناچار ظاهر اسلامی به خود گرفته بود. در دوران خلافت، ارزش‌ها، هنجارها و رفتارهای جاهلی دوباره در جامعه اسلامی نمایان شد و به تدریج قدرت در جامعهٔ اسلامی را براساس روابط قبیله‌ای و عشیره‌ای شکل داد. اما عقاید و ارزش‌های جهانی اسلام، فارغ از عملکرد قدرت‌های سیاسی و با تلاش و کوشش عالمان مسلمان، از مرزهای جغرافیایی و سیاسی جوامع مختلف عبور کرد و بر قدرت‌های سیاسی که در این مناطق حضور داشتند، تأثیر گذاشت. فرهنگ اسلامی، به دلیل قدرت و غنای خود، گروه‌های مهاجم بیگانه را نیز درون خود هضم و جذب می‌کرد یا دست کم آنان را ناگزیر می‌ساخت که برای بقای خود، در ظاهر از مفاهیم و ارزش‌های دینی استفاده کنند.

کاخ دلمه باغچه در استانبول، در بنای این کاخ که محل اقامت آخرین سلاطین عثمانی بوده، ۱۴ تن ورقه طلا به‌کار رفته است.

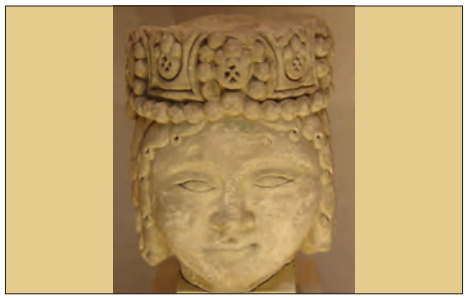

سردیس شاهزادهٔ سلجوقی، مهم‌ترین پوشش سر پادشاهان سلجوقی و غزنوی تاج با تزییناتی از جواهرات بود.

غلبهٔ قدرت‌هایی مانند سلجوقیان، خوارزمشاهیان، مغولان و عثمانی که در چارچوب فرهنگ قومی و قبیله‌ای رفتار می‌کردند نیز مانع می‌شد تا ظرفیت‌های فرهنگ اسلامی و ارزش‌های اجتماعی آن به‌طور کامل آشکار شود.

بخوانیم و بدانیم

اسلام، مواریث و آداب بی‌زیان اقوام مختلف را تحمل کرد، همه را به هم درآمیخت و از آن چیز تازه‌ای ساخت؛ فرهنگ تازه‌ای که حدود و ثغور نمی‌شناخت و تنگ‌نظری‌هایی که دنیای سرمایه‌داری را به ملت‌ها، مرزها و نژادها تقسیم می‌کرد در آن مجهول بود. مسلمان از هر نژاد که بود، عرب یا ترک، سندی یا افریقایی، در هر جایی از قلمرو اسلام قدم می‌نهاد، خود را در وطن و دیار خویش می‌یافت. همه جا، در مسجد، در مدرسه، در خانقاه، در بیمارستان از هر قوم مسلمان نشانی بود و یادگاری، اما بین مسلمانان نه اختلاف جنسیت مطرح بود نه اختلاف تابعیت. همه جا یک دین بود و یک فرهنگ؛ فرهنگ اسلامی که فی‌المثل زبانش عربی بود، فکرش ایرانی، خیالش هندی و ... امّا دل و جانش اسلامی بود و انسانی. پرتو آن در سراسر قلمرو اسلام وجود داشت؛ مدینه، دمشق، بغداد، ری ، نیشابور، قاهره، قرطبه، غرناطه، قونیه، قسطنطنیه، کابل، لاهور و دهلی. زادگاه آن هم همه جا بود و هیچ جا. در هر جا از آن نشانی بود و در هیچ جا رنگ خاصی بر آن قاهر نبود. اسلامی بود، نه شرقی و نه غربی. با این‌همه، رشد و نمو آن در طی مدت سه ــ چهار قرن متوالی چنان سریع بود که فقط به یک معجزه شگرف می‌مانست.

(عبدالحسین زرین کوب، کارنامه اسلام)

تحقیق کنید

در کتاب جامعه‌شناسی (۱) با ارزش‌های اجتماعی اسلام آشنا شدید. کدام‌یک از این ارزش‌ها با حاکمیت‌های قومی ــ قبیله‌ای نادیده گرفته می‌شد؟ دربارهٔ نادیده انگاشتن ارزش‌های اجتماعی چون اخوت اسلامی، عدالت، ضابطه‌گرایی (در مقابل رابطه‌گرایی) و... تحقیق کنید.

استعمار و بیداری اسلامی

در درس گذشته با استعمار غربی و صورت‌های مختلف آن آشنا شدید. فرهنگ اسلامی و استعمار غربی چگونه با هم مواجه شدند؟ استعمار غربی چه تأثیری بر فرهنگ اسلامی گذاشت و فرهنگ اسلامی با استعمار غربی چه برخوردی داشت؟

گسترش اسلام در کشورهای غربی

دورهٔ استعمار: دولت‌های استعماری غربی، بخش‌های مختلف جوامع اسلامی را تحت نفوذ و سلطهٔ سیاسی خود درآوردند و با تکیه بر قدرت نظامی و صنعتی خویش، بیشترِ سیاستمداران و دولتمردانِ جوامع اسلامی را مغلوب ساختند.

قدرت سیاسی جوامع اسلامی که تا قبل از استعمار، بیشتر قومی و قبیله‌ای بود، در دوران استعمار، از طریق سازش با دولت‌های غربی، با قدرت استعمارگران پیوند خورد و **استبداد ایلی و قومی** به‌صورت **استبداد استعماری** درآمد.

تفاوت راهبردی استبداد قومی با استبداد استعماری این است که استبداد قومی با وجود اینکه دارای هویتی غیراسلامی بود به دلیل اینکه پشتوانه و پیشینه‌ای خارج از جهان اسلام نداشت، از رویارویی مستقیم با فرهنگ توانمند اسلامی دوری می‌کرد و می‌کوشید با رعایت ظواهر اسلامی، ظاهر دینی خود را حفظ کند. در مقابل، استبداد استعماری به دلیل اینکه در سایهٔ قدرت و سلطهٔ جهان غرب عمل می‌کرد، برای تأمین نیازهای اقتصادی و فرهنگی جهان غرب، چاره‌ای جز حذف مظاهر فرهنگ اسلامی نداشت.

■ تکیه دولت؛ بنایی که برای برگزاری مراسم محرم و صفر و اجرای تعزیه به فرمان ناصرالدین شاه در تهران برپا شد.

■ به دنبال تصویب قانونی در ۱۷ دی ۱۳۱۴ هـ.ش، استفاده از چادر، روبنده و روسری برای زنان و دختران ایرانی ممنوع شد.

عصر بیداری اسلامی: در جهان اسلام، در مقابل نفوذ و سلطهٔ فرهنگ غرب، مقاومت‌هایی شکل گرفت که ریشه در فرهنگ اسلامی داشت. متفکران جهان اسلام، خطرات سلطهٔ فرهنگ غرب و فراموشیِ فرهنگ و هویت اسلامی را گوشزد کردند.

■ سید جمال‌الدین اسدآبادی، امام موسی صدر، شیخ ابراهیم زاکزاکی

انقلاب اسلامی ایران، نقطهٔ عطفی در بازگشت به فرهنگ اسلامی در جهان اسلام است. بسیاری از نخبگان کشورهای اسلامی تا قبل از انقلاب اسلامی ایران، برای مقابله با سلطهٔ

استعمار، از مکاتب و روش‌های غربی مانند ناسیونالیسم[1] (ملّی‌گرایی) یا مارکسیسم[2] استفاده می‌کردند. این مکاتب علاوه بر اینکه وحدت امت اسلامی را مخدوش می‌کردند، مورد حمایت مردمی که در دامان فرهنگ اسلام تربیت یافته بودند نیز قرار نمی‌گرفتند. امت اسلامی با الهام از انقلاب اسلامی و بازگشت به سوی هویت الهی خود، مرحلهٔ جدیدی را در گسترش فرهنگ جهانی اسلام آغاز کرده است.

ببینیم و بدانیم

فیلم‌هایی مانند محمد رسول الله ﷺ، عمرمختار، سربداران و .... معرف دوره‌ای از دوره‌های گسترش فرهنگ اسلامی است. با دیدن این فیلم‌ها و مقایسهٔ آنها تا حدودی با مراحل مختلف گسترش فرهنگ اسلامی آشنا می‌شوید.

تحقیق کنید

دربارهٔ تأثیرات صدسال اخیر ناسیونالیسم در جهان اسلام تحقیق کنید.

با هم تکمیل کنید

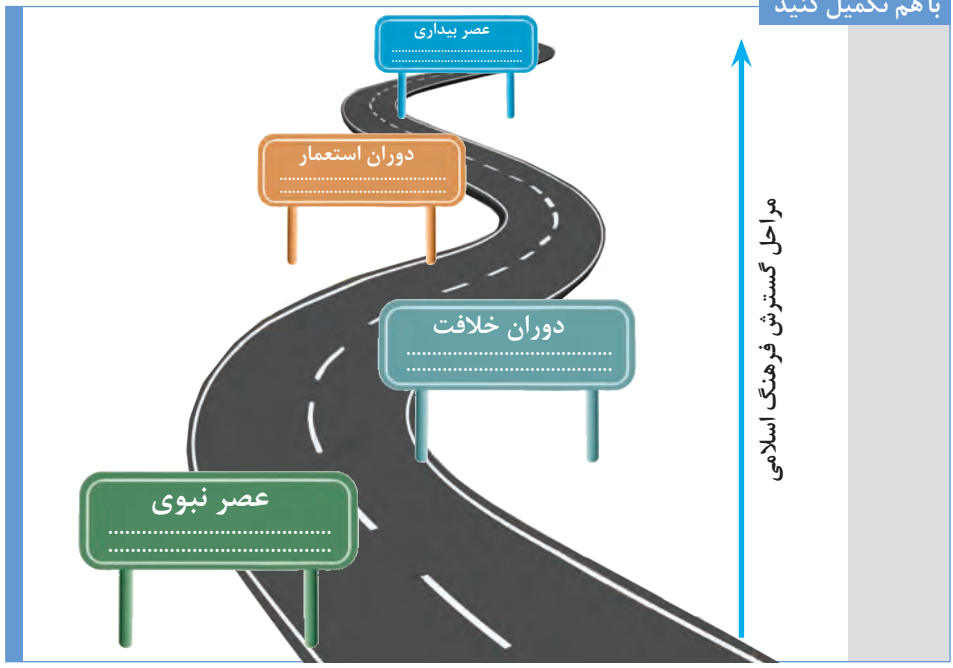

۱ـ مجموعه‌ای از باورها و نمادها که دلبستگی و تعلق به ملّت، سرزمین، نژاد، قوم و زبان را اصل قرار می‌دهد و صرفاً تعلق خاطر و وابستگی به چنین عناصری را آرمان اساسی انسان‌ها و تعیین‌کننده هویت ملت‌ها می‌داند.

۲ـ تفکری برگرفته از اندیشه‌های مارکس است که انقلاب طبقاتی (انقلاب کارگران علیه سرمایه‌داران) را تنها راه رهایی از چنگال نظام سرمایه‌داری و مشکلات آن می‌داند.

مفـاهیـم اساسی

عقاید و ارزش‌های جهانی اسلام

خلاصـه کنیـد

ـ دین اسلام عقاید و ارزش های جهان شمول دارد.

آنچـه از ایـن درس آمـوختیـم

فصل دوم

فرهنگ معاصر غرب و نظام نوین جهانی

در سال‌های گذشته دربارهٔ نسبت فرهنگ و جامعه مطالبی آموختید. آیا آنها را به یاد دارید؟ میان فرهنگ معاصر غرب و نظام نوین جهانی نیز چنین نسبتی برقرار است. برای شناخت دقیق و عمیق نظام نوین جهانی و چگونگی پیدایش آن باید فرهنگ معاصر غرب را بشناسیم. باید ببینیم، فرهنگ جدید غرب چه ویژگی‌هایی دارد، چگونه پدید آمده و چگونه از مرزهای خود فراتر رفته و به شکل‌گیری نظام نوین جهانی انجامیده است؟ از سوی دیگر، نظام نوین جهانی زمینهٔ گسترش فرهنگ جدید غرب را فراهم آورده است. چگونه این نظام به مواجههٔ فرهنگ غرب با سایر فرهنگ‌ها و تمدن‌ها منجر می‌شود و این مواجهه چه سرنوشتی را برای جهان رقم می‌زند؟ فصل دوم کتاب، فرصتی برای بررسی بعضی از این پرسش‌ها فراهم می‌آورد. مطالعهٔ دقیق و عمیق آن را از دست ندهید.

اهداف فصل دوم

انتظار می‌رود دانش‌آموز با مشارکت در موقعیت‌های یاددهی ـ یادگیری این فصل، شایستگی‌های زیر را کسب کند:

۱. باورهای بنیادین فرهنگ معاصر غرب را بشناسد و با عقاید بنیادین متناظر در فرهنگ توحیدی مقایسه کند؛ تأثیر این عقاید بنیادین را بر سطوح مختلف فرهنگ غرب شرح دهد و چگونگی عبور جهان غرب از مسیحیت و نهادینه شدن سکولاریسم در لایه‌های بنیادین فرهنگ معاصر غرب را تحلیل نماید.

۲. با تهیهٔ روزنامهٔ دیواری، نوشتن مقاله، ارائهٔ گزارش علمی و... تفاوت حقوق طبیعی بشر و حقوق فطری الهی انسان را نشان دهد؛ با ارائهٔ شواهد، آثار متفاوت این دو نوع نگاه به حقوق انسان‌ها را بیان کند و به احقاق حقوق انسان‌ها در سطوح محلی، ملّی، منطقه‌ای و جهانی علاقه‌مند شود.

۳. تفاوت حضور و فعالیت فرهنگ‌های مختلف را در نظام جهانی کهن و نوین تشریح کند؛ تأثیر فرهنگ غرب بر شکل‌گیری نظام نوین جهانی و مهم‌ترین تحولات اقتصادی، سیاسی و فرهنگی این نظام را از زمان پیدایش تاکنون توضیح دهد؛ رویکردی واقع‌بینانه نسبت به غرب پیدا کند و توان مواجههٔ آگاهانه و فعال با فرهنگ غرب را به‌دست آورد.

۴. به راهکارهای غرب برای گسترش و تعمیق جهانی فرهنگ غرب در سطح فرهنگ عمومی و نخبگان دیگر جوامع پی ببرد؛ برای دفاع از هویت فرهنگی جامعهٔ خود انگیزهٔ کافی پیدا کند و در این زمینه بکوشد.

یک نقاشی مدرن در موزه لندن

درس پنجم

باورها و ارزش های بنیادین فرهنگ غرب

حتماً در درس ادبیات فارسی با تمثیل و اهمیت آن آشنا شده‌اید. استفاده از تمثیل در علوم اجتماعی نیز رایج است از جمله برای شناسایی و معرفیِ پیچیدگی‌ها و ظرافت‌های زندگی فرهنگی و اجتماعی انسان، آنها را به چیزهای آشناتری تشبیه می‌کنند. در درس اول از عقاید و ارزش‌های بنیادین فرهنگ در حکم شالوده و روح فرهنگ یاد شد؛ یعنی اگر فرهنگ را به انسان تشبیه کنیم، عقاید و ارزش‌ها همانند روح و هنجارها و نمادها مانند جسم آن هستند. اگر فرهنگ را به ساختمان تشبیه کنیم، عقاید و ارزش‌ها پی و شالودهٔ آن‌اند و کل ساختمان به آن تکیه دارد. اگر فرهنگ را به درخت تشبیه کنیم، عقاید و ارزش‌های بنیادین مانند ریشه‌های آن هستند.

عقاید و ارزش‌های بنیادین هر فرهنگ، عمیق‌ترین لایه‌های آن را تشکیل می‌دهند. عقاید و ارزش‌های بنیادین هر فرهنگ در پاسخ به پرسش‌های اساسی انسان پدید می‌آیند؛ یعنی همان پرسش‌های هستی‌شناسانه، انسان‌شناسانه و معرفت‌شناسانه.

در پنج قرن اخیر اروپا، کانون شکل‌گیری فرهنگ جدیدی بوده است که آن را با نام فرهنگ غرب می‌شناسیم. هنجارها، رفتارها و نمادهای مختلف غربی ریشه در باورها و ارزش‌های بنیادین این فرهنگ دارند. باورها و ارزش‌های بنیادین فرهنگ غرب کدام‌اند؟ غرب جدید به پرسش‌های اساسی بشر چه پاسخ‌هایی داده است؟

سکولاریسم و رویکرد دنیوی

سکولاریسم، پاسخ فرهنگ معاصر غرب به پرسش‌های هستی‌شناسانهٔ بشر است. به عبارت دیگر سکولاریسم، جهان‌بینی فرهنگ غرب یا تصور آن از جهان هستی است. دربارهٔ سکولاریسم چه می‌دانید؟

سکولاریسم به معنای رویکرد دنیوی و صرفاً این جهانی به هستی است. در این رویکرد، همهٔ ظرفیت‌های انسان، متوجه آرمان‌ها و اهداف دنیوی و این جهانی می‌شود. بدین ترتیب، ابعاد معنوی انسان و جهان به فراموشی سپرده می‌شود یا به‌صورت گزینشی در خدمت اهداف و نیازهای دنیوی قرار می‌گیرد. بر همین اساس می‌توان باور سکولار در فرهنگ غرب را به دو دسته «آشکار» و «پنهان» تقسیم کرد.

سکولاریسم آشکار: باورها و فلسفه‌هایی را شامل می‌شود که آشکارا، ابعاد غیرمادیِ جهان هستی را انکار می‌کنند.

سکولاریسم پنهان: شامل باورها و فلسفه‌هایی است که ابعاد معنوی هستی را نفی نمی‌کنند؛ بلکه بخش‌هایی از باورهای معنوی و دینی را در خدمت اهداف دنیوی و این جهانی قرار می‌دهند و از توجه یا عمل به بخش‌های دیگر سر باز می‌زنند. رویکرد گزینشی جهان غرب به ابعاد معنوی و دینی جهان، سبب پیدایش و رشد برخی نهضت‌های جدید دینی شده است که از آن با عنوان «پروتستانتیسم» یاد می‌شود.

دیدار سران کشورهای اروپایی با پاپ

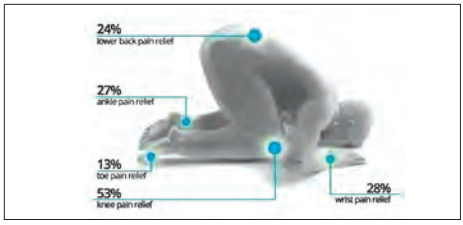

توجیه هنجارها و رفتارهای دینی با تفاسیر دنیوی؛ مطابقت دادن حرکات نماز با حرکات ورزشی و بیان مفید بودن آن برای سلامت بدن

در فرهنگ معنوی و دینی، آبادی دنیا هدف مستقلی نیست بلکه خود وسیله‌ای است که در خدمت اهداف معنوی قرار می‌گیرد. اگر افرادی که درون فرهنگ دینی زندگی می‌کنند، دنیا را هدف برتر خود قرار داده باشند، از آشکار کردن آن پرهیز می‌کنند و رفتار دنیوی خود را توجیه دینی می‌کنند امّا در جهان غرب، سکولاریسم به صورت جهان‌بینی غالب درآمده است؛ به گونه‌ای که دین‌داران، ناگزیر هنجارها و رفتارهای دینی خود را توجیه دنیوی و این جهانی می‌کنند.

گفت‌وگو کنید

ـ پیش از این، رفتار دنیاگرایانی که در جهان معنوی و دینی زندگی می‌کنند و دین‌دارانی که در جهان سکولار زندگی می‌کنند با هم مقایسه شده‌است. با تأمل در این مقایسه، دربارهٔ نقش فرهنگ غالب در جهت‌گیری افراد گفت‌وگو کنید.
ـ آیا عقاید و رفتارهای دینی، آثار دنیوی ندارند و آیا بیان آثار دنیوی آنها اشکالی دارد؟ در چه‌صورت پرداختن به آثار دنیوی عقاید و رفتارهای دینی مشکل‌ساز می‌شود؟

اومانیسم و اصالت انسان دنیوی

یکی از اساسی‌ترین پرسش‌های بشری، پرسش از چیستی و کیستی خود انسان است. نگاه فرهنگ غرب به انسان چگونه است؟ این نگاه چه تأثیری در هنر، ادبیات و حقوق انسان‌ها داشته است؟

اومانیسم، مهم‌ترین ویژگی انسان شناختی فرهنگ معاصر غرب است و به معنای اصالت انسان دنیوی و این جهانی است.
اومانیسم از نتایج منطقی سکولاریسم است.[1] اگر در کانون هستی یک وجود مقدس و متعالی باشد، هیچ موجودی در مقابل آن نمی‌تواند اصالت داشته باشد و همهٔ موجودات از جمله انسان، آیات و نشانه‌های او خواهند بود.
در فرهنگ اسلامی، انسان برترین آیت و نشانهٔ خداوند سبحان و خلیفهٔ او در زمین است و به همین دلیل بر موجودات دیگر برتری دارد.
براساس آیات قرآن کریم، انسان هنگامی به کرامت و خلافت دست می‌یابد که به ابعاد دنیوی و این جهانی خود محدود نشود و هرچه می‌تواند به خداوند نزدیک‌تر شود. اگر انسان به ابعاد دنیوی خود محدود بماند، گمراه می‌شود و حیاتی حیوانی یا پست‌تر از آن خواهد داشت.

۱ـ انسان بخشی از جهان هستی است. از این‌رو انسان‌شناسی هر فرهنگی متناسب با هستی‌شناسی آن فرهنگ است.

در فرهنگی که نگاه توحیدی ندارد، انسان موجودی صرفاً این جهانی است که مستقل از خدا، اجازهٔ هرگونه تصرفی را در دیگر موجودات دارد.
اومانیسم در بخش‌های مختلف فرهنگ غرب نظیر هنر، ادبیات و حقوق بروز یافته است.
هنر قرون وسطی، بر بعد معنوی و آسمانی انسان تأکید می‌کرد و نقاشان، چهرهٔ انسان‌های اسوه را در هاله‌ای از قداست ترسیم می‌کردند امّا هنر مدرن، بر بعد جسمانی و زیبایی‌های بدنی تمرکز می‌کند.

هنر قرون وسطی بر بعد معنوی وجود انسان تأکید داشت امّا هنر مدرن به بعد جسمانی وجود انسان توجه دارد.

بخوانیم و بدانیم

ادبیات مدرن به سلوک‌های معنوی و مکاشفات و مشاهدات الهی انسان توجهی ندارد بلکه حالات روانی آدمیان در زندگی روزمره و این جهانی را منعکس می‌کند، به همین دلیل، رمان در فرهنگ غرب، بیشترین اهمیت را پیدا کرده است.

حقوق انسان در فرهنگ دینی، مبتنی بر فطرت الهی انسان است امّا حقوق بشر بر مبنای اندیشهٔ اومانیستی، صرفاً براساس خواسته‌ها، عادت‌ها و تمایلات طبیعی آدمیان شکل می‌گیرد.
اگر در فرهنگ‌های دینی، افرادی هواهای نفسانی خود را دنبال کنند، آن را به صورت آشکار و رسمی اظهار نمی‌کنند، بلکه نفس پرستی خویش را در قالب مفاهیم دینی پنهان می‌کنند؛ مثلاً فرعون از خواسته‌های نفسانی خود تبعیت می‌کرد و از دیگران می‌خواست که از او پیروی کنند.

او ناگزیر بود خود را در زمرهٔ خدایان معرفی کند تا بتواند موقعیت و رفتار ظالمانه خود را توجیه نماید و می‌گفت: « أنا رَبُّکُمُ الاَعلی؛ من پروردگار برتر شما هستم.» ولی انسان مدرن خواسته‌های دنیوی و این جهانی خود را بدون آنکه نیازی به توجیه الهی و آسمانی داشته باشد به رسمیت می‌شناسد.

تصویر فرعون، نقاشی‌های دیواری مصر باستان

بخوانیم و بدانیم

اعلامیهٔ حقوق بشر چون بر اساس احترام به انسانیت، آزادی و مساوات تنظیم شده و برای احیای حقوق بشر به‌وجود آمده، مورد احترام و تکریم هر انسان با وجدانی است. در دین اسلام انسان، حقوق انسان، آزادی و مساوات نهایت ارزش و احترام را دارد. اما این اعلامیه یک متن فلسفی است و به دست بشر نوشته شده است به همین دلیل، هر فیلسوفی حق دارد آن را تجزیه و تحلیل کند و ضعف‌هایی را که در آن می‌بیند تذکر دهد. از نظر این اعلامیه، انسان به‌واسطهٔ کرامت و شرافت مخصوص به‌خود، حقوق و آزادی‌هایی دارد که سایر جانداران به‌دلیل نداشتن آن شرافت و کرامت ذاتی، از آن حقوق و آزادی‌ها بی‌بهره‌اند. نقطهٔ قوت این اعلامیه همین است.

حالا باید بپرسیم آن حیثیت ذاتی انسانی که منشأ حقوقی برای انسان شده و او را از اسب، گاو، گوسفند و کبوتر متمایز ساخته است، چیست و همین جاست که یک تناقض واضح میان اساس اعلامیهٔ حقوق بشر از یک طرف و انسان‌شناسی غرب از طرف دیگر نمایان می‌شود.

در فلسفهٔ غرب سال‌هاست که انسان از ارزش و اعتبار افتاده است. سخنانی که در گذشته دربارهٔ انسان و مقام ممتاز وی گفته می‌شد و ریشهٔ همهٔ آنها در مشرق زمین بود، امروز در اغلب فلسفه‌های غربی مورد تمسخر و تحقیر قرار می‌گیرد. انسان از نظر غرب تا حدود یک ماشین تنزل کرده و روح و اصالت او انکار شده است. اعتقاد به علت غایی و هدف داشتن طبیعت، یک عقیدهٔ ارتجاعی تلقی می‌گردد. در غرب از اشرف مخلوقات بودن انسان نمی‌توان دم زد. از نظر غرب اینها خودخواهی‌هایی بوده که در گذشته دامن‌گیر بشر شده است. بشرامروز خود را مانند موجودات دیگر بیش از مشتی خاک نمی‌داند.

اگر قرار است معتقد باشیم که طبیعت جریانات خود را کورکورانه طی می‌کند، اگر قرار است اعتقاد به روح و اصالت آن، اغراق دربارهٔ خود باشد، اگر قرار است انگیزه و محرک اصلی بشر در همهٔ کارها، امور اقتصادی یا جنسی یا برتری طلبی باشد، اگر قرار است نیک و بد به‌طور کلی مفاهیم

نسبی باشند و الهامات فطری و وجدانی سخن یاوه شمرده شود، اگرانسان بندهٔ شهوات و میل‌های نفسانی خود باشد و جز در برابر زور سر تسلیم خم نکند و اگر...
چگونه می‌توانیم از حیثیت و شرافت انسانی و حقوق غیر قابل سلب و شخصیت قابل احترام انسان دم بزنیم و آن را اساس و پایه همه فعالیت های خود قرار دهیم؟!
(استاد شهید مرتضی مطهری، نظام حقوق زن در اسلام)

مقایسه کنید

تفاوت حقوق بشر را در دو فرهنگ دینی و سکولار بیان کنید.

روشنگری و علوم جدید

از روشنگری به عنوان مهم‌ترین ویژگی معرفت‌شناختی فرهنگ معاصر غرب یاد شده است.
منظور از روشنگری چیست؟ روشنگری چه تأثیری بر علم در جهان متجدد گذاشته است؟

روشنگری راه شناخت حقیقت و موانع شناخت آن را معرفی می‌کند.
روشنگری در **معنای عام**، پدیده‌ای مدرن و مربوط به فرهنگ معاصر غرب نیست. انبیای الهی از دیرباز برای روشنگری و از بین بردن موانعی آمده‌اند که راه را بر حقیقت بسته‌اند. در فرهنگ دینی اسلام، عقل، وحی و تجربه روش‌های شناخت حقیقت‌اند.
روشنگری در این معنا، اگر با هستی‌شناسی و انسان شناسی دینی همراه باشد، با استفاده از وحی، عقل و تجربه، تفسیری دینی از انسان و جهان ارائه می‌دهد.
روشنگری در **معنای خاص**، به مبنای معرفت‌شناسی پذیرفته شده در فرهنگ غرب گفته می‌شود و روشی از معرفت و شناخت است که با سکولاریسم و اومانیسم همراه شده است. این روش در طول بیش از چهارصد سال فرهنگ جدید غرب، شکل‌های مختلفی پیدا کرده است که وجه مشترک همهٔ آنها کنار گذاشتن وحی و شهود در شناخت حقیقت است.

روشنگری در سده‌های هفدهم و هجدهم میلادی، بیشتر شکلی عقل‌گرایانه داشت. روشنگری با رویکرد دنیوی، اگر با شناخت عقلی همراه باشد، به دلیل اینکه وحی را نمی‌پذیرد به دئیسم منجر می‌شود. دئیسم یعنی اعتقاد به خدایی که هیچ برنامه‌ای برای هدایت و سعادت بشر ندارد.
روشنگری در سده‌های نوزدهم و بیستم، بیشتر شکل حس‌گرایانه پیدا کرد. وقتی روشنگری به شناخت حسی و تجربی محدود شود، نوعی علم تجربی سکولار پدید می‌آورد. این علم، توان داوری دربارهٔ ارزش‌ها و آرمان‌های انسانی را ندارد (زیرا این پدیده‌ها حسی نیستند) و صرفاً به‌صورت دانش ابزاری[1]، در خدمت اهداف دنیوی انسان قرار می‌گیرد.
از پایان قرن بیستم با افول حس‌گرایی، فرهنگ غرب گرفتار بحران معرفت‌شناختی شده است. در بحران معرفت شناختی امکان تشخیص درست یا غلط بودن باورها و اندیشه‌ها و خوب یا بد بودن هنجارها و رفتارها از بشر سلب می‌شود.

بخوانیم و بدانیم

در جهان هستی موجودات و پدیده‌های مختلفی وجود دارد که هر کدام با روش‌های مناسب خود شناخته می‌شوند. انسان امور محسوس مانند پدیده‌های طبیعی را از راه مشاهده و حس (دیدن، شنیدن، لمس کردن و...) می‌شناسد، امّا امور غیرطبیعی، محسوس نیستند و نمی‌توان آنها را به کمک حواس شناسایی کرد. از این رو قوانین علمی، قضایای ریاضی و قوانین فلسفی را به کمک عقل و از راه استدلال عقلی می‌شناسیم. انسان علاوه بر **شناخت حسی** و **شناخت عقلی** از **شناخت شهودی** نیز بهره می‌برد. شناخت شهودی از راه مشاهدهٔ حسی و استدلال عقلی به دست نمی‌آید؛ مثلاً ما بدون مشاهده و استدلال، به غم و شادی درون خود یا محبت و تنفر نسبت به دیگران پی‌می‌بریم. شناخت شهودی، انواع و مراتبی دارد. وحی نوع خاصی از شناخت شهودی است که خداوند برای هدایت آدمیان به پیامبران اعطا کرده است. وحی الهی انسان را به استفاده از عقل فرا می‌خواند و به حس نیز به عنوان یکی از ابزارهای شناخت توجه می‌کند.
حس، **عقل** و **وحی** امکانات خدادادی هستند که بشر برای شناخت جهان هستی از آنها استفاده می‌کند. برخی فرهنگ‌ها مانع شکوفایی این امکانات می‌شوند.

۱ـ دانشی که صرفاً وسیلهٔ رسیدن به اهداف دنیوی است و توانایی ارزیابی ارزش‌ها و اهداف انسانی را ندارد.

مقایسه کنید

با توجه به آنچه گفته شد، ویژگی‌های روشنگری غرب و پیامدهای آن را در دوره‌های زمانی زیر مقایسه کنید.

روشنگری		
دورهٔ زمانی	ویژگی	پیامد
قرون هفدهم و هجدهم	عقل‌گرایی، نفی وحی	دئیسم
قرون نوزدهم و بیستم	حس‌گرایی، نفی عقل و وحی	دانش ابزاری
پایان قرن بیستم	افول تجربه‌گرایی، نفی تجربه، نفی عقل و وحی	بحران معرفتی

با هم تکمیل کنید

عقاید و ارزش‌های بنیادین	فرهنگ معاصر غرب	فرهنگ توحیدی
هستی‌شناختی	.....	.....
انسان‌شناختی	.....	.....
معرفت‌شناختی	.....	.....

مفـاهیـم اساسی

سکولاریسم .....

خلاصـه کنیـد

ـ سکولاریسم پاسخ فرهنگ معاصر غرب به پرسش‌های هستی شناسانهٔ بشر است.

آنچـه از ایـن درس آمـوختیـم

درس ششم

چگونگی تکوین فرهنگ معاصر غرب

گاهی یک ساختمان تکمیل شده و آمادهٔ سکونت را بدون توجه به زمان و مکان پیدایش آن بررسی می‌کنیم و اطلاعاتی از آن به دست می‌آوریم؛ مثلاً از زیربنا، ارتفاع، تعداد طبقات، امکانات، زیبایی، شکل، رنگ و ... آگاه می‌شویم. حتی می‌توانیم ویژگی‌هایی مانند میزان استحکام و میزان مقاومت در برابر زلزله را که قابل مشاهده نیستند، بررسی کنیم.

ولی گاهی روند احداث ساختمان را مورد بررسی قرار می‌دهیم و از چگونگی ساخته شدن آن سؤال می‌کنیم. در این حالت گویا با سازندگان ساختمان همراه می‌شویم و در جریان جزئیات فرایند ساختِ آن قرار می‌گیریم؛ برای مثال، مهندسان، معماران و کارگرانی را که در ساختن آن شریک بوده‌اند می‌شناسیم و می‌فهمیم چه مصالحی و با چه کیفیت و ارزشی در این ساختمان به کار رفته است، آیا ساختمان از اول نقشهٔ مشخصی داشته و اگر نقشه‌ای داشته آیا به صورت دقیق اجرا شده است یا در مواردی آن را تغییر داده‌اند. حتی می‌توانیم بدانیم مکانی که ساختمان فعلی به جای آن بنا شده، چگونه بوده و چه محدودیت‌ها و فرصت‌هایی برای ساخته شدن بنای جدید ایجاد کرده است.

فرهنگ و جهان فرهنگی را نیز می‌توان از همین منظرها مورد مطالعه قرار داد. در درس گذشته، فرهنگ معاصر غرب را بررسی کردیم و از باورها و ارزش‌های بنیادین آن سخن گفتیم، اما اینکه چگونه فرهنگی با این ویژگی‌ها در تاریخ و جغرافیای خاصی شکل گرفته، موضوع مهم دیگری است که در این درس آن را بررسی می‌کنیم. فرهنگ معاصر غرب چه پیشینه‌ای دارد، چه مراحل و دوره‌هایی را سپری کرده است؟ چه افراد، گروه‌ها، سازمان‌ها و نهادهایی در شکل‌گیری آن دخیل بوده‌اند؟

رنسانس و زمینه‌های تاریخی آن

فرهنگ معاصر غرب در گذشتهٔ تاریخی آن ریشه دارد. دوره‌های تاریخی فرهنگ غرب کدام‌اند و جهان غرب چگونه از آن دوره‌ها عبور کرده است؟

تاریخ فرهنگ غرب به چهار دوره تقسیم می‌شود:
یونان و روم باستان، قرون وسطی، رنسانس و غرب جدید.
رنسانس به معنای «تجدید حیات» و «تولد دوباره» است و از قرن چهاردهم تا شانزدهم میلادی را شامل می‌شود. دلیل نام‌گذاری این دوره به رنسانس، این است که غرب در این زمان به فرهنگ یونان و روم بازگشت. فرهنگ یونان و روم باستان، فرهنگ اساطیری بود امّا فرهنگ قرون وسطی، فرهنگ دینی مسیحیت است.
در فرهنگ اساطیری یونان و روم، خداوندگاران متکثّر پرستیده می‌شدند اما فرهنگ مسیحیت با دعوت به توحید شکل گرفت.

■ چند تن از خداوندگاران یونان و روم باستان؛ زئوس، ژوپیتر، نپتون، هرمس

طی قرون وسطی، آباء کلیسا[1] از شعارها و مفاهیم معنوی و توحیدی استفاده می‌کردند اما رویکرد دنیوی داشتند و دنیاگرایی و سکولاریسمِ در عمل را دنبال می‌کردند. آنها به نام خداوند، بندگان خدا را به بندگی می‌گرفتند و همچنین به بهانه ایمان و وحی، عقل را از اعتبار می‌انداختند.
جنگ‌های صلیبی، مواجههٔ اروپاییان با مسلمانان و بالاخره فتح قسطنطنیه، زمینه‌های فرو ریختن اقتدار کلیسا را فراهم کرد. فرو ریختن اقتدار کلیسا سبب شد تا در دوران رنسانس، پادشاهان و قدرت‌های محلی به عنوان رقیبانِ دنیا طلبِ کلیسا، فرصت بروز و ظهور پیدا کنند. این رقیبان به دلیل رویکرد دنیوی خود و برای حذف کلیسا، به جای انتقاد به عملکرد آباء کلیسا به تدریج دخالت دین را در امور دنیوی انکار کردند.
در دوران رنسانس رویکرد دنیوی به عالم، در سطح هنر، اقتصاد، سیاست و همچنین در قالب حرکت‌های اعتراض‌آمیز مذهبی آشکار شد.

۱ـ به متکلمان برجستهٔ مسیحی، آباء کلیسا (پدران کلیسا) گفته می‌شد. اندیشه‌های آنان نقش مهمی در آموزه‌های مسیحیت داشته است. آنها تفاسیری بر کتاب مقدس می‌نوشتند، امور مربوط به ایمان و شرایط آن را شرح می‌دادند و تعالیم مسیحی را انتقال می‌دادند.

مجسمه داوود اثر میکل آنژ؛ بازگشت به هنر یونان باستان

- هنرمندان دوران رنسانس با بازگشت به هنر یونان، به ابعاد جسمانی و دنیوی انسان اهمیت دادند.
- با رشد تجارت، کشف آمریکا و بالا گرفتن تب طلا، زمینه‌های عبور از اقتصاد کشاورزیِ ارباب ـ رعیتی فراهم آمد.
- شاهزادگان اروپایی به‌رقابت با قدرت کلیسا پرداختند و در این جهت از حرکت‌های اعتراض‌آمیز کشیشانی حمایت کردند که با قدرت پاپ مخالف بودند.

- حرکت‌های اعتراض‌آمیز مذهبی (پروتستانتیسم) در جهت اصلاح دینی پدید آمدند. بخشی از این حرکت‌ها، فقط با قدرت پاپ مخالفت داشتند و با جریان دنیاگرا تقابل نداشتند. بخشی دیگر رویکرد معنوی داشتند و در تقابل با جریان دنیاگرا قرار گرفتند.

حرکت‌های نوع اول با حمایت قدرت‌های محلی توانستند بخشی از اروپای مسیحی را از تسلط کلیسا خارج سازند؛ ولی حرکت‌های نوع دوم، مورد هجوم کاتولیک‌ها و دیگر پروتستان‌ها قرار گرفتند و امکان گسترش پیدا نکردند.

بخوانیم و بدانیم

آناباپتیست‌ها گروهی از پروتستان‌ها بودند که با جریان‌های دنیاگرایانه‌ای که از دوران رنسانس پدید آمده بود به مخالفت برخاستند. این گروه با تحولات اجتماعی بعدیِ جهان غرب همراهی نکردند. بخشی از آنها که امروز با عنوان آمیش‌ها شناخته می‌شوند از قرن شانزدهم تا امروز، شیوهٔ زندگی خود را تغییر نداده‌اند. تاریخ اروپا شاهد کشتار آناباپتیست‌ها توسط مسیحیان کاتولیک و دیگر پروتستان‌ها بوده است و امروزه تنها گروه‌های محدودی از آنها باقی مانده‌اند.

آمیش‌ها

شکنجه و قتل آناباپتیست‌ها

تحقیق کنید

مواجههٔ کلیسا با مسلمانان در طول جنگ‌های صلیبی و فتح قسطنطنیه، چگونه زمینه‌های فرو ریختن اقتدار کلیسا را فراهم ساخت؟

رابطهٔ فلسفه روشنگری و فرهنگ جدید غرب

دکارت، روسو، دیدرو

قبلاً با معنای عام و خاص روشنگری آشنا شده و آموخته‌اید که روشنگری در معنای خاص نوعی معرفت‌شناسی است که با سکولاریسم و اومانیسم همراه می‌شود. این منظومه، فلسفهٔ روشنگری را می‌سازد.

فلسفهٔ روشنگری چگونه در تاریخ فرهنگ غرب گسترش پیدا کرد؟ فیلسوفان روشنگری چه نقشی در شکل‌گیری فرهنگ جدید غرب ایفا کرده‌اند؟

در فرهنگ اساطیری یونان و روم باستان با غفلت از نگاه توحیدی به عالم، خداوندگاران متکثّر پرستیده می‌شدند. مسیحیت به‌عنوان یک دین توحیدی در جهت مقابله با آن موفقیت‌هایی را به‌دست آورده بود؛ ولی تحریفاتی که در مسیحیت قرون وسطی رخ داد دو پیامد زیر را به دنبال داشت:

- **در سطح اندیشه و نظر**، مسیحیت آمیخته با رویکردهای اساطیری شد و با قبول تثلیث از ابعاد عقلانی توحید دور ماند.
- **در سطح زندگی و عمل**، مسیحیان و آباء کلیسا در تعامل با فرهنگ امپراتوری روم، به سوی نوعی دنیاگرایی گام برداشتند. کلیسا در این مقطع، عملکرد دنیوی خود را در پوشش معنوی و دینی توجیه می‌کرد.

بخوانیم و بدانیم

آریوس، روحانی اهل اسکندریه، براین باور بود که عیسی علیه‌السلام مخلوقی است که خداوند به واسطهٔ او جهان را آفریده است. باور او، مخالفان و موافقانی داشت. کنستانتین، امپراتور روم، در سال ۳۲۵م، برای بررسی باور او، دستور داد شورای نیقیه (نخستین شورای کلیسای جهانی) تشکیل شود. این شورا، آریوس را محکوم کرد و با نفی مخلوق بودن عیسی علیه‌السلام، او را خدای حقیقی از خدای حقیقی و هم‌ذات با خدا اعلام کرد و به لعن کسانی پرداخت که این باور را نداشتند.

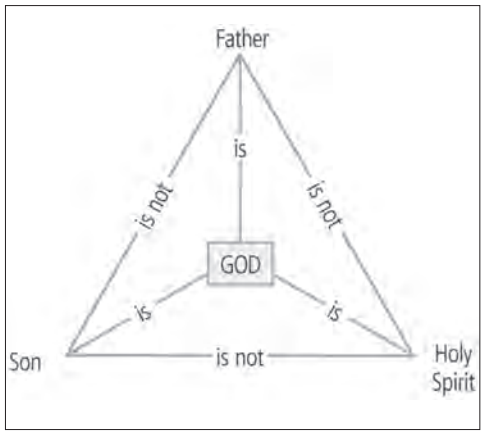

بنا بر تثلیث، خداوند، عیسی علیه‌السلام و روح‌القدس با آنکه سه شخص‌اند، یک ذات واحدند.

باور به خدابودن عیسی علیه‌السلام برای کنستانتین و کسانی که در عالم اساطیری قبل از مسیحیت به پرستش خداوندگاران محسوس عادت داشتند، مناسب‌تر بود.

بعدها ماسدنیوس، اسقف قسطنطنیه، الوهیّت روح‌القدس را نپذیرفت. شورای دیگری در سال ۳۸۱ م عقیدهٔ او را محکوم و در دومین شورای کلیسای جهانی اعلام شد، کلیسای کاتولیک همچنان طرفدار تثلیث است. بنا بر تثلیث، خداوند، عیسی علیه‌السلام و روح‌القدس با آنکه سه شخص‌اند، یک ذات واحدند. این عقیده که یک ذات واحد، سه شخص باشد، باوری نبود که عقل آن را بپذیرد. این مسئله، کلیسا را به تقابل عقل و ایمان سوق داد.

در دورهٔ رنسانس فرهنگ غرب برای بسط و گسترش ابعاد دنیوی خود، به سوی حذف پوشش دینی گام برداشت و به تفسیر غیرتوحیدی فرهنگ یونان و روم باستان بازگشت.

فرهنگ جدید غرب با پیدایش فلسفه‌های روشنگری آغاز می‌شود. رویکرد سکولار که پیش از آن، از طریق هنر و تفاسیر پروتستانی از دین در زندگی اجتماعی و فرهنگ عمومی[1] گسترش پیدا کرده بود، با فلسفه‌های روشنگری، عمیق‌ترین لایه‌های فرهنگ غرب را تسخیر کرد.

دنیاگرایی رایج در سطح هنجارها، رفتارها و زندگی مردم، زمینهٔ گسترش فلسفه‌های روشنگری را فراهم آورد و فلسفه‌های روشنگری، سکولاریسم را از لایه‌های سطحی فرهنگ غرب به لایه‌های عمیق آن تسری داد و فرهنگ معاصر غرب را پدید آورد.

۱ـ دانش‌ها، تلقی‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای مشترک در میان عموم مردم

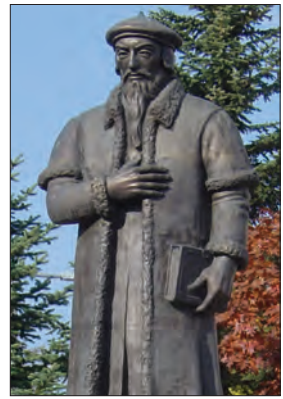

ژان کالون و مارتین لوتر؛ اصلاح‌گران دینی که با تفاسیر پروتستانی از دین، در گسترش فرهنگ سکولار در فرهنگ عمومی غرب نقش داشتند.

گفت‌وگو کنید

در گذشته با تغییرات سطحی و عمیق در جهان اجتماعی و جهان فرهنگی آشنا شدید و آموختید که وقتی تغییرات از لایه‌های سطحی یک فرهنگ به لایه‌های عمیق و بنیادین آن برسند، هویت آن فرهنگ دچار تغییر می‌شود. (مثلاً یک فرهنگ دینی به یک فرهنگ دنیوی تبدیل می‌شود.)
به کمک این دانسته‌ها دربارهٔ نقش فلسفه‌های روشنگری در شکل‌گیری فرهنگ معاصر غرب گفت و گو کنید.

آثار فرهنگ جدید غرب در زندگی اجتماعی

آثار فرهنگ جدید غرب به تدریج در زندگی اجتماعی مردم نمودار شد. یعنی از ریشه‌ها به تنه، شاخه‌ها و برگ‌ها رسید. عقاید و ارزش‌های بنیادین غرب آثار خود را از طریق هنر، دین و فلسفه‌های جدید به تدریج در عرصه‌های علم و فنّاوری و صنعت، اقتصاد، حقوق و سیاست آشکار کردند. این مسیر چگونه طی شد؟

• **علم و فنّاوری و صنعت:** علم جدید با رویکرد دنیوی خود، دیگر وظیفهٔ شناخت حقیقت عالم و مسئولیت عبور انسان را از ملک به ملکوت برعهده نداشت[1]؛ بلکه به تدریج به ابزار تسلط انسان بر طبیعت تبدیل شد و از این جهت به دستاوردهای شگرفی نائل آمد.

۱ـ علم علاوه بر جنبه مُلکی (تأمین دنیا و معاش) دارای جنبه ملکوتی است؛ یعنی، انسان را به سمت خدای جهان و کمال حقیقی فرا می‌خواند و وسیله‌ای است برای رساندن انسان به کمال که دنیا و آخرت او را آباد می‌سازد و وظیفه‌اش محدود به آباد کردن این دنیا و مُلک نمی‌شود.
«وظیفه محققان و نظریه‌پردازان، جهان‌بینی است اولاً، جهان‌داری است ثانیاً و جهان‌آرایی است ثالثاً.» (آیت‌الله عبدالله جوادی آملی)

در رویکرد جدید، علوم تجربی در بین علوم مختلف بیشترین اهمیت را پیدا کرد. فنّاوری و صنعت، رهاورد این بخش از علوم بود. در قرن هجدهم، انقلاب صنعتی[1] از انگلستان آغاز شد و به تدریج در دیگر کشورهای اروپایی گسترش یافت.

● **اقتصاد:** اقتصاد قرون وسطی بر مبنای کشاورزی و روابط اجتماعی ارباب ـ رعیتی بود. نظام ارباب ـ رعیتی در غرب که از آن با عنوان فئودالیسم یاد می‌شود، نوعی برده‌داری بود؛ زیرا کشاورزان، وابسته به زمین‌های اربابان خود بودند و امکان جابه‌جایی نداشتند.

گسترش تجارت و به دنبال آن رشد صنعت، قشر جدید سرمایه‌داران را به‌وجود آورد؛ بدین ترتیب، اقتصادِ کشاورزیِ فئودالی به اقتصادِ صنعتیِ سرمایه‌داری متحول شد و روابط ارباب ـ رعیتی به روابط کارگران ـ سرمایه‌داران تغییر یافت.

■ یک تصویر چاپی از خانواده انگلیسی که در خانه، به سبک قبل از نظام کارخانه‌ای به دوختن لباس‌های نظامی برای ارتش اشتغال داشت.

■ انبوه کارگران در دوران انقلاب صنعتی انگلستان

● **حقوق بشر:** در فرهنگ دینی، حقوق انسانی، مبتنی بر ربوبیت پروردگار[2] و فطرت الهی انسان است.

در قرون وسطی، رفتارهای دنیوی، توجیه دینی می‌شد. حرکت‌های اعتراض‌آمیز رنسانس، به جای بازگشت به‌سوی حقیقت الهی انسان، به رویگردانی از نگاه معنوی منجر شد. بدین ترتیب، به‌جای حقوق فطری الهی انسان، حقوق طبیعی بشر شکل گرفت:

حقوق فطری الهی انسان، ابعاد و نیازهای معنوی و دنیوی انسان را مورد توجه قرار می‌داد و با

۱ـ انقلاب صنعتی، مجموع نوآوری‌های فنی و اقتصادی بود که در اواسط قرن هجدهم برای اولین بار در انگلستان پدید آمد. ماشینی شدن صنعت نساجی، پیشرفت‌های فنی و توسعهٔ صنعت، مهار نیروی بخار، استقرار نظام کارخانه‌ای و... چهرهٔ جامعه انگلستان را از یک جامعه کشاورزی به یک جامعه صنعتی دگرگون کرد و سپس کشورهای دیگر اروپا و امریکای شمالی را تحت تأثیر قرار داد.

۲ـ خداوند هم خالق انسان است و هم تدبیرکننده و هدایت‌کننده او. کسی که فقط خالقیت خداوند و نه ربوبیت او را پذیرفت، واضع حقوق و تکالیف را نیز غیر او و متعلق به خود انسان خواهد دانست.

دو ابزار وحی و عقل شناخته می‌شد ولی حقوق طبیعی بشر، با توجه به خواسته‌ها و نیازهای صرفاً طبیعی و این جهانی او شناخته می‌شود.

- **سیاست:** متناسب با باورها و ارزش‌های بنیادین غرب (سکولاریسم، اومانیسم و روشنگری) یک نظام سیاسی کاملاً دنیوی شکل گرفت. چنین نظامی نه می‌توانست به دنبال حاکمیت ارزش‌های الهی باشد و نه می‌خواست عملکرد یا خطاهای دنیوی خود را توجیه دینی نماید.

لیبرالیسم اندیشهٔ سیاسی جدیدی است که براساس اصالت بخشیدن به انسان دنیوی (اومانیسم) شکل می‌گیرد و خواست و ارادهٔ آدمی را مبدأ قانون‌گذاری می‌داند.

لیبرالیسم را جایز دانستن همهٔ امور در قیاس با خواست انسان تعریف کرده‌اند. این به معنای آزادی انسان از همهٔ ارزش‌های متعالی است که مستقل از او باشد.

انقلاب فرانسه که ریشه در دوران رنسانس و اندیشه‌های فلسفی روشنگری و تغییرات اجتماعی مربوط به انقلاب صنعتی دارد، نخستین انقلاب لیبرال در جهان است. این انقلاب، الهام بخش انقلاب‌های دیگری شد که پس از چهار دهه، سراسر اروپا را فرا گرفت.

گفت‌وگو کنید

تحولات فرهنگی ـ اجتماعی غرب در زمینه‌های دینی، فلسفی، صنعتی، سیاسی و ترتیب تاریخی آنها را بیان کنید.

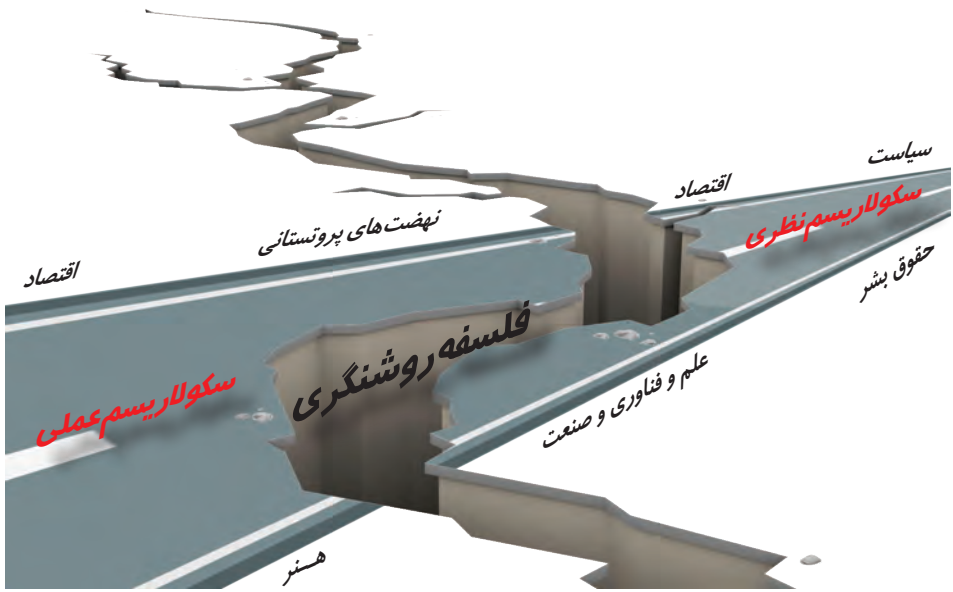

فرهنگ جدید غرب ← فرهنگ دینی مسیحیت

مفـاهیـم اساسی

پروتستانتیسم .....

خلاصـه کنیـد

ـ فرهنگ جدید غرب از طریق تفاسیر پروتستانی از دین در سطح فرهنگ عمومی بسط پیدا کرد.

آنچـه از ایـن درس آمـوختیـم

درس هفتم

جامعهٔ جهانی

در هر دورهٔ تاریخی، جوامع مختلف و شبکهٔ روابط میان آنها، جامعهٔ جهانی را می‌سازد.
جامعهٔ جهانی براساس ویژگی‌های فرهنگی و قدرت تأثیرگذاری جوامع مختلف، حالت‌های متفاوتی به خود می‌گیرد.

- هنگامی که یک فرهنگ در سطح جهانی غالب باشد، به میزانی که آن فرهنگ، ویژگی‌های مطلوب یک فرهنگ جهانی را داشته باشد، جامعهٔ جهانی از انسجام برخوردار خواهد بود. اگر فرهنگ یا فرهنگ‌های غالب و اثرگذار، ویژگی‌های مطلوب را نداشته باشند، جامعهٔ جهانی با چالش‌های درون فرهنگی مواجه خواهد شد. فرهنگ سلطه، جامعهٔ جهانی را به بخش‌های مرکز و پیرامون تقسیم می‌کند؛ کشورهای پیرامون را به مرکز وابسته می‌سازد و زمینهٔ ستیز و چالش میان آنها را ایجاد می‌کند.
- هنگامی که جامعهٔ جهانی عرصهٔ حضور فعّال فرهنگ‌های متفاوت باشد، تعاملات، گفت‌وگوها و برخوردهای فرهنگی و تمدنی رخ خواهد داد، در این صورت، چالش‌های جامعهٔ جهانی نیز از نوع چالش‌های بین فرهنگی و تمدنی خواهند بود. مواجههٔ فرهنگ غرب با فرهنگ اسلام نمونه‌ای از چالش بین فرهنگ‌ها و تمدن‌ها در سطح جهان است.امروزه جامعهٔ جهانی در چه وضعیتی قرار دارد؟ کدام یک از حالت‌های گفته شده بر جامعهٔ جهانی حاکم است؟

جامعهٔ جهانی در گذشته و حال

جامعهٔ جهانی تاریخ و سرگذشتی دارد. جامعهٔ جهانی در گذشته چگونه بوده و در دوران جدید چه ویژگی‌هایی پیدا کرده است؟

■ در مرکز نقاشی دیواری شورای امنیت، پرندهٔ افسانه‌ای ققنوس در حال پرواز از خاکستر، تصویر شده که نماد بازسازی جهان از ویرانه‌های پس از جنگ دوم جهانی است. در این تصویر نمادهای امید به آینده‌ای بهتر برای بشریت به‌کار رفته است.

جامعهٔ جهانی قبل از ظهور غرب جدید به‌صورت امروز نبوده است؛ فرهنگ‌ها و تمدن‌های مختلف، هر یک در بخشی از جهان، حاکمیت سیاسی مربوط به خود را به وجود آورده بودند. روابط اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی بین کشورهای مختلف با حاکمیت‌های متفاوت برقرار بود و جامعهٔ جهانی که از طریق این روابط شکل می‌گرفت به‌گونه‌ای نبود که سرنوشت تعاملات فرهنگی را تابع روابط سیاسی، نظامی یا اقتصادی قرار دهد. به همین دلیل اگر برخی کشورها مورد هجوم نظامی قرار می‌گرفتند، در صورتی‌که از ظرفیت فرهنگی برتری برخوردار بودند، گروه مهاجم را درون خود هضم و جذب می‌کردند. فرهنگ‌های مختلف نیز می‌توانستند از مرزهای جغرافیایی خود از طریق روابط تجاری یا گفت‌وگوهای مستقیم علمی و معرفتی، عبور کنند.

برای نمونه فرهنگ ایرانی در دوره حاکمیت سلوکیان، هویت خود را حفظ کرد. چین با آنکه از مغولان شکست خورده بود، فرهنگ خود را بر آنان تحمیل کرد. نشر و گسترش اسلام نیز متکی بر قدرت سیاسی و نظامی آن نبود بلکه مرهون قوّت و قدرت فرهنگی آن بود. ایرانیان، به تدریج اسلام را پذیرفتند. مسلمانان آسیای جنوب شرقی از طریق تجارت با فرهنگ اسلامی آشنا شدند و به آن روی آوردند.

■ قدیمی‌ترین مسجد شرق آفریقا در شهر زنگبار کشور تانزانیا قرار دارد. این مسجد را ایرانیان در قرن ششم هجری ساخته‌اند.

■ مسابقات بین‌المللی قرآن در مالزی

فرهنگ غرب از سدهٔ هفدهم تا بیستم، شکل جدیدی به روابط میان جوامع با جامعهٔ جهانی بخشید. در دو سدهٔ نوزدهم و بیستم، سازماندهی سیاسی و اقتصادی جدیدی شکل گرفت که جوامع غربی را به‌صورت جوامع مرکزی و دیگر جوامع را به‌صورت جوامع پیرامونی درآورد. طی این مدت، فرهنگ کشورهای غیرغربی نیز در حاشیهٔ روابط و سازمان‌های سیاسی و اقتصادی جهانی، وضعیتی متزلزل و آسیب‌پذیر پیدا کرد.

مقایسه کنید

با توجه به آنچه در فصل اوّل دربارهٔ سه مرحلهٔ استعمار، استعمار نو و استعمار فرانو گفته شد، موقعیت فرهنگی جوامع غیرغربی را در این سه مرحله، مقایسه کنید.

شکل‌گیری نظام نوین جهانی

در سده‌های هفدهم تا بیستم، اقتصاد گسترده‌ای شکل گرفت که تقسیم کارش از مرزهای سیاسی و فرهنگی موجود فراتر رفت و نظامی در سطح جهان با عنوان «نظام نوین جهانی» پدید آورد که جوامع غربی را به‌صورت مرکز و سایر جوامع را به‌صورت پیرامون درآورد. جوامع غربی چگونه بر روابط بین الملل تأثیر گذاشتند و نظام نوین جهانی چگونه پدید آمد؟

در فرایند تکوین نظام نوین جهانی، مراحل چهارگانهٔ زیر طی شد:

- پیدایش قدرت‌های سیاسی سکولار
- پیوند قدرت با تجارت، سرمایه و صنعت
- به خدمت گرفتن مبلغان مذهبی و سازمان‌های فراماسونری
- استعمار و ادغام جوامع در نظام نوین جهانی

پیدایش قدرت‌های سیاسی سکولار: زوال تدریجی قدرت کلیسا منجر به حاکمیت فئودال‌ها و اربابان بزرگ (کنت‌ها و لردها) شد. در نهایت، با انقلاب فرانسه دولت‌هایی شکل گرفتند که به‌طور رسمی جدایی خود را از دین اعلام کردند. این دولت‌ها بر خلاف حکومت‌های گذشته، خود را نه با هویتی دینی بلکه با ویژگی‌های جغرافیایی، تاریخی و خصوصاً نژادی و قومی می‌شناختند. دولت ـ ملت‌های جدید از این طریق پدید آمدند[1].

۱ـ به کشور از آنجا که اعضای آن خود را یک ملت می‌دانند و یک دولت آنها را اداره و نمایندگی می‌کند دولت ـ ملت می‌گویند.

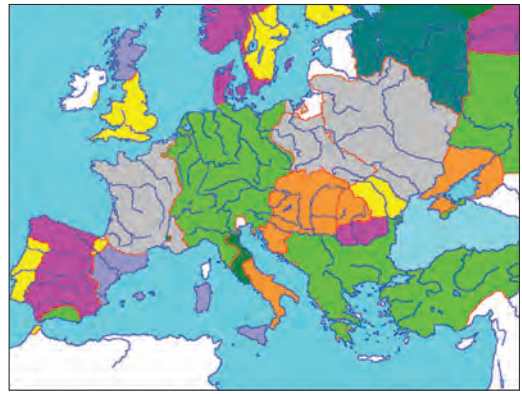

■ در سال ۱۵۰۰ م در اروپا حدود ۵۰۰ دولت یا بیشتر وجود داشت؛ در ۱۹۰۰ م این تعداد به ۲۵ دولت تقلیل پیدا کرد.

پیوند قدرت با تجارت، سرمایه و صنعت: رشدتجارت و برده‌داری، انتقال برده‌های سیاه‌پوست افریقایی به مزارع امریکایی و انتقال ثروت به جوامع اروپایی موجب شد که بازرگانان نسبت به زمین‌داران جایگاه برتری پیدا کنند. دولت‌ها برای افزایش قدرت خود به سرمایه و پول بازرگانان نیاز داشتند و بازرگانان برای تجارت و سود، نیازمند حمایت نظامی دولتمردان بودند. بدین‌ترتیب، پیوند قدرت با ثروت و تجارت شکل گرفت. صنعت، عنصر دیگری بود که انباشت ثروت سرمایه‌داران را سرعت بخشید.

به خدمت گرفتن مبلغان مذهبی و سازمان‌های فراماسونری: کشورهای غربی به مواد خام، نیروی کار ارزان و بازار مصرف کشورهای غیرغربی نیاز داشتند. آنها برای تأمین منافع اقتصادی خود نیازمند درهم شکستن مقاومت فرهنگی اقوامی بودند که سلطه و نفوذ آنها را تحمل نمی‌کردند. آنها برای رسیدن به این هدف در وهلهٔ نخست از مبلغان مذهبی و سازمان‌های فراماسونری استفاده می‌کردند.

■ به خدمت گرفتن مبلغان مسیحی

دولت‌های سکولار غربی در حمایت از مبلغان مسیحی انگیزهٔ دینی نداشتند. آنها همان‌گونه که در ابتدا برای حذف قدرت کلیسا و ایجاد سیاست سکولار، حرکت‌های پروتستانی را به خدمت گرفتند، در این مرحله، از تبلیغ مسیحیت برای گسترش جهانی قدرت خود استفاده کردند. آنان با تبلیغ مسیحیت، فرهنگ عمومی جوامع غیرغربی را دچار اختلال می‌کردند و از طریق سازمان‌های فراماسونری نیز بر نخبگان سیاسی آن جوامع تأثیر می‌گذاشتند.

بخوانیم و بدانیم

فراماسونری ابزاری برای تخریب جامعهٔ جهانی پیشین و ساختن جامعهٔ جهانی جدید.

در قرون وسطی، بنّاهایی که برای ساختن قصرها و کلیساها در شهرهای مختلف تردد داشتند، با هویت صنفی واحدشان از اشراف، شاهزادگان، مقامات روحانی و همچنین انبوه رعیت که در نظام فئودالی فرصت تحرک اجتماعی و جغرافیایی نداشتند، متمایز بودند. روابط استاد ـ شاگردی که همراه انتقال مهارت‌های فنی ایجاد می‌شد، بر انسجام صنفی این گروه می‌افزود. بورژوازی و سرمایه‌داری نوپای غربی که در جامعه، فاقد پایگاه اشرافی یا موقعیت اجتماعی موجهی بود، نظام ارزشی و طبقاتی موجود را مغایر با منافع خود احساس می‌کرد. هسته‌های نخستین فراماسونری که بیشتر یهودیان سرمایه‌دار و زراندوز غربی بودند، با نفوذ در سازمان صنفی بنّاها که از دو طبقه اشراف و روحانیون متمایز بودند، به گسترش اندیشه‌های آزادی‌خواهانه پرداختند. شعارهای آنها علاوه بر مخالفت با نظام اشرافی، هویتی ضد دینی داشت.

آنها تلاش می‌کردند تاریخچهٔ حرکت خود را به تلاش‌های حضرت سلیمان علیه‌السلام برای ایجاد جامعهٔ جهانی نسبت دهند. در تعالیم آنها هر فراماسونر، حیوانی است که با ورود به لژ، به سوی انسانیت حرکت می‌کند و شایستگی پی‌ریزی جامعهٔ جهانی مورد نظر را پیدا می‌کند؛ بنابراین آرمان سیاسی فراماسونرها جهان وطنی (کاسموپولیتیسم) است.

پرداختن به تاریخچهٔ سازمان‌های ماسونی و نقش آنها در تحولات اجتماعی معاصر غرب به معنای استناد تام این تحولات به شبکه‌های تشکیلاتی این مجموعه نیست، هرچند که نقش آنها نیز قابل انکار نیست ولی تحولات تاریخی عمیق‌تر از آن است که به یک گروه سرّی و توطئه و پنهان کاری آنها برگردد. در سلسلهٔ علل این تحولات، قبل از تشکل‌های سرّی یا سازمان‌های سیاسی، نظام‌های فکری خاصی پدیدار می‌شوند و آنگاه که اندیشه و تفکری خاص رواج پیدا کند، عناصر مستعد و مناسب خود را از میان گروه‌های مختلف اجتماعی جذب می‌کند و سازمان‌های آموزشی و سیاسی متناسب را پدید می‌آورد.

لژ فراماسونری در ترکیه

نمادهای ماسونی در لژ جرج واشنگتن امریکا

سازمان‌های ماسونی یکی از این ابزارهای آموزشی ــ سیاسی بود که غرب در تکوین خود به آن نیاز داشت. غرب هنگام هجوم به مناطق غیرغربی از این سازمان‌ها برای تأمین نیازهای خود کمک گرفت.

فراماسونرها که در حاکمیت سیاسی کشورهای غربی سهیم بودند، از شیوه‌های ماسونی برای بسط اندیشه‌های غربی در میان رجال و نخبگان سیاسی و اقتصادی کشورهای غیر غربی بهره جستند. آنها با عضوگیری از این گونه افراد، شخصیت و هویت سیاسی آنها را که متعلق به نظام سنتی یا قومیِ جامعهٔ بومی بود، از آنها سلب می‌کردند و شخصیت نوین کاذبی را که در ارتباط با فراماسونری غرب بود، به آنان القا می‌نمودند.

یک فراماسونر غیرغربی که معمولاً از رجال سیاسی کشورش است قبل از آنکه خود را کارگزار دولت خود بداند، برادر و هم مسلک وزیر امور خارجه انگلستان یا پادشاهان کشور غربی می‌داند که در لژ او یا در لژ دیگر دارای سمت استادی هستند. او با ورود به لژ و آشنایی با تعالیم آن، خود را جزء تشکیلات بزرگی می‌بیند که در تکوین تمدن غرب نقش دارد و اینک قصد تحول و تبدیل همه جهان و تصرف آن را دارد.

لژهای ماسونی در دهه‌های نخست ورود خود به کشورهای غیرغربی، از جاذبهٔ فرهنگی و سیاسی برخوردار بودند ولی در دهه‌های بعد، پس از آنکه دیدگاه‌های غربی از طریق نظام آموزشی به اندیشه و ذهن جامعه راه یافت، جاذبهٔ فرهنگی خود را از دست دادند و بیشتر به‌صورت گروه‌های سیاسی باقی ماندند.

استعمار و ادغام جوامع در نظام نوین جهانی: استعمار مهم‌ترین عامل ادغام جوامع غیرغربی در نظام جهانی جدید بود. کشورهای استعمار زده به دو نوع تقسیم می‌شوند؛

ـ برخی از آنها توسط استعمارگران به اشغال کامل نظامی درآمدند؛ مانند هندوستان (کمپانی هند شرقی)، اندونزی (هند هلند) و الجزایر.

ـ ولی جوامعی که از قدرت مقاومت بیشتری برخوردار بودند و کشورهای غربی نمی‌توانستند به‌صورت مستقیم آنها را تحت سلطهٔ سیاسی خود درآورند، از طریق نفوذ اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در نظام نوین جهانی ادغام شدند. در دورهٔ استعمار این‌گونه جوامع، تحت نفوذ کشورهای استعمارگر قرار می‌گرفتند و در شرایط نیمه استعماری به سر می‌بردند؛ مانند چین، عثمانی و ایران. جوامع استعمارزده به رغم مقاومت‌هایی که طی قرن بیستم انجام دادند، با استعمار نو و فرانو مواجه شدند.

پایگاه نظامی امریکا در ژاپن

بخوانیم و بدانیم

بنای یادبود جنگ تریاک در چین

چین که بزرگ‌ترین کشور شرق آسیا بود، در قرن نوزدهم از طریق تهدید نظامی، نفوذ گروه‌های مبلغ مسیحی و روابط اقتصادی به‌صورت کشوری ضعیف درآمد که هر بخش آن تحت تسلط یکی از کشورهای اروپایی بود.

در آن زمان، **عثمانی** بزرگ‌ترین امپراتوری اسلامی محسوب می‌شد. قلمرو این امپراتوری از عربستان، عراق، سوریه، فلسطین، مصر، ترکیه کنونی تا بلغارستان و بالکان گسترده بود و مرزهای جوامع اروپایی را تهدید می‌کرد. امپراتوری عثمانی نیز در اثر نفوذ گروه‌های مبلغ مسیحی و فراماسونری، تهدید نظامی و روابط اقتصادی از هم پاشید؛ بخش‌های عمده‌ای از آن جدا شدند و ده‌ها کشور از جمله مصر، سوریه، لبنان، اردن، عربستان، عمان، یمن، عراق و کویت از درون آن سربرآوردند و هر کدام تحت سلطهٔ یکی از کشورهای اروپایی قرار گرفتند.

ژاپن که از قرن هفدهم و بعد از نفوذ مسیحیت، دروازه‌های خود را به روی کشورهای غربی بسته

بود، با تهدید کشورهای اروپایی مجبور به برقراری روابط تجاری تحت شرایط مورد نظر این کشورها شد.

ایران نیز در این دوره سرنوشتی مشابه چین و عثمانی پیدا کرد. بخش‌هایی در شمال غربی، شمال شرقی و شرق (آذربایجان، گرجستان، ترکمنستان، افغانستان و ...) از آن جدا شدند و به‌صورت کشورهای مستقل (افغانستان) یا بخش‌هایی از روسیه درآمدند. بقیه قلمرو ایران در شمال، تحت نفوذ روسیه و در جنوب، تحت نفوذ انگلیس قرار گرفت و از نظر اقتصادی به اروپا وابسته شد. به این ترتیب، پیکرهٔ جهان قدیم فروریخت و جهانی جدید سر برآورد.

یادمان ۲۶ مُبلغ کاتولیک رومی در ژاپن

گفت‌وگو کنید

با توجه به متن بالا دربارهٔ هویت کشورهای تازه تأسیس و تاریخی که برای هویت آنها تدوین می‌شود، تأمل و گفت‌وگو کنید.

با هم تکمیل کنید

حالت‌های مختلف جامعه جهانی (براساس ویژگی‌های فرهنگِ غالب)	پیامدها و نوع چالش‌ها	نمونه
.....	....	.....
.....	بین فرهنگی ـ تمدنی	.....
.....	....	.....

مفـاهیـم اساسی

نظام نوین جهانی .....

خلاصـه کنیـد

ـ استعمار مهم‌ترین عامل ادغام جوامع غیر غربی در نظام نوین جهانی بود.

آنچـه از ایـن درس آمـوختیـم

درس هشتم

تحولات نظام جهانی

امروزه شیوهٔ غالب زندگی اجتماعی در دنیا، زندگی در واحدهایی اجتماعی به نام «کشور» است. کشور ابعاد اقتصادی، سیاسی و فرهنگی دارد. پدیده‌هایی مانند مزرعه، کارخانه، بانک، اشتغال، تورم، ثروت، امنیت، قدرت، دولت، انتخابات، نیروهای مسلح، معرفت، رسانه، هنر، ادبیات، دانشگاه، مسجد، مدرسه و ... به ابعاد اقتصادی، سیاسی و فرهنگی هر کشور تعلق دارند.

در درس گذشته آموختید که عوامل متعددی در شکل‌گیری نظام نوین جهانی مؤثر بودند. آنها را بازخوانی کنید و بگویید کدام‌یک اقتصادی، سیاسی یا فرهنگی‌اند. با انجام دادن این فعالیت پی می‌برید، نظام جهانی نیز یک واحد اجتماعی کلان است که خود ابعاد اقتصادی، سیاسی و فرهنگی دارد. نظام نوین جهانی در این ابعاد سه‌گانه، چه تحولاتی را از سر گذرانده است؟ متن زیر و جدول صفحهٔ بعد را در این رابطه تفسیر کنید.

ساختمان مرکزی و مدیریت تمامی بیست غول رسانه‌ای جهان، در کشورهای صنعتی، به ویژه ایالات متحده قرار دارند. امپراتوری‌های رسانه‌ای، مثل تایم وارنر، دیسنی و یاکوم، امریکایی‌اند. از دیگر شرکت‌های رسانه‌ای بزرگ می‌توان به شرکت ژاپنی سونی و گروه آلمانی برتلسمان اشاره کرد.

ارزش فروش شرکت‌های بزرگ در مقایسه با تولید ناخالص داخلی برخی کشورها، ۲۰۱۷ میلادی

کشور یا شرکت	تولید ناخالص داخلی یا کل فروش (میلیارد دلار آمریکا)	کشور یا شرکت	تولید ناخالص داخلی یا کل فروش (میلیارد دلار آمریکا)
جنرال موتورز	۱۶۶/۴	آفریقای جنوبی	۳۴۹/۴
فنلاند	۲۵۱/۹	یونان	۲۰۰/۳
نروژ	۳۹۸/۸	اکسون	۱۹۷/۵
فورد موتور	۱۵۱/۸	تویوتا موتور	۲۴۹/۹
امارات متحده عربی	۳۸۲/۶	مالزی	۳۱۴/۵
فولکس واگن	۲۴۰/۳	رژیم اشغالگر صهیونیستی	۳۵۰/۹
رومانی	۲۱۱/۸	پرو	۲۱۱/۴
اَپل	۲۱۷/۵	والمارت	۴۸۵/۳

تحولات اقتصادی ـ سیاسی

عملکرد اقتصادی کشورهای غربی در چارچوب دولت ـ ملت‌های جدید شکل گرفت. قدرت سیاسی این دولت‌ها با منافع اقتصادی صاحبان ثروت، صنعت و تجارت هماهنگ بود. رقابت‌های سیاسی استعمارگران، به‌ویژه در مناطق استعمارزده، با منافع اقتصادی استعمارگران پیوند می‌خورد.کشورهای استعمارگر ابتدا اقتصاد کشورهای استعمارزده را دگرگون کردند. پیش از استعمار، اقتصاد کشورهای غیرغربی اغلب در تعامل با محیط جغرافیایی خود و به گونه‌ای مستقل بود. روابط تجاری نیز در حدّی نبود که استقلال سیاسی آن کشورها را در معرض خطر قرار دهد امّا در دوران استعمار، اقتصاد کشورهای استعمار شده و تحت نفوذ، برای رفع نیازهای اقتصادی کشورهای غربی، به تدریج تغییر یافت و ویژگی‌های خاصی پیدا کرد. آیا می‌دانید این ویژگی‌ها کدام‌اند؟

- اقتصاد کشورهای استعمار شده و تحت نفوذ، به بازار مصرف کالاهای تولید شدهٔ کشورهای غربی تبدیل می‌شوند.
- این کشورها، نیروی کار و مواد خام مورد نیاز کشورهای غربی را تأمین می‌کنند.
- در اغلب موارد، کشورهای تحت نفوذ و استعمارزده به طرف اقتصاد تک محصولی سوق داده می‌شوند؛ به این معنا که صادرات آنها به یک مادهٔ خام محدود می‌شود.
- تک محصولی شدن اقتصاد کشورهای استعمارزده، قدرت چانه‌زنی در اقتصاد جهانی را از آنان می‌گیرد و این پدیده، موجب وابستگی اقتصادی آنها به کشورهای استعمارگر می‌شود.

• به دلیل وابستگی اقتصادی کشورهای استعمارزده به کشورهای استعمارگر، مبادلات تجاری در سطح جهانی نامتعادل می‌شود و انتقال ثروت، به طرف کشورهای غربی ادامه پیدا می‌کند.

■ از بزرگ‌ترین کشورهای تولید کنندهٔ قهوه، برزیل، اتیوپی، گواتمالا و هند هستند. این در حالی است که اغلب شرکت‌های بزرگ آماده سازی و فروش قهوه در دنیا، آمریکایی هستند.

• کشورهای غربی به اقتضای بازار مصرف، برخی صنایع وابسته را به کشورهای استعمارزده منتقل می‌کنند ولی این انتقال، در جهت استقلال این کشورها یا تعدیل جهانی ثروت نیست بلکه در جهت منافع بیشتر کشورهای استعمارگر است. بدین‌ترتیب، با وجود رشد و تحول کشورهای استعمارزده، فاصله و وابستگی کشورهای غربی و غیرغربی، همچنان حفظ می‌شود.

■ صنعت مد و پوشاک جهانی با انتقال تولیدی‌های خود به کشورهای فقیر، هزینه‌های خود را به طرز چشمگیری کاهش داده است. بنگلادش یکی از این کشورهاست. بنگلادشی‌ها با دستمزد ناچیز، در شرایط پرخطر و نا ایمن مشغول به‌کار هستند.

• وابستگی کشورهای استعمار زده، امکان عبور از مرحلهٔ استعمار به استعمار نو را برای کشورهای استعمارگر پدید می‌آورد؛ زیرا کشورهای غربی بعد از آنکه در کشورهای استعمارزده با مقاومت‌های سیاسی و نهضت‌های آزادی‌بخش مواجه می‌شوند، استقلال سیاسی و اقتصادی آنان را به رسمیت می‌شناسند اما اقتصاد وابسته، دولت‌های مستقل را ناگزیر می‌کند تا در چرخهٔ نامتعادلِ جهانیِ توزیع ثروت قرار گیرند.

تحقیق کنید

یکی از موضوعات زیر را به دلخواه انتخاب و دربارهٔ آن تحقیق کنید.
الف) اقتصاد ایران تا دوران قاجار بر مدار دامداری و کشاورزی قرار داشت. تخته قاپوکردن ایلات در دورهٔ رضاخان و انقلاب سفید در دورهٔ محمدرضا پهلوی بر دامداری و کشاورزی ایران چه تأثیراتی داشتند؟
ب) نقش صادرات نفت در تک محصولی شدن اقتصاد ایران چیست؟

افول دولت ـ ملت‌ها و جهانی شدن

دولت ـ ملت‌ها در نظام جهانی جدید چگونه به‌وجود آمدند؟ آنها چه تفاوتی با حاکمیت‌های پیشین دارند؟ آیا در جامعهٔ جهانی باقی می‌مانند؟

آموختید دولت ـ ملت‌ها، حاکمیت‌های سیاسی ـ اقتصادی جدیدی بودند که نخستین بار در اروپای غربی با افول قدرت کلیسا پدید آمدند. آنها برخلاف حاکمیت‌های پیشین، خود را با هویت دینی و معنوی نمی‌شناختند و کاملاً سکولار بودند. هویت آنها اغلب ناسیونالیستی و قومی است. این کشورها در مسیر توسعهٔ خود به صورت قدرت‌های استعماری درآمدند و به دنبال فتوحات استعماری، جغرافیای سیاسی جدیدی را در مناطق حضور خود برای دیگر فرهنگ‌ها پدید آوردند. پس برای هر یک از این مناطق، هویت جدیدی ساختند. بدین‌ترتیب، دولت ـ ملت‌های جدید در بخش‌های دیگری از جهان شکل گرفت. هویت‌های جدیدی که برای هر یک از این مناطق جغرافیایی جدید ساخته می‌شود، هویتی قومی و سکولار است.

بخوانیم و بدانیم

با فروپاشی امپراتوری عثمانی، به تناسب مناطق تحت نفوذ دولت‌های استعماری، کشورهای جدید تأسیس شدند و برای هر یک از آنها هویت ملی جدیدی معرفی شد.
هویت این مناطق در دوران عثمانی، هویتی اسلامی بود و ویژگی‌های قومی، نژادی و تاریخی آنها ذیل فرهنگ اسلامی تعریف می‌شد.
در هویت‌سازی‌های جدید، ابعاد نژادی و قومی این مناطق با کاوش‌های باستان‌شناسان برجسته می‌شود و اسلام به عنوان یک عنصر هویت بخش به فراموشی سپرده می‌شود.
قبله‌گاه اوّل مسلمانان، بیت‌المقدس، محل تشکیل دولت مهاجران اشغالگر صهیونیست گردید. مکه، قبلهٔ امت اسلامی، در تصرف فرقهٔ تازه تأسیسی قرار گرفت که تحت حمایت دولت استعماری انگلیس بود و در منطقهٔ نزول وحی، همهٔ آثار باقی مانده از صدر اسلام به اسم توحید و مبارزه با شرک با خاک یکسان شد.

■ بارگاه ائمه بقیع علیهم‌السلام و بناهایی که بر روی قبور بزرگان اسلام قرار داشت در سال ۱۳۴۲هـ.ق تخریب شد. در سفرنامه‌ها آمده که بارگاه ائمه، بقعه‌ای هشت ضلعی دارای محراب و ضریحی از چوب و نمونه‌ای بدیع از هنر و فن محسوب می‌شده است. بقیع زیارتگاه تمامی مسلمانان بوده است.

عواملی که سبب پیدایش دولت ـ ملت‌ها در تاریخ معاصر بشری شدند، در سدهٔ اخیر تغییر یافته‌اند و به دنبال آن، نقش کشورها و دولت‌های آنها در جهان تغییر کرده است. برخی از این فرایند جدید با عنوان **جهانی شدن** یاد می‌کنند.

اقتصاد سرمایه محور در حرکت‌های آغازین خود، نیازمند حمایت سیاست‌های قومی و منطقه‌ای بود ولی به تدریج، انباشت ثروت، پدید آمدن شرکت‌های بزرگ چند ملیتی و گسترش صنعت ارتباطات، از اهمیت مرزهای سیاسی کاست.

با شکل‌گیری نهادهای بین‌المللی و بازارهای مشترک منطقه‌ای، سرمایه‌گذاری شرکت‌های بین‌المللی به منطقه‌ای خاص محدود نمی‌شود. آنها با استفاده از شبکه‌های عظیم اطلاعاتی، تغییرات اقتصادی در سطح جهانی را شناسایی و مدیریت می‌کنند.

■ رستوران‌های زنجیره‌ای مک دونالد در چین، روسیه، هند و مصر

کانون‌های ثروت و قدرت برای حفظ منافع خود، از طریق سازمان‌های بین‌المللی، موانع موجود بر سر راه تجارت بین‌المللی را برمی‌دارند و استقلال اقتصادی و سیاسی کشورهای مختلف را مخدوش می‌سازند.

برخی معتقدند جهانی شدن، فرایندی است که هیچ اعتنایی به مرزهای ملّی ندارد و در حال

ایجاد نظمی نوین است که تجارت و تولید بین‌المللی آن را به پیش می‌راند. این دیدگاه مخالفانی نیز دارد که معتقدند درحال حاضر ابعاد اقتصادی و سیاسی جهانی شدن به‌گونه‌ای نیست که نظمی نوین را در سطح جهانی به دنبال آورد بلکه چالش‌ها و تضادهایی را پدید می‌آورد. مقابله با این چالش‌ها، بیشتر توسط جنبش‌هایی صورت می‌گیرد که فراتر از مرزهای سیاسی دولت‌ها عمل می‌کنند.

مطالعه کنید

برای مقاومت در برابر سیاست جهانی‌سازی اقتصادیِ قدرت‌های برتر اروپایی و آمریکایی، پیمان‌هایی از قبیل جنبش عدم تعهد، اتحادیهٔ عرب، سازمان کنفرانس اسلامی و ... بین دولت‌ها شکل گرفته است. دربارهٔ این پیمان‌ها و ضعف‌ها و قوت‌های آنها مطالعه کنید.

■ سازمان کنفرانس اسلامی، سازمانی برای حفاظت و حمایت از منافع جهان اسلام و ترویج صلح بین‌المللی است.

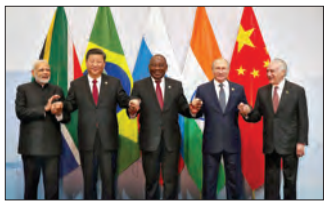

■ کشورهای عضو بریکس، خود را حامی کشورهای در حال رشد و ارتقادهندهٔ وضعیت آنها و نیرویی برای حفظ صلح جهان می‌دانند.

■ از سازمان همکاری شانگهای با عنوان «ناتوی شرق» یاد می‌شود.

امپراتوری رسانه، علم و فرهنگ

نظام نوین جهانی در عرصهٔ فرهنگی نیز شاهد تحولات بسیاری بوده است. این تحولات چه مسیری را طی کرده‌اند؟ صنعت ارتباطات، رسانه و علم جدید در این تحولات چه تأثیری داشته‌اند؟ آیا تحولات فرهنگی نظام جهانی به جهانی شدن فرهنگ غرب منجر می‌شوند؟

در گذشته، جوامع از طریق تجارت، مهاجرت، جنگ و غیره با یکدیگر مواجهه داشته‌اند. این برخوردها سبب انتقال و اشاعهٔ فرهنگ‌ها می‌شده و مبادلات فرهنگی از این طریق شکل می‌گرفته‌اند.
برخورد استعماری غرب، جوامع غیرغربی را از نظر اقتصادی و سیاسی در موضع ضعف قرار داد. این پدیده اغلب نوعی خودباختگی فرهنگی نیز در آن جوامع ایجاد کرد.
سال گذشته آموختید که خودباختگی فرهنگی سبب می‌شود جامعه، حالت فعّال و خلّاق خود را در گزینش عناصر فرهنگی دیگر از دست بدهد و در نتیجه، عناصر فرهنگ دیگر را بدون تحقیق و گزینش و به گونه‌ای تقلیدی، فرا گیرد.
در شرایطی که جوامع غیر غربی، مدیریت خود را در گزینشِ عناصرِ مناسبِ فرهنگ غربی از دست می‌دهند، غرب مدیریت انتقال فرهنگ خود را در چارچوب اهداف اقتصادی و سیاسی موردنظر به‌دست می‌گیرد.
صنعت ارتباطات، ابزار تازه‌ای است که به جهان غرب در این مدیریت یاری می‌رساند. توسعهٔ صنعت ارتباطات، فاصله‌های زمانی و مکانی را کوتاه و جهان را کوچک کرده و آن را به صورت دهکده‌ای واحد درآورده است.

خبرگزاری‌های فرانس‌پرس، یونایتدپرس، رویترز و آسوشیتدپرس

به سبب موقعیت برتر کشورهای غربی و در رأس آنها امریکا، در عرصهٔ رسانه، بسیاری از ناظران از **امپراتوری رسانه‌ای** نیز سخن می‌گویند.
از این منظر، امپراتوریِ فرهنگیِ تازه‌ای تأسیس شده است که کشورهای کمتر توسعه یافته در برابر آن آسیب‌پذیرترند؛ زیرا منابع و امکانات لازم برای حفظ استقلال فرهنگی خود را ندارند.
تجمع قدرت رسانه در دست صاحبان ثروت و کانون‌های صهیونیستی، نه تنها هویت فرهنگی جوامع غیرغربی را متزلزل می‌گرداند، بلکه آشکارا برخلاف ارزش‌های دموکراتیک جهان غرب نیز هست. بسیاری از منتقدان، نگران این هستند که تمرکز قدرت رسانه در دست چند شرکت یا چند فرد قدرتمند، موجب تضعیف سازوکارهای دموکراسی می‌شود.
جهان غرب از طریق رسانه، فرهنگ عمومی جوامع غیرغربی را مدیریت می‌کند، امّا تربیت نخبگانِ کشورهای غیرغربی بیشتر به شیوه‌های دیگر انجام می‌شود:
توزیع هدفمند علوم طبیعی و علوم انسانی: جوامع غربی، بخشی از علوم طبیعی را که برای خدمت‌رسانی

به غرب مورد نیاز است، به کشورهای در حال توسعه آموزش می‌دهند ولی از آموزش دانش‌های راهبردی، خودداری می‌کنند.

تثبیت مرجعیت علمی غرب: علوم انسانی غربی که بر بنیان‌های هستی‌شناختی، انسان‌شناختی و معرفت شناختی غرب بعد از رنسانس شکل گرفته‌اند، زندگی آدمی را بدون توجه به ابعاد معنوی آن، به گونه‌ای سکولار تعریف می‌کنند و سازمان می‌دهند.

ترویج علوم انسانی غربی در کشورهای غیرغربی، عمیق‌ترین تأثیر را در توزیع فرهنگ غرب در جهان دارد؛ زیرا این علوم موجب می‌شوند که فرهنگ‌های دینی، هویت خود را از نگاه فرهنگ غربی بازنگری و ارزیابی کنند. این پدیده، فرهنگ‌ها را از علمی که بر پایه بنیان‌های معرفتی دینی است، محروم می‌گرداند.

بخوانیم و بدانیم

دولت‌های مرکز برای حفظ وضع موجود (وضعیت مرکز ـ پیرامون) در عرصه‌های مهم، انحصار ایجاد می‌کنند. برخی از این انحصارها عبارت‌اند از: انحصار فنّاورانه، کنترل بازارهای مالیِ جهانی، دسترسی انحصاری به منابع طبیعی کرهٔ زمین، انحصار سلاح‌های کشتار جمعی و انحصار ارتباطی و رسانه‌ای. برای کسب اطلاعات بیشتر می‌توانید به صفحات ۳۲ تا ۳۴ کتاب «سرمایه‌داری در عصر جهانی شدن» نوشتهٔ سمیرامین مراجعه کنید.

گفت‌وگو کنید

ـ چرا کشورهای غربی تلاش می‌کنند مانعِ دستیابی ایران به فناوری هسته‌ای شوند؟
ـ چرا در برابر تلاش جامعهٔ علمی ایران، برای تدوین علوم انسانی مبتنی بر نیازهای بومی و مبانیِ معرفتیِ اسلامی مقاومت می‌شود؟

با هم تکمیل کنید

مدیریت فرهنگی جوامع غیرغربی توسط جوامع غربی	
عرصه	شیوه
الف)	رسانه
ب) فرهنگ تخصصی (تربیت نخبگان)	۱ـ ..... ۲ـ .....

مفـاهیـم اساسی

امپراتوری رسانه .....

خلاصـه کنیـد

ـ ترویج علوم انسانی غربی در کشورهای غیر غربی، عمیق‌ترین تأثیر را در توزیع جهانی فرهنگ غرب ایفا می‌کند.

آنچـه از ایـن درس آمـوختیـم

فصل سوم

چالش‌های جهانی

در فصل قبل خواندید که چگونه جهان غرب، در مواجهه با چالش بین رویکرد نظری و عملی کلیسا و رفع آن، رابطه دین و دنیا را نفی کرد و از رویکرد معنوی نسبت به عالم چشم پوشید.

در قرن هجدهم، ارزش‌ها و آرمان‌های دنیوی در جهان غرب موجی از امید آفرید؛ امید به حاکمیت دنیوی و این‌جهانی انسان، امید به قدرت و سلطه آدمی بر طبیعت و امید به ایجاد بهشتی بر روی زمین که پیش از آن در آسمان به دنبالش بود. جهان غرب در مسیر تحقق بخشیدن به این آمال و آرزوها، حقوق، سیاست، اقتصاد و صنعت متناسب با فرهنگ خود را پدید آورد. سپس از مرزهای جغرافیایی خود فراتر رفت و نظام نوین جهانی را شکل داد ولی با انبوهی از چالش‌ها مواجه شد که به تدریج از متن فرهنگ آن برمی‌خاست.

تضادهای فقر و غنا، شمال و جنوب، ... و بحران‌های زیست‌محیطی، معرفتی، معنوی، اخلاقی، عاطفی و... از این فرهنگ سر برآورده و زندگی بشر را مختل کرده‌اند. به میزانی که فرهنگ جدید غرب از مرزهای خود فراتر می‌رود و در مسیر جهانی شدن گام برمی‌دارد، تضادها و چالش‌های آن نیز جهانی می‌شوند. در این فصل برخی از چالش‌های جهانی را بررسی می‌کنیم و بررسی سایر چالش‌ها را به مطالعات آزاد شما وا می‌گذاریم.

اهداف فصل سوم

انتظار می‌رود دانش‌آموز با مشارکت در موقعیت‌های یاددهی ـ یادگیری این فصل، شایستگی‌های زیر را کسب کند:

۱. مهم‌ترین چالش‌های جهانی و علت اصلی بروز آنها را بشناسد؛ با آوردن نمونه چالش‌های ذاتی، عارضی و چالش‌های درون فرهنگی، برون فرهنگی را برای دیگران توضیح دهد؛ حل این چالش‌ها را مهم بداند و نسبت به سرنوشت جهان احساس مسئولیت کند.

۲. علل و پیامدهای جنگ‌های جهانی را با جنگ‌های پیشین تاریخ بشر مقایسه کند؛ جامعهٔ جهانی را از نظر برقراری صلح بررسی نماید؛ ترویج صلح و دوستی میان افراد و گروه‌های انسانی را وظیفهٔ خود بداند و در حد توان از صلح جهانی به عنوان یک ارزش جهان‌شمول پاسداری کند.

۳. نقش متفاوت فرهنگ‌ها و رویکردهای مختلف را در پیدایش بحران زیست‌محیطی تحلیل کند؛ برای مقابله با این بحران احساس مسئولیت نماید و در سطوح محلی، ملّی، منطقه‌ای و جهانی راهکار پیشنهاد دهد.

۴. بحران‌های معرفتی و معنوی را بنیادی‌ترین چالش‌های فرهنگ غرب بداند؛ پیامدهای این بحران‌ها را شناسایی کند و راه برون رفت از آنها را جست‌وجو کند.

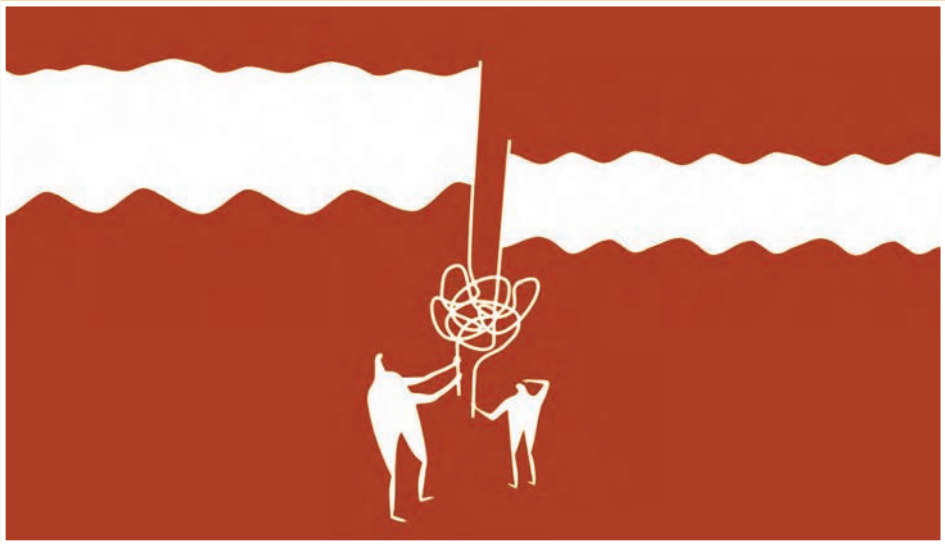

درس نهم

جهان دو قطبی

اگر جهان غرب با حل کردن چالش‌های پیشین، نیازهای دنیوی و معنوی آدمیان را برطرف می‌کرد، با چالش‌های بنیادین جدید مواجه نمی‌شد، امّا فرهنگ جدید غرب، برای حلّ چالش‌های گذشته، مسیری را پیمود که مسائل و مشکلات جدیدی به دنبال آورد. چالش‌های جدید به‌صورت‌های متفاوتی آشکار می‌شوند؛

ـ اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی

ـ منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای

ـ مقطعی و مستمر

ـ خرد و کلان

ـ درون فرهنگی و بین فرهنگی

ـ ذاتی و عارضی (چالش‌های ذاتی ریشه در عقاید و ارزش‌های درونی جهان اجتماعی دارند و چالش‌های عارضی در اثر عوامل خارجی پدید می‌آیند.)

ـ معرفتی و علمی

ـ معنوی و دینی

....

چالش‌های جدید در بسیاری از موارد چندین صورت دارند؛ مثلاً برخی از آنها در عین حال که اقتصادی یا اجتماعی‌اند، می‌توانند خرد یا کلان، مقطعی یا مستمر و ... نیز باشند. به نظر شما چالش فقر و غنا، نمونهٔ کدام یک از صورت‌های نام‌برده است؟

چالش فقر و غنا

آیا می‌دانید اولین چالشی که در جوامع صنعتی پدید آمد، چه بود و چگونه پدید آمد؟

آموختید که اقتصاد قرون وسطی براساس روابط اجتماعی ارباب ـ رعیتی بود که در آن کشاورزان وابسته به زمین بودند و امکان جابه‌جایی نداشتند.

لیبرالیسم اولیه[1] بیشتر رویکردی فردی و اقتصادی داشت، به حمایت و دستگیری از فقرا قائل نبود و پیامدهای زیر را به‌دنبال آورد:

روابط اجتماعی ارباب ـ رعیتی را درهم ریخت. کشاورزان را از بردگی رها کرد، به آنها اجازه داد که مهاجرت کنند و دربارهٔ شیوهٔ زندگی خود تصمیم بگیرند، موانع پیشین مانند غیر قابل فروش بودن زمین را از پیشِ پای صاحبان ثروت برداشت و کشاورزان را به‌کارگرانی تبدیل کرد که سرمایهٔ وجود خود را به صاحبان ثروت و صنعت (سرمایه‌داران) می‌فروختند. سرمایه‌داران، آزادانه به بهره‌کشی از کارگران پرداختند. کارگران، بردگان جدیدی بودند که ظاهراً از همه قید و بندهای پیشین، آزاد شده بودند.

بهره‌کشی از کودکان در دوران انقلاب صنعتی

نظریه‌پردازان لیبرال، آزادیِ فعالیتِ صاحبان سرمایه را ضامن پیشرفت جامعه می‌دانستند و مخالف هر نوع مداخلهٔ دولت در اقتصاد بودند. آنان حتی کمک به مستمندان را بیهوده می‌دانستند. در انگلستان که در انقلاب صنعتی پیشگام بود، وضعیت نوانخانه‌ها به‌گونه‌ای بود که فقیران ساکن در آنجا مرگ را بر زندگی ترجیح می‌دادند.

۱ـ لیبرالیسم قرن های هجدهم و نوزدهم را لیبرالیسم اولیه می‌نامند.

دیکنز در رمان «الیورتویست»، نوانخانه‌ها و فیلسوفانی را که مدافع آنها بودند، به سخره گرفت.

■ **الیور تویست، شخصیت اصلی رمان دیکنز، پسربچهٔ یتیمی است که از روی سادگی کودکانه‌اش به وضعیت نوانخانه اعتراض می‌کند.**

از نظر مالتوس جمعیت شناس انگلیسی، کسانی‌که در فقر متولد می‌شوند، حق حیات ندارند. او در این باره گفته است: «انسانی که در دنیای از قبل تملک شده به دنیا می‌آید، اگر نتواند قدرت خود را از والدینش دریافت کند و اگر جامعه خواهان کار او نباشد، هیچ‌حقّی برای دریافت کمترین غذا یا چون و چرا دربارهٔ مقام و موقعیت خود ندارد. بر سر سفرهٔ گستردهٔ طبیعت جایی برای او وجود ندارد، طبیعت حکم به رفتن او می‌دهد و این حکم را اجرا می‌کند.»

ریکاردو، اقتصاددان مخالف دخالت دولت در اقتصاد، حتی افزایش دستمزدکارگران و رفاه آنان را موجب افزایش تولید نسل آنها و پیدایش مشکلات بعدی می‌داند و معتقد است: «اگر حکومتگران ما بگذارند سرمایه، پرسودترین راه خود را دنبال کند، کالاها قیمت مناسب خود را داشته باشند، استعداد و تلاش به پاداش طبیعی خود برسد و بلاهت و حماقت نیز مجازات طبیعی خود را ببینند، پیشرفت کشور را به بهترین وجه تأمین خواهند کرد.»

■ **جان راسل، توماس مالتوس، دیوید ریکاردو**

بخوانیم و بدانیم

حاکمیت لیبرالیسم اقتصادی موجب آن شد که دولتمردان انگلیسی از جمله لرد جان راسل، پدربزرگ برتراند راسل فیلسوف مشهور، از هر اقدامی برای مقابله با قحطی ایرلند خودداری کنند. این قحطی باعث مرگ و مهاجرت نزدیک به یک و نیم میلیون نفر شد. در اوج قحطی، مردم شهر روسکومون در ایرلند هر چهل و هشت ساعت یک بار برگ کلم جوشیده می‌خوردند و دولت نه تنها هیچ کمکی به آنها نکرد، حتی جلوی صدور گندم و جو از ایرلند را هم نگرفت. مردم گرسنه، صدور این مواد غذایی را که با حمایت ارتش بریتانیا انجام می‌شد، با خشم نظاره می‌کردند.

یادمان قربانیان قحطی بزرگ در دوبلین پایتخت ایرلند

لیبرالیسم اولیه با تکیه بر شعار آزادی و به‌ویژه آزادی اقتصادی، راه استثمار را برای صاحبان ثروت باز کرد و عدالت را نادیده گرفت. بدین ترتیب، نخستین چالش که چالش فقر و غناست، در کشورهای غربی شکل گرفت.

مطالعه کنید

اندیشمندان علوم اجتماعی و سیاسی در **نقد لیبرالیسم اولیه**، از دو مفهوم آزادی مثبت و منفی سخن گفته‌اند. نظرات آیزایا برلین در مورد این دو مفهوم را مطالعه کنید و نتیجه را به کلاس گزارش دهید.

شکل‌گیری بلوک شرق و غرب

در مقدمهٔ درس، از صورت‌های متفاوت تضادها و چالش‌های جدید سخن گفتیم. آیا می‌دانید تقسیم سیاسی جهان به بلوک شرق و غرب در زمرهٔ کدام‌یک از این صورت‌هاست و چگونه به‌وجود آمد؟

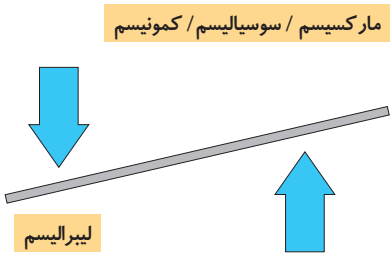

برخی از اندیشمندان اروپایی برای حلّ مشکل فقر و غنا، در چارچوب ارزش‌ها و آرمان‌های فرهنگ جدید غرب، نظریه‌هایی ارائه دادند. مارکس در نیمهٔ دوم قرن نوزدهم لیبرالیسم اقتصادی را نقد کرد. از نظر او، حل چالش‌های جامعهٔ سرمایه‌داری، فقط با یک انقلاب قابل حل بود.

بخوانیم و بدانیم

مارکسیسم، سوسیالیسم، کمونیسم

دیدگاه‌های پایبند به اندیشه‌های سیاسی مارکس را مارکسیسم می‌گویند. جامعهٔ آرمانی مارکس از فردگرایی لیبرالیستی و اقتصاد سرمایه‌داری عبور می‌کرد، مالکیت خصوصی را از بین می‌برد و صورتی سوسیالیستی و کمونیستی پیدا می‌کرد. مارکس، سوسیالیسم را مرحله‌ای انتقالی برای رسیدن به کمونیسم می‌دانست. سوسیالیسم و کمونیسم ــ در مقابل فردگرایی لیبرال ــ دو رویکرد جامعه‌گرا هستند. سوسیالیسم به مالکیت خصوصی معتقد است ولی برخلاف سرمایه‌داری آن را مطلق نمی‌داند ولی کمونیسم به مالکیت خصوصی قائل نیست.

بعد از انقلاب فرانسه، طرفداران نظریه‌های لیبرالیستی در طرف راست و منتقدان این نظریه در طرف چپ مجلس فرانسه قرار می‌گرفتند. به همین سبب آنها را با عنوان دو جریان چپ و راست می‌شناختند.

مجلس فرانسه در دوران انقلاب

بعدها مخالفان سرمایه‌داری که جریان چپ نام گرفته بودند، احزاب سوسیالیستی و کمونیستی را تشکیل دادند. در این میان حزب کمونیست شوروی با انقلاب سال ۱۹۱۷م توانست قدرت را در روسیه به دست گیرد.

مخالفان و طرفداران سرمایه‌داری طی قرن بیستم، بلوک شرق و غرب را شکل دادند. بلوک شرق شامل شوروی سابق، کشورهای اروپای شرقی و چین بود و بلوک غرب، آمریکا و اروپای غربی را دربر می‌گرفت.

جوامع سوسیالیستی با انتقاد از لیبرالیسم اولیه، عدالت اجتماعی و توزیع مناسب ثروت را شعار خود قرار می‌دادند امّا آنها نیز با مشکلات اساسی مواجه شدند.[۱]

چالش و نزاع بلوک شرق و غرب در سراسر قرن بیستم تا زمان فروپاشی بلوک شرق در سال ۱۹۹۱م ادامه یافت.

■ چالش و نزاع بلوک شرق و غرب در قرن بیستم

۱ـ جوامع سوسیالیستی با دو مشکل اساسی روبه‌رو شدند:

الف) از بین رفتن آزادی افراد: به بهانهٔ عدالت اقتصادی، نه تنها آزادی معنوی، بلکه آزادی دنیوی افراد نیز از بین رفت.

ب) پیدایش طبقهٔ جدید: با اینکه مارکس و مارکسیست‌ها طبقه و نظام طبقاتی را محصول سرمایه‌داری می‌دانستند و به آن انتقاد داشتند، در کشورهای سوسیالیستی طبقهٔ جدیدی شکل گرفت که نه بر اساس ثروت بلکه بر مدار قدرت سازمان می‌یافت.

این چالش، چالشی منطقه‌ای نبود بلکه چالشی جهانی بود. بلوک شرق و غرب با دو اقتصاد و سیاست متفاوت، جهان را به دو قطب اصلی تقسیم کرده بودند و آمریکا و شوروی به عنوان دو ابرقدرت در مرکز این دو قطب قرار داشتند.

این دو قطب با اینکه از نظر سیاسی، اقتصادی و جغرافیایی در دو بخش متمایز و جدا قرار می‌گرفتند، به فرهنگ واحدی تعلق داشتند؛ یعنی هر دو بلوک درون فرهنگ سکولار غرب قرار داشتند.

رویکرد مارکس نسبت به عالم، رویکردی سکولار بود و در چارچوب همان بنیان‌های فرهنگ غرب به حلّ چالش‌های جامعهٔ خود می‌پرداخت.

بنابراین، چالش بلوک شرق و غرب از نوع چالش‌هایی بود که درون یک فرهنگ و تمدن پدید می‌آید، نه از نوع چالش‌هایی که بین فرهنگ‌های مختلف، شکل می‌گیرد.

■ فروپاشی دیوار برلین؛ این دیوار مدت ۲۸ سال این شهر را به دو قسمت شرقی و غربی تقسیم کرده بود.

گفت‌وگو کنید

در دوران تقسیم جهان به دو قطب بلوک شرق و غرب، هر یک از کشورهای منطقهٔ خاورمیانه به کدام یک از دو قطب تعلق داشت؟

با هم تکمیل کنید

چالش جهان دوقطبی (بلوک شرق و غرب)	
نوع چالش	توضیحات
منطقه‌ای یا فرامنطقه‌ای؟	.....
درون‌فرهنگی یا بین‌فرهنگی؟	.....
خرد یا کلان؟	.....
مقطعی یا مستمر؟	.....

مفـاهیـم اساسی

جهان دو قطبی .....

خلاصـه کنیـد

ـ چالش بلوک شرق و غرب از چالش‌های درون تمدن جهان غرب است.

آنچـه از ایـن درس آمـوختیـم

درس دهم

جنگ‌ها و تقابل‌های جهانی

قرآن کریم دو نوع جامعه را توصیف می‌کند؛

جامعه‌ای که در آن هرگونه ستیز و نزاع ناشی از خون، نژاد، طبقه، ملّیت، جغرافیا و ... از بین می‌رود و همهٔ بشر بر مدار آرمانی حقیقی و اصیل جمع می‌شوند.

«و همانا این است امت شما، یک امت واحد و منم پروردگار شما...» (مؤمنون:۵۲)

جامعه‌ای که به گروه‌ها و دسته‌های پراکنده و متخاصم تجزیه می‌شود، امکانات گروهی آن پراکنده می‌شود و ظرفیت‌ها و نیروهای آن نابود می‌گردد.

«همانا فرعون روی زمین برتری جویی کرد و اهالی‌اش را گروه‌گروه گردانید، گروهی را به‌ضعف و ناتوانی کشاند و...» (قصص:۴)

شما برای هر یک از این دو نوع جامعه، چه نامی انتخاب می‌کنید؟

در این درس از چالش‌های جهانی دیگری سخن می‌گوییم. از جنگ‌ها و تقابل‌هایی می‌گوییم که بسیاری از ظرفیت‌ها، فرصت‌ها و نیروهای بشری را به هدر می‌دهند.

آیا می‌دانید علل و پیامدهای جنگ‌های جهانی اول و دوم چه بود؟ از تقابل کشورهای شمال و جنوب جهان چه می‌دانید؟

جنگ‌های جهانی

جنگ پدیده‌ای اجتماعی است. جامعهٔ بشری در گذشتهٔ تاریخ خود شاهد جنگ‌های فراوانی بوده است. امپراتوری‌های بزرگ، اغلب مرزهای خود را با پیروزی در جنگ تعیین می‌کردند. برخی از جنگ‌ها نیز منشأ دینی و مذهبی داشته یا ظاهراً توجیه دینی می‌شدند. امّا جنگ‌های معاصر از جنبه‌های مختلف با جنگ‌های گذشته تفاوت دارند. دربارهٔ جنگ‌های جهانی اول و دوم چه می‌دانید؟ این جنگ‌ها چگونه به‌وجود آمدند؟ جنگ سرد در چه دوره‌ای اتفاق افتاد؟

اگوست کنت، جامعه‌شناس فرانسوی، معتقد بود که فاتحان در گذشتهٔ تاریخ، با غنایم جنگی بر ثروت خود می‌افزودند، ولی با رشد علم تجربی و صنعت، ثروت از طریق غلبه بر طبیعت به‌دست می‌آید. به همین دلیل بعد از انقلاب صنعتی، جنگ از زندگی بشر رخت بر می‌بندد. از دیدگاه او، جنگ در فرهنگ و جامعه جدید غربی، امری ذاتی نیست بلکه امری عارضی و تحمیلی است[1].
وقوع دو جنگ بزرگ جهانی در نیمهٔ اول قرن بیستم، خطا بودن نظریهٔ کنت را نشان می‌دهد.

■ جنگ جهانی دوم به مرزها محدود نماند، به درون شهرها کشیده شد و غیر نظامیان، زنان و کودکان را نیز درگیر جنگ ساخت.

■ تندیس کودکان قربانی جنگ جهانی دوم در شهر پراگ پایتخت جمهوری چک

این دو جنگ، بزرگ‌ترین جنگ‌های تاریخ بشریت‌اند. کشته‌های آنها را تا صد میلیون نفر برآورد کرده‌اند. در جنگ جهانی اول، برای نخستین بار از سلاح‌های شیمیایی و در جنگ جهانی دوم برای اولین بار از بمب اتم استفاده شد.

■ گنبد گنباکو مشهور به گنبد بمب اتمی از معدود بناهای به جا مانده از بمباران اتمی شهر هیروشیماست. بمباران اتمی این شهر در جنگ جهانی دوم به دستور آمریکا انجام شد که بر اثر آن هزاران ژاپنی در روز انفجار و روزها و ماه‌ها و سال‌های پس از آن جان باختند. ژاپنی‌ها در مراسم یادبود قربانیان فاجعهٔ هیروشیما که هر ساله در مقابل این ساختمان برگزار می‌شود، با رها کردن کبوترها، آرزوی صلح می‌کنند.

۱ـ برای پی‌بردن به مفاهیم ذاتی و عارضی به صفحه ۷۵ همین کتاب مراجعه کنید.

از مهم‌ترین عوامل وقوع این دو جنگ، رقابت کشورهای اروپایی بر سر مناطق استعماری بود. دو جنگ جهانی، با درگیری کشورهای اروپایی آغاز شد. هیچ یک از این دو جنگ، منشأ دینی نداشت و ظاهر مذهبی و دینی نیز به خود نگرفت. طرف‌های درگیر در این دو جنگ، در قالب اندیشه‌های ناسیونالیستی، لیبرالیستی و سوسیالیستی، رفتار خود را توجیه می‌کردند. براین‌اساس این دو جنگ ریشه در فرهنگ غرب داشتند.

با این همه، دو جنگ اول و دوم به کشورهای اروپایی و غربی محدود نشدند، بلکه همه جهان را درگیر خود ساختند. بعد از جنگ جهانی دوم نیز، صلحی پایدار برقرار نشد.

بحران موشکی کوبا، که جهان را تا آستانه جنگ جهانی سوم پیش برد؛ حضور هم‌زمان ناوهای شوروی و آمریکا در آب‌های کوبا

تصمیم شوروی مبنی بر استقرار موشک‌های میان‌برد در کوبا

پس از جنگ جهانی دوم، بلوک شرق و غرب هر یک بخشی از جهان را زیر نفوذ خود قرار دادند و تا زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، جنگ سرد بین این دو بلوک، به همراه جنگ گرم بین مناطق پیرامونی این دو، ادامه یافت و به اقتصاد کشورهای صنعتی که وابسته به تسلیحات نظامی بود، رونق بخشید.

جنگ ویتنام جهنمی‌ترین جنگ قرن بیستم نام گرفت. این جنگ زمانی آغاز شد که آتش جنگ کره به تازگی خاموش شده بود. در این دو جنگ، نیروهای آمریکا و شوروی در برابر یکدیگر صف‌آرایی کردند.

نظریه‌پردازان غربی، پس از فروپاشی بلوک شرق، طرف دیگری را برای جنگ جست‌وجو می‌کنند و جنگ را از کشورهای غربی (جنگ میان بلوک شرق و غرب) به فرهنگ‌ها و تمدن‌هایی منتقل کرده‌اند که در دوران استعمار، تحت سلطه جهان غرب قرار گرفته بودند.

نظریهٔ «جنگ تمدن‌ها» که ساموئل هانتینگتون آن را مطرح کرد، نظریه‌ای بود که عملیات نظامی قدرت‌های غربی در مقابله با مقاومت‌های کشورهای غیرغربی را توجیه می‌کرد. هانتینگتون از آخرین مرحله درگیری‌ها در جهان معاصر، با عنوان جنگ تمدن‌ها یاد می‌کند. از نظر او در این مرحله، دیگر دولت ـ ملت‌ها بازیگران اصلی صحنه روابط بین‌المللی نیستند و رقابت‌ها و درگیری‌ها، بین فرهنگ‌ها و تمدن‌های بزرگ (نه بین دولت ـ ملت‌ها) به وقوع خواهد پیوست و در این میان، فرهنگ اسلامی بزرگ‌ترین تهدید برای غرب است.

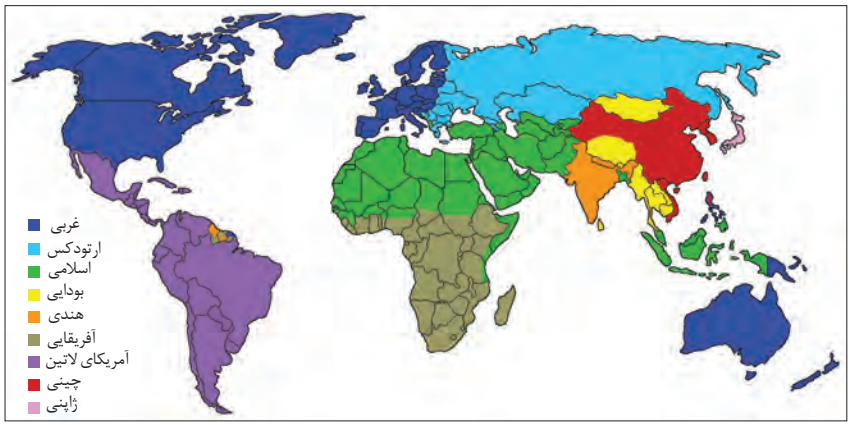

نقشهٔ تقسیم جهان به حوزه‌های تمدنی متفاوت

بخوانیم و بدانیم

واژه‌های صلح و آشتی در مقابل جنگ و نزاع به‌کار می‌رود ولی صلح فقط به معنای نبود نزاع و جنگ نیست بلکه معنایی عمیق‌تر و وسیع‌تر دارد.

صلح یکی از ارزش‌های بشری است که همواره در معرض خطر جنگ قرار دارد و به همین دلیل ما انسان‌ها باید در حفظ آن بکوشیم.

اولین پیام هر مسلمان در برخورد با دیگران سلام است. ریشه هر سه کلمه مسلمان و سلام و اسلام، سلم به معنای درستی است؛ خواه در جسم و خواه در روان انسان. سلم در قرآن در برابر جنگ و صلح نیز در برابر اختلاف به‌کار رفته است. اسلام و اصلاح به معنای رفع جنگ و اختلاف است.

واژهٔ صلح و مشتقات آن ۱۸۰ بار در قرآن کریم تکرار شده‌اند. قرآن کریم مؤمنان را به ایجاد صلح و دوستی میان انسان‌ها فرا می‌خواند و آن را مایهٔ جلب رحمت الهی می‌داند؛ البته صلحی عادلانه. (حجرات: ۹ و ۱۰)

«ما همیشه صلح طلبیم ولی نه صلحی که جانی را بر سر جنایت خودش باقی بگذارد، چنین صلحی، صلح نیست.» (امام خمینی رحمه‌الله)

۲۱ سپتامبر روز جهانی صلح است. همه ساله در این روز زنگ صلح در سازمان ملل به صدا درمی‌آید. این زنگ که یادآور تلفات انسانی جنگ است، به همت ژاپنی‌ها از سکه‌هایی که کودکان ۶۰ کشور جهان اهدا کرده‌اند ساخته و به سازمان ملل هدیه شده است. در کنار این زنگ نوشته شده «زنده باد صلح مطلق جهانی!»

گفت‌وگو کنید

ـ شما وضعیت نظام جهانی موجود را از نظر استقرار صلحی پایدار، چگونه توصیف و ارزیابی می‌کنید؟ آیا عملکرد سازمان ملل در این زمینه کارساز بوده است؟ دلایل خود را ذکر کنید.

ـ دربارهٔ پیامدهای اقتصادی جنگ جهانی اول و پیامدهای سیاسی جنگ جهانی دوم در ایران گفت‌وگو کنید.

ببینیم و بدانیم

مستند آخرالزّمان روایتی تصویری از جنگ‌های جهانی اول و دوم است. با دیدن این مستند، به علل و پیامدهای دو جنگ جهانی پی می‌برید.

شمال و جنوب

برخی مفاهیم طبیعی و جغرافیایی مانند «شمال و جنوب» معنای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی پیدا کرده‌اند. تقابل شمال و جنوب به تقابل کدام کشورها اشاره دارد؟ اصطلاحات مشابه آنها کدام است؟

از آنجا که بیشتر کشورهای صنعتی و ثروتمند در نیم‌کرهٔ شمالی زمین و اغلب کشورهای فقیر در نیم‌کرهٔ جنوبی قرار دارند، از تقابل کشورهای فقیر و غنی به تقابل شمال و جنوب یاد می‌کنند.

مفاهیم **شمال** و **جنوب** عمدتاً بعد از جنگ جهانی دوم به کار گرفته شد زیرا برخی اندیشمندان معتقد بودند که چالش اصلی بین بلوک شرق و غرب، نیست بلکه چالش اصلی بین کشورهای غنی و فقیر است.

اصطلاحات سیاسی مشابه دیگری نیز برای اشاره به این چالش وجود دارد؛ مانند **جهان اول** و **دوم** و **سوم**، کشورهای **توسعه یافته** و **عقب مانده**، **مرکز** و **پیرامون**، **استعمارگر** و **استعمار زده**.

مراد از جهان اول، کشورهای سرمایه‌داری بلوک غرب است و منظور از جهان دوم، کشورهایی است که در کانون بلوک شرق قرار داشتند. جهان سوم، کشورهای دیگری هستند که خارج از این دو بلوک قرار داشته و تحت نفوذ آنها بوده‌اند.

به کشورهای صنعتی و ثروتمند، کشورهای توسعه یافته نیز گفته می‌شود و به کشورهای دیگر (هنگامی که با آنها مقایسه می‌شوند) کشورهای عقب مانده، توسعه نیافته یا در حال توسعه می‌گویند. این اصطلاحات به این نکته اشاره دارند که کشورهای توسعه یافته، الگوی کشورهای دیگرند و سایر کشورها باید مسیر آنها را ادامه دهند.

اصطلاح مرکز و پیرامون به نقش مرکزی کشورهای ثروتمند و صنعتی اشاره دارد. این اصطلاح را کسانی به‌کار می‌برند که معتقدند، کشورهای پیرامونی به سبب عملکرد کشورهای مرکزی، ضعیف و فقیر شده‌اند. بر اساس این نظریه، جوامع غربی، چالش‌های درونی خود را از طریق بهره‌کشی از

کشورهای غیر غربی حل می‌کنند؛ به این ترتیب که با ثروت به‌دست آمده از کشورهای پیرامونی، رفاه کارگران و اقشار ضعیف خود را تأمین می‌کنند و مشکلات حادّ درونی‌شان را به بیرون از مرزهای خود انتقال می‌دهند. آنها با سرمایه‌گذاری‌های مشترک و معاهدات بین‌المللی، انتقال ثروت از کشورهای پیرامون به کشورهای مرکز را آسان می‌کنند.

قارهٔ آفریقا از منابع و معادن ارزشمندی مانند نفت،الماس، طلا، اورانیم، آهن، مس و نقره برخوردار است اما در نتیجهٔ استعمار، فقیرترین قارهٔ مسکونی دنیاست.

دو اصطلاح استعمارگر و استعمارزده را کسانی به کار می‌برند که چالش و نزاع بین کشورهای غنی و فقیر را به ابعاد اقتصادی محدود نمی‌کنند و به ابعاد فرهنگی آن نیز توجه دارند. از نظر این گروه، مشکل کشورهای فقیر نه فقط ضعف اقتصادی و صنعتی بلکه خودباختگی فرهنگی آنهاست.

تقابل شمال و جنوب تقابلی جهانی است و در صورتی که فعال شود، بسیاری از چالش‌های درونی کشورهای غربی، دیگر بار فعّال خواهند شد.

گفت‌وگو کنید

به نظر شما میان چالش فقر و غنا در کشورهای اروپایی و چالش‌های زیر چه رابطه‌ای وجود دارد؟

ـ شکل‌گیری بلوک شرق و غرب در جهان

ـ ایجاد تقابل شمال و جنوب در جهان

مفـاهیـم اساسی

کشورهای شمال و جنوب .....

خلاصـه کنیـد

ـ دو اصطلاح استعمارگر و استعمارزده را کسانی به‌کار می‌برند که به ابعاد فرهنگی چالش و نزاع میان کشورهای غنی و فقیر توجه دارند.

آنچـه از ایـن درس آمـوختیـم

درس یازدهم

بحران‌های اقتصادی و زیست محیطی

«گویند مولانا قطب‌الدین در راهی می‌رفت. شخصی از بامی افتاد و بر گردن مولانا آمد؛ چنان‌که مهرهٔ گردن او قصوری[1] یافت و چند روز بدان سبب صاحب بستر گشت[2]. جمعی از اکابر[3] وقت، به عیادت او آمدند و گفتند: چه حال است؟ گفت: حال از این بدتر چه باشد که دیگری از بام بیفتد و گردن من بشکند!» (لطایف الطوائف، مولانا فخرالدین علی صفی)

اغلب، پیامدهای خوب و بد کنش‌های افراد و جوامع، صرفاً متوجه خودشان نیست. امروزه بسیاری از بحران‌ها در مناطق خاصی پدید می‌آیند ولی به سایر نقاط دنیا گسترش می‌یابند. کشورها در ایجاد بحران‌ها، سهم یکسانی ندارند اما همه از پیامدهای نامطلوب آنها متأثر می‌شوند.

بحران چیست و چگونه ایجاد می‌شود؟ می‌دانید که به پدیده‌هایی مانند منظومهٔ شمسی، رایانه، بدن انسان و جامعه نظام می‌گویند؛ به این دلیل که هر کدام مجموعهٔ منظمی از اجزای به هم پیوسته‌اند و برای رسیدن به هدفی مشترک با یکدیگر ارتباط دارند، هر نظامی در حالت طبیعی از تعادل برخوردار است. بحران هنگامی ایجاد می‌شود که برخی تغییرات درونی و بیرونی، تعادل کل نظام را بر هم بزند برای مثال، بدن انسان همواره در معرض عوامل بیماری‌زا قرار دارد و بیمار می‌شود ولی هنگامی که بیماری قابل کنترل نباشد و بدن را از وضعیت طبیعی خارج کند، بحران پدید می‌آید.

نظام جهانی نیز دچار بحران‌هایی می‌شود. در واقع، بحران‌ها، چالش‌هایی با ابعاد گسترده‌تر و عمیق‌تر هستند. بحران اقتصادی و بحران زیست محیطی از جملهٔ این بحران‌هاست. دربارهٔ این بحران‌ها چه می‌دانید؟ بحران اقتصادی چگونه ایجاد می‌شود و چگونه به مناطق مختلف دنیا انتقال می‌یابد؟ آیا فرهنگ‌ها و جوامع مختلف در ایجاد بحران زیست محیطی سهم یکسانی دارند؟

۱ـ شکستگی
۲ـ بستری شد
۳ـ بزرگان

بحران‌های اقتصادی

بحران اقتصادی، آسیبی است که نظام اقتصادی را دچار اختلال می‌کند. آیا می‌دانید بحران اقتصادی چه مسائلی به دنبال می‌آورد؟

در بحران اقتصادی، قدرت خرید مصرف‌کنندگان به شدت کاهش می‌یابد و تولیدکنندگان بازار فروش خود را از دست می‌دهند؛ درنتیجه کارخانه‌ها تعطیل و کارگران بیکار می‌شوند.
در تاریخ اقتصاد سرمایه‌داری غرب، بحران‌های اقتصادی به‌طور متناوب و با شدت و ضعف‌های متفاوت پدید آمده‌اند. نخستین بحران اقتصادی در سال ۱۸۲۰م در انگلستان به وجود آمد اما مهم‌ترین آنها در فاصلهٔ بین دو جنگ جهانی، یعنی سال‌های ۱۹۲۹ تا ۱۹۳۳م اتفاق افتاد. زیان اقتصادی این بحران کمتر از زیان اقتصادی جنگ جهانی اول نبود. در این بحران، ۴۰ میلیون کارگر بیکار و هزاران مؤسسه اقتصادی ورشکست شدند.

■ بحران اقتصادی سال‌های اخیر در غرب

■ بحران اقتصادی غرب در سال‌های بین دو جنگ جهانی

بحران اقتصادی سال‌های اخیر در اروپا و آمریکا از سال ۲۰۰۸ شروع شده است و با وجود تلاش‌هایی که برای مهار آن می‌شود، همچنان ادامه دارد.
بحران اقتصادی و چالش فقر و غنا هر دو، هویت اقتصادی دارند ولی از جهاتی با یکدیگر متفاوت‌اند. چالش فقر و غنا چالشی همیشگی است ولی بحران اقتصادی اغلب دوره‌ای و مقطعی است.

■ فقر و غنا، چالشی همیشگی در سرمایه داری غربی

همچنین آسیب‌های مربوط به فقر و غنا همواره متوجه قشرهای فقیر و ضعیف جامعه است، ولی آسیب‌های مربوط به بحران اقتصادی تمامی جامعه را در بر می‌گیرد. البته سرمایه‌داران با وجود آسیب‌هایی که می‌بینند، با استفاده از ابزارهایی که دارند، فشارهای ناشی از بحران‌های اقتصادی را به اقشار ضعیف و تولیدکنندگان خرد انتقال می‌دهند؛ به همین دلیل، بحران اقتصادی اغلب با چالش فقر و غنا پیوند می‌خورد و بر دامنهٔ آن افزوده می‌شود.

بحران اقتصادی درصورتی‌که کنترل نشود، می‌تواند به فروپاشی حکومت‌ها منجر شود.

بحران‌های اقتصادی در ابتدا به کشورهای غربی محدود می‌شدند و از عوامل داخلی آنها اثر می‌پذیرفتند، ولی با شکل‌گیری اقتصاد جهانی و کاهش اهمیت مرزهای سیاسی و جغرافیایی، این بحران‌ها که منطقه‌ای بودند به سرعت آثار و پیامدهای خود را در سطح جهان آشکار ساختند.

تحقیق کنید

دربارهٔ جنبش وال استریت و ارتباط آن با بحران اقتصادی ۲۰۰۸ میلادی تحقیق کنید.

بحران‌های زیست‌محیطی

محیط طبیعی که در آن زندگی می‌کنیم، محیط زیست ما را تشکیل می‌دهد. برخی از متفکران، بحران‌های زیست‌محیطی را مشکل سرنوشت‌ساز قرن بیستم دانسته‌اند. بحران‌های محیط‌زیست، چرا پدید آمده‌اند و چه مسائلی را به دنبال آورده‌اند؟

بخوانیم و بدانیم

در دویست سال اخیر، تغییراتی شگرف در محیط‌زیست رخ داده است. اگر تاریخ کرهٔ زمین را در یک فیلم یک‌ساله فشرده کنیم، به‌طوری که هر ثانیه، ۱۴۶ سال را در خود جای دهد، دویست سال اخیر حدود یک ثانیه از عمر زمین را تشکیل می‌دهد ولی تغییراتی که بشر در این مدت در طبیعت و محیط‌زیست ایجاد کرده بیشتر از تغییرات زمین در طول عمر آن است. این تغییرات، آسیب‌های زیست محیطی بسیاری را به دنبال داشته است؛ از جمله:

ـ آلودگی هوا در اثر گازهای شیمیایی، ریزگردها و فلزات سنگین

ـ تخریب لایهٔ اُزن، در اثر افزایش تولید گازهای گلخانه‌ای

ـ از بین رفتن منابع آب در اثر آلودگی آب‌های سطحی و زیرزمینی

ـ آلودگی دریاها در اثر عوامل فیزیکی و شیمیایی

ـ بارش باران‌های اسیدی در اثر آلودگی آب و هوا

ـ گرم شدن کرهٔ زمین و خشکسالی

ـ مسمومیت خاک در اثر تجمع مواد زاید تجزیه ناپذیر، سموم آفت‌کش، مواد رادیو اکتیو و پلیمرها

ـ تهی‌شدن منابع طبیعی تجدیدناپذیر در نتیجهٔ استفاده بی‌رویهٔ انسان معاصر

ـ در معرض نابودی قرار گرفتن حدود یک سوم از انواع جانوران و گیاهان

نخلستان‌های ایران، قربانی خشکسالی

دفن زباله‌های سمّی در کشورهای جهان سوم

جزیرهٔ هندرسون مشهور به جزیرهٔ پلاستیکی، مقصد پلاستیک‌های شناور در اقیانوس آرام و آلوده‌ترین نقطهٔ جهان

امروزه بحران‌های زیست محیطی به منطقهٔ خاصی محدود نمی‌شوند و همهٔ محیط طبیعی زندگی انسان، آب، خاک و هوا را فراگرفته‌اند. شهرهای صنعتی، اولین مراکزی بودند که با آلودگی‌های زیست‌محیطی مواجه شدند. پس از آن با گسترش زندگی مدرن در جهان، انواع آسیب‌های زیست‌محیطی نیز به سرعت گسترش یافتند. انسان مدرن با انقلاب صنعتی، تسلط و پیروزی بر طبیعت را به خود نوید می‌داد ولی از همین منظر، طبیعت نیز نخستین مسائل و مشکلات خود را نشان داد. بدین‌ترتیب رابطهٔ متقابل انسان و طبیعت دچار اختلال گردید.

برخی اندیشمندان، بحران‌های محیط زیست را ناشی از رویکرد انسان مدرن و فرهنگ معاصر غرب به طبیعت می‌دانند. فرهنگ مدرن، طبیعت را مادهٔ خام و بی‌جانی می‌داند که انسان اجازهٔ هرگونه تصرفی را در آن دارد. در این فرهنگ، انسان بر این گمان است که با تسخیر طبیعت و تصرف آن، می‌تواند تمامی مسائل و مشکلات خود را حل کند.

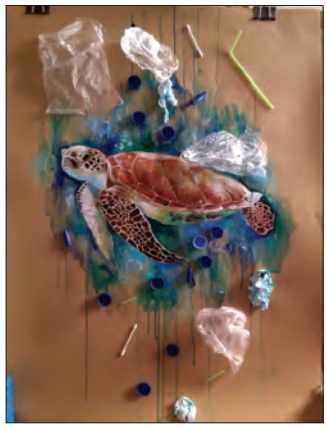

دو نگاه متفاوت به طبیعت

در نگاه توحیدی، طبیعت و هر چه در آن است، آیات و نشانه‌های خداوندند، همهٔ موجودات طبیعی به تسبیح خداوند مشغول‌اند و به سوی او بازمی‌گردند. در نگاه اساطیری هم، طبیعت مادهٔ خام نیست، بلکه از ابعاد و نیروهای ماورائی برخوردار است.

انسان مدرن به‌دلیل نگاه دنیوی، نگاه دینی و معنوی به طبیعت را کودکانه می‌پندارد و تصرف در طبیعت را تنها با فنون و روش‌های تجربی انجام می‌دهد، ازاین‌رو، گسترش سریع صنعت و فناوری مدرن، با وجود اینکه توانمندی و آسایش بیشتری برای بشر فراهم آورده، زیان‌های جبران‌ناپذیری به او و طبیعت، وارد کرده است. بحران زیست‌محیطی، ابتدا در حوزه رابطهٔ انسان با طبیعت قرار داشت، ولی به تدریج به روابط انسان‌ها و جوامع با یکدیگر نیز سرایت کرد و به آسیب‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی همچون مهاجرت، حاشیه‌نشینی، بیکاری، فقر و اختلافات سیاسیِ منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای منجر شد. به منظور چاره‌اندیشی برای این

آسیب‌ها، همایش‌های بین‌المللی متعددی دربارهٔ بحران زیست‌محیطی برگزار شده است، که البته نتوانسته‌اند از شتاب بحران بکاهند. اعتراضات و واکنش‌های مردمی در دهه‌های اخیر، جنبش‌های اجتماعی جدیدی پدید آورده است.

بخوانیم و بدانیم

در قرن بیستم، کشورهای غربی، زباله‌های سمّی خود را به کشورهای جهان سوم ارسال می‌کردند تا در آنجا دفن یا انبار شود.

برخی جنبش‌های حامی محیط‌زیست این اقدام را استعمار سمّی و نژاد پرستی زیست‌محیطی نامیده‌اند. در این استعمار، جوامع سلطه‌گر که حتی سوزاندن زباله و دفن پلاستیک را در خاک خود ممنوع اعلام کرده‌اند، مردم و سرزمینی دیگر را «زباله‌بان و زباله‌دان» خود می‌دانند و زباله‌های اتمی و سمّی خود را در خاک آنها دفن می‌کنند.

در سال ۱۹۸۹م سازمان ملل با طرح «پیمان باسل» تلاش کرد تا از انتقال زباله‌های کشورهای صنعتی به کشورهای فقیر جلوگیری کند، امّا برخی کشورهای غربی این پیمان را نپذیرفتند و برخی دیگر با دور زدن قوانین بین‌المللی، سوء استفاده از نیاز مالی و کم اطلاعی افراد یا دولت‌ها، همچنان به صدور زباله‌های خود به کشورهایی چون ساحل عاج، غنا، سومالی، نیجریه، مصر، هند، اندونزی و مغولستان مشغول‌اند. کشورهای فقیر هم به امید کسب درآمدی ناچیز از این راه، به این تجارت تن داده‌اند.

در قرن بیست‌ویکم، صادرات زباله همچنان یک تجارت بین‌المللی پر رونق و رو به گسترش است که در کشورهای جهان سوم بحران ایجاد می‌کند. «بحران ابیجان» در ساحل عاج و «بحران بوپال» در هند نمونه‌هایی از بحران‌های زیست‌محیطی در این دو قرن است.

گفت‌وگو کنید

شما برای مهار بحران‌های زیست محیطی در سطوح مختلف فردی، محلّی، ملّی، منطقه‌ای و جهانی چه راهکارهایی پیشنهاد می‌کنید؟

برای انجام دادن این فعالیت، متن سیاست‌های کلی محیط‌زیست در جمهوری اسلامی ایران را مطالعه کنید.

با هم تکمیل کنید

چالش‌های اقتصادی و اجتماعی	شباهت‌ها	تفاوت‌ها
بحران اقتصادی	.....	.....
چالش فقر و غنا	.....	.....

مفـاهیـم اساسی

بحران زیست محیطی .....

خلاصـه کنیـد

ـ بحران محیط زیست ناشی از رویکرد انسان مدرن به طبیعت است.

آنچـه از ایـن درس آمـوختیـم

درس دوازدهم

بحران‌های معرفتی و معنوی

چالش‌های جهانی، به تدریج و یکی پس از دیگری آشکار می‌شوند، اغلب پایان نمی‌یابند و با بروز چالش‌های جدید، چالش‌های پیشین نیز همچنان باقی می‌مانند. برای مثال، چالش فقر و غنا در چند قرن گذشته بروز کرد امّا همچنان پا برجاست.

ابتدا چالش‌های اقتصادی، سیاسی، نظامی و... رخ می‌دهند و سپس چالش‌ها و بحران‌های معرفتی، معنوی، اخلاقی، عاطفی و ... ظاهر می‌شوند.

این چالش‌ها در مواجهه با سایر فرهنگ‌ها به وجود نمی‌آیند و همگی از درون فرهنگ غرب بر می‌خیزند. علّت این چالش‌ها درونی است، نه بیرونی، به همین دلیل فرهنگ غرب نمی‌تواند آن را به دیگران نسبت دهد. از این رو وقتی آثار چنین چالش‌هایی در سطح جهان آشکار می‌شود، فرهنگ‌های دیگر برای مهار آنها نباید، به همان راهی بروند که جهان غرب می‌رود و نباید چارهٔ این چالش‌ها و درمان این دردها را از غرب بخواهند چرا که «اگر کوری، کور دیگر را هدایت کند هر دو به چاه خواهند افتاد.»

برخی چالش‌ها مربوط به لایه‌های سطحی تر و برخی مربوط به لایه‌های عمیق تر فرهنگ‌اند.

سکولاریسم، اومانیسم و روشنگری در مجموع، عمیق ترین لایهٔ فرهنگ معاصر غرب و روح و شالودهٔ آن را تشکیل می‌دهند. تمامی چالش‌های جهانی، از این لایهٔ هویتی برمی‌خیزند ولی بحران‌های معرفتی و معنوی به این لایه تعلق دارند. در مورد این بحران‌ها چه می‌دانید؟

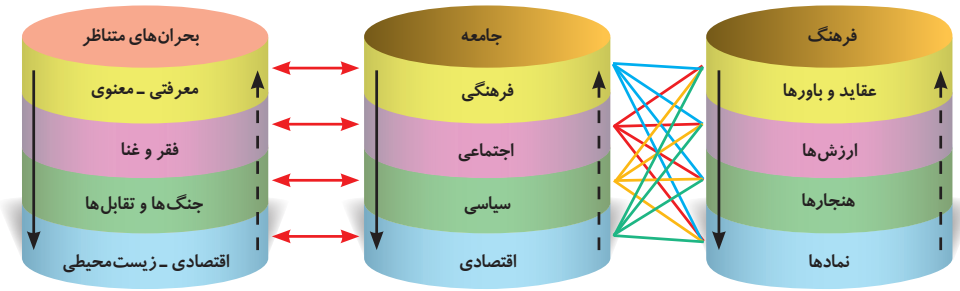

بحران معرفتی

در درس پنجم دربارهٔ رویکرد معرفتی ـ علمی فرهنگ غرب پس از رنسانس، مطالبی آموختید. آیا آن رویکرد را به یاد دارید؟ غرب معاصر چگونه از آن بحران علمی ـ معرفتی عبور کرد و با چه بحران علمی ـ معرفتی جدیدی مواجه شد؟

- در فرهنگ قرون وسطی، کتاب مقدس و شهود آباء کلیسا معتبرترین راه شناخت جهان بود و شناخت از راه عقل و تجربه نادیده گرفته می‌شد.
- در دوران رنسانس، این روش معرفتی مورد تردید قرار گرفت و به تدریج به بحران معرفتی انجامید. جهان غرب برای برون‌رفت از این بحران، وحی و شهود را در شناخت علمی نادیده گرفت و به شناخت از راه عقل و تجربه بسنده کرد.
- شناخت عقلی جدید نیز بیش از دو سده دوام نیاورد. به همین دلیل در قرن نوزدهم و بیستم، شناخت حسی و تجربی را تنها راه شناخت علمی می‌دانستند.

در قرن نوزدهم، جامعه‌شناسان به دنبال آن بودند که دربارهٔ حقایقی که پیامبران از طریق وحی دربارهٔ جامعهٔ بشری بیان کرده‌اند یا عالمان با استدلال‌های عقلی به آنها رسیده‌اند، با روش حسی و تجربی داوری کنند. جامعه‌شناسان قرن نوزدهم روش تجربی خود را تنها راه درست برای شناخت جهان هستی می‌دانستند و معتقد بودند آگاهی‌ها و علوم جوامع دیگر غیرعلمی است. بدین ترتیب، غرب این مطلب را به نخبگان جوامع غیرغربی القا می‌کرد که پیروی از فرهنگ غرب تنها راه پیشرفت و توسعهٔ دیگر فرهنگ‌ها است.

بحران معرفتی جدید هنگامی آغاز شد که محدودیت‌های علمیِ دانش تجربی و همچنین وابستگی آن به معرفت‌های غیرتجربی و غیرحسی آشکار شد. در نیمهٔ اول قرن بیستم، با روشن شدن محدودیت‌های علم تجربی، علم از داوری‌های ارزشی دست برداشت و به امور طبیعی محدود شد.

- در نیمهٔ دوم قرن بیستم با روشن شدن اینکه علم تجربی دارای مبانی غیرتجربی است، علم

مدرن زیر سؤال رفت. آشکار شد علم تجربیِ غربی تنها تفسیر ممکن از جهان طبیعت نیست بلکه تفسیرهای متناسب با فرهنگ‌های دیگر نیز می‌تواند وجود داشته باشد.

تردید دربارهٔ مبانی علوم تجربی غربی، در حقیقت تردید دربارهٔ بنیان‌های هویتی فرهنگ غرب یعنی لایه‌های عمیق یا همان فلسفه روشنگری بود. با این پرسش، بحران معرفتی ـ علمی در دو بُعد ظاهر شد:

۱ـ افول روشنگری و شکل‌گیری جریان‌های پُست مدرن

روشنگری مدرن از قرن نوزدهم مبتنی برحس و تجربه بود و براساس آن، شناخت غیرتجربی، علمی دانسته نمی‌شد ولی پس از اینکه مشخص شد، علم تجربی به معرفت‌های غیرتجربی وابسته است، استقلال معرفت علمی ـ تجربی مخدوش شد و هویت روشنگرانهٔ آن مورد تردید قرار گرفت. تردید در روشنگری به منزلهٔ تردید در هویت معرفت‌شناختی جهان مدرن بود.

دانشمندانی را که در اصل روشنگری علم مدرن تردید کرده‌اند، پسامدرن می‌خوانند، زیرا از اصول جهان مدرن عبور کرده و به فراسوی آن رسیده‌اند.[۱]

۲ـ ناسازگاری ابعاد معرفتی جهان غرب با نیازهای اقتصادی و سیاسی آن

متفکران پسامدرن زمانی در اصول و مبانی فرهنگ غرب تردید کردند که سیاست و اقتصاد جهان غرب، ابعاد جهانی پیدا کرده و نیازمند علمی بود که حضور جهانی آن را توجیه کند اما اندیشه‌های پسامدرن این ظرفیت را نداشتند.

ناتوانی جهان غرب برای توجیه حضور جهانی خود، در شرایطی که اقتصاد و سیاستش، به این حضور نیاز دارد، بعد دیگری از بحران معرفتی ـ علمی است؛ یعنی ناسازگاری بین عملکرد اقتصادی و سیاسی غرب با توانمندی‌های معرفتی و علمی آن.

فرهنگی که توان معرفتی لازم برای دفاع از ابعاد گستردهٔ اقتصادی و سیاسی خویش را نداشته باشد، به حیوان فرتوتی می‌ماند که باوجود جثهٔ عظیم خود، زمین‌گیر و آسیب‌پذیر شده است.

بحران معنویت

در فرهنگ غرب گرایش به دین و معنویت از سر گرفته شده است و حتی برای پاسخ دادن به نیاز فطری آدمی به معنویت، دین‌های جدید و عرفان‌های رنگارنگ همانند قارچ از زمین روییده‌اند و عده‌ای از آنها پیروی می‌کنند. بحران معنویت چه زمانی و چرا در فرهنگ غرب پدید آمد؟ جامعه شناسان با چه نام‌هایی از این بحران یاد کرده‌اند؟ این بحران چه پیامدهایی داشته است؟

۱ـ در این باره، سال آینده مطالب بیشتری خواهید آموخت.

در فرهنگ مدرن، سکولاریسم به‌صورت آشکار مطرح شد. در این فرهنگ، گرایش‌ها و رفتارهای دینی تنها با توجیه دنیوی امکان مطرح شدن دارند.
سکولاریسم به‌ترتیب، در حوزه‌های هنر، اقتصاد، سیاست و علم ظاهر گردید و فرهنگ تخصصی هریک از این حوزه‌ها، سکولار و دنیوی شد؛ امّا فرهنگ عمومی جامعهٔ غربی، در محدودهٔ زندگی شخصی و خصوصی افراد، همچنان دینی باقی ماند.

■ حضور دین در فرهنگ عمومی جامعه غربی (برگزاری مراسم عید پاک، ازدواج و تدفین براساس آموزه‌های مسیحیت)

برخی جامعه‌شناسان بر این گمان بودند که در قرن بیستم، دین از آخرین عرصهٔ حضور خود ـ یعنی قلمرو فرهنگ عمومی ـ نیز بیرون خواهد رفت امّا واقعیت، خلاف این پیش‌بینی را نشان داد.
طیّ قرن بیستم نه تنها دین از فرهنگ عمومی مردم خارج نشد بلکه در سال‌های پایانی آن، نگاه معنوی و دینی، به سطوح مختلف زندگی انسان‌ها بازگشت. بعضی متفکران از این موج که نشانهٔ بحران معنویت در فرهنگ غرب است، با عناوین «افول سکولاریسم» و «پساسکولاریسم» یاد کردند.
مهم‌ترین علت تداوم باورهای دینی و معنوی در زندگی انسان، نیاز فطری آدمی به حقایق قدسی و ماوراء طبیعی است. یک فرهنگ علاوه بر نیازهای جسمانی و دنیوی انسان، باید به نیازهای معنوی و قدسی او نیز پاسخ دهد. همان‌گونه که بی‌توجهی به ابعاد دنیوی، به بحران منجر می‌شود، غفلت از ابعاد معنوی شکل دیگری از بحران را به دنبال می‌آورد.
فرهنگ غرب با انکار حقایق قدسی، نه تنها به آرمان‌های انقلاب فرانسه نرسید بلکه با اصالت بخشیدن به انسان دنیوی در قرن بیستم به پوچ‌گرایی، یأس و ناامیدی و مرگ آرمان‌ها و امیدها انجامید.

■ چالش‌های معنوی، اخلاقی و عاطفی، چالش‌های برخاسته از عمق فرهنگ غرب هستند.

گریز و رویگردانی از سکولاریسم در جوامع غربی، پیامدهای اجتماعی مختلفی داشت از جمله:

- برخی از نخبگان جهان غرب را به جست‌وجوی سنت‌های قدسی و دینی[1] واداشت.
- مهاجرانِ ساکنِ کشورهای غربی را که اغلب مرعوب فرهنگ مدرن شده بودند، به‌سوی هویت دینی خود فراخواند.
- بازار معنویت‌های کاذب و دروغین را رونق بخشید؛ خرافه‌پرستی، شیطان‌پرستی، انواع بازسازی شدهٔ ادیان و عرفان‌های شرقی و سرخ‌پوستی، نمونه‌هایی از این معنویت‌های دروغین هستند.

گفت‌وگو کنید

اجلاس هزارهٔ ادیان در آستانهٔ قرن بیست‌ویکم در نیویورک برگزار شد و در آن، اندیشمندانی از ادیان گوناگون جهان، گرد هم آمدند تا نقش دین را در استقرار صلح جهان بررسی کنند. به نظر شما چرا نشست‌های مشابه این اجلاس طی قرن بیستم برگزار نشد؟ در این باره گفت‌وگو کنید.

با هم تکمیل کنید

بحران‌های عمیق فرهنگ غرب	پیامدها
بحران معرفتی	.....
بحران معنویت	.....

۱ـ روابط علّت و معلولی و ساز و کارهای غیرمادیِ جاری در جهان

مفـاهیـم اساسی

پسا سکولاریسم .....

خلاصـه کنیـد

ـ افول سکولاریسم در غرب پیامدهای اجتماعی مختلفی داشته است.

آنچـه از ایـن درس آمـوختیـم

فصل چهارم

بیداری اسلامی و جهان جدید

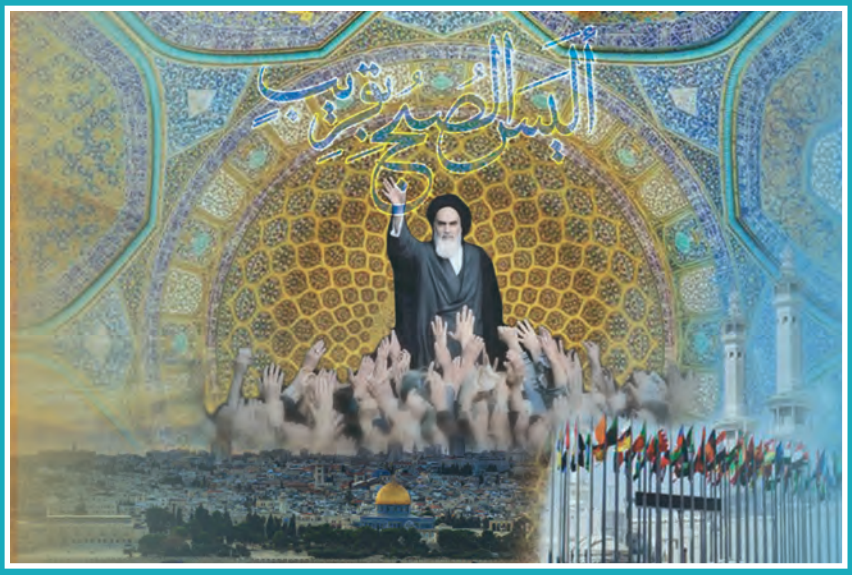

در فصل اول دربارهٔ چهار مرحلهٔ تاریخی گسترش عقاید و ارزش‌های جهان شمول اسلام سخن گفته شد. در دو مرحلهٔ نخست، اسلام در مواجهه با فرهنگ جاهلی و استبداد قومی و قبیله‌ای برآمده از آن، فرهنگ و تمدن درخشان اسلامی را بنا کرد. جهان اسلام در مواجهه با جهان متجدد، مرحلهٔ استعمار را از سر می‌گذراند و با پیروزی انقلاب اسلامی ایران از تنگنای استبداد استعماری عبور می‌کند و بیداری اسلامی را از سر می‌گیرد. جهان اسلام در عصر بیداری اسلامی به عنوان یک قطب فرهنگی و تمدنی ظاهر می‌شود؛ عبور از چالش‌های جهان امروز را به بشریت نوید می‌دهد و با مخاطب قرار دادن فطرت الهی تمامی انسان‌ها، مقدمات شکل‌گیری جهانی توحیدی را فراهم می‌آورد.

اهداف فصل چهارم

انتظار می‌رود دانش‌آموز با مشارکت در موقعیت‌های یاددهی ـ یادگیری این فصل، شایستگی‌های زیر را کسب کند:

۱. بتواند دربارهٔ نخستین جریان‌های اجتماعی جهان اسلام که در مواجهه با جهان غرب پدید آمدند، با دیگران بحث و گفت‌وگو نماید، شباهت‌ها و تفاوت‌های این جریان‌ها را شرح دهد و رویکردهای متفاوت این جریان‌ها به غرب را بررسی کند.

۲. با مقایسهٔ انقلاب اسلامی ایران با جنبش‌های اجتماعی پیش از آن در ایران و هم‌زمان با آن در سایر نقاط جهان از جایگاه و رسالت انقلاب اسلامی ایران در جهان اسلام و جهان معاصر شناخت پیدا کند و انقلاب اسلامی ایران را به عنوان نقطهٔ عطف بیداری اسلامی بشناسد.

۳. انقلاب فرانسه و انقلاب اسلامی ایران را از این منظر که یکی سرآغاز شکل‌گیری جهان دنیوی و دیگری سرآغاز شکل‌گیری جهان توحیدی است، مقایسه کند؛ برای تحقق این آرمان بلند انقلاب اسلامی بکوشد و دیدگاهی را که آرمان‌ها و ارزش‌های بلند انقلاب اسلامی را ذیل ارزش‌های دنیوی انقلاب فرانسه تعریف می‌کند، نپذیرد.

۴. بیداری اسلامی را راه‌حل بحران‌های جهانی بداند؛ نسبت به سرنوشت بیداری اسلامی احساس مسئولیت کند، به شیوه‌های غرب برای مقابله با آن پی ببرد، فرصت‌ها و محدودیت‌های پیش‌روی بیداری اسلامی را بشناسد و برای استفادهٔ مطلوب از فرصت‌ها و عبور از محدودیت‌ها چاره اندیشی کند.

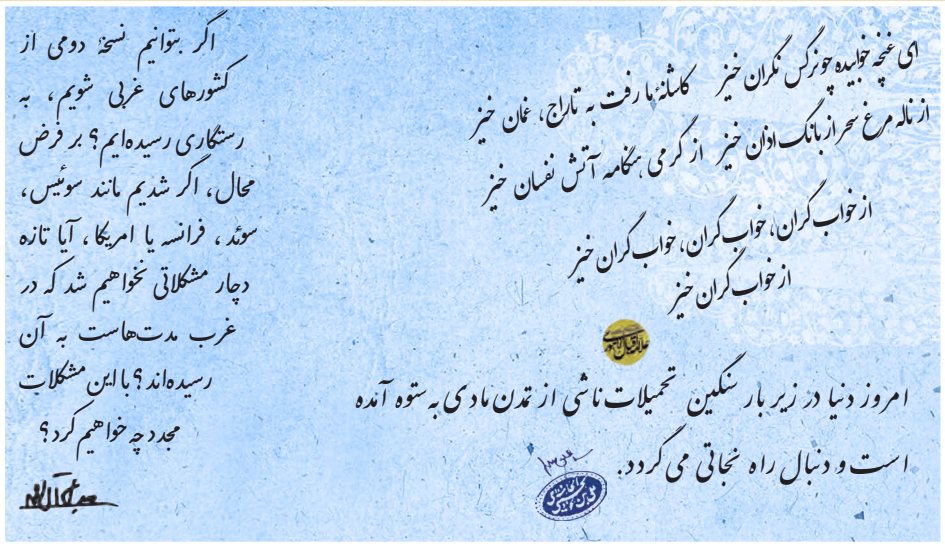

درس سیزدهم

سرآغاز بیداری اسلامی

آغاز شکل‌گیری هر پدیدهٔ اجتماعی اغلب هیجان‌انگیزترین لحظهٔ آن است؛ لحظه‌ای سرشار از بیم، امید، شگفتی، تنش و دلهره. سرآغاز پدیدهٔ اجتماعی، شفاف‌ترین لحظهٔ آن نیز به‌شمار می‌رود و به همین دلیل اطلاعات قابل توجهی از آن پدیده در اختیار ما می‌گذارد. سرآغازهر پدیده سرگذشت و سرنوشت آن پدیده را به‌طور خلاصه در خود دارد.

بیداری اسلامی نیز سرآغازی دارد.

جهان غرب ابتدا با سطحی‌ترین و ظاهری‌ترین لایه‌های هویتی خود با سایر جهان‌های اجتماعی، از جمله جهان اسلام، مواجه شد و بیش از هر چیز، وجوه نظامی، سیاسی، اقتصادی، فنّاورانه و ... خود را به رخ کشید اما لایه‌های عمیق آن از چشم اعضای سایر جهان‌ها مخفی ماند. این امر بر چگونگی مواجههٔ جهان‌های اجتماعی دیگر و اعضای آنها با جهان غرب تأثیر فراوانی گذاشت.

از ابتدای رویارویی جهان اسلام با غرب متجدد، جریان‌های فکری و اجتماعی متفاوتی در جهان اسلام شکل گرفت. جریان‌هایی که برداشتشان از دافعه‌ها و جاذبه‌ها، دشمنان و دوستان، دردها و درمان‌های پیش‌رو، شباهت‌ها و تفاوت‌هایی داشت. نخستین جریان‌های اجتماعی که در این مواجهه شکل گرفتند، کدام‌اند؟ شباهت‌ها و تفاوت‌های آنها چیست؟

نخستین بیدارگران اسلامی

از خواب‌گران، خواب گران، خواب گران خیز
از خواب گران خیز

خاور همه مانند غبار سر راهی است　　یک نالهٔ خاموش و اثر باخته آهی است
هر ذرهٔ این خاک گره خورده نگاهی است　　از هند و سمرقند و عراق و همدان خیز

از خواب‌گران، خواب گران، خواب گران خیز
از خواب گران خیز

فریـاد ز افـرنگ و دلاویـزی افـرنگ　　فریـاد ز شیرینـی و پرویـزی افـرنگ
عالم همه ویرانه ز چنگیزی افرنگ　　معمار حرم، باز به تعمیر جهان خیز

از خواب گران، خواب گران، خواب گران خیز
از خواب گران خیز

(محمداقبال لاهوری)

اولین بیدارگران در جهان اسلام چه کسانی بودند، چه ویژگی‌هایی داشتند و چقدر با فرهنگ غرب آشنا بودند؟

غرب متجدد، زمانی با جهان اسلام روبه‌رو شد که قدرت‌های سیاسی جهان اسلام، با وجود رعایت ظواهر اسلامی، استبدادهای قومی و قبیله‌ای بودند و عالمان دینی، اغلب براساس ضرورت حفظ امنیت با آنها تعامل می‌کردند.

«فقاهت»[1] و «عدالت» که دو عنصر برتر در فرهنگ اسلامی هستند، اغلب در حاشیهٔ مناسبات قدرت‌های قومی، باقی مانده بودند. دولت‌های کشورهای مسلمان نیز به میزان دوری از سنت‌های دینی و اسلامی، آسیب‌پذیری بیشتری در برابر کشورهای غربی پیدا می‌کردند.

قدرت نظامی، سیاسی، اقتصادی و جاذبه‌های دنیوی کشورهای غربی، دولتمردان کشورهای اسلامی را مرعوب و شیفتهٔ فرهنگ غرب می‌ساخت و این مسئله، عزت و استقلال کشورهای اسلامی را تضعیف می‌کرد.

۱ـ شناخت عمیق احکام الهی و پیروی از آنها

نشریه‌ای دربارهٔ خودباوری مسلمانان و مبارزه با استعمار که سیدجمال‌الدین اسدآبادی با همکاری محمّد عبده در پاریس منتشر و در ده‌ها کشور آسیایی و آفریقایی توزیع می‌کرد.

در حمله روسیه تزاری به ایران، عده زیادی از علمای اسلام با تدوین کتاب‌ها و رساله‌های گوناگون، حکم جهاد با کفار را به‌طور مستدل و مشروح بیان کردند، این رساله‌ها با عنوان جهادیه شناخته می‌شوند.

نخستین بیدارگران اسلامی کسانی بودند که به خطر جوامع غربی و شیوهٔ برخورد دولت‌های اسلامی در برابر غرب، توجه کردند و حرکت‌ها و جنبش‌هایی را در مقابله با غرب به‌وجود آوردند. حضور فعال عالمان دینی در مقابله با روسیهٔ تزاری و تدوین رساله‌های جهادیه، اصلاحات امیرکبیر و حکم میرزای‌شیرازی در تحریم تنباکو، نمونه‌هایی از حرکت‌های نخستین بیدارگران اسلامی در ایران و اقدامات سیدجمال‌الدین اسدآبادی و شاگردان او در دیگر کشورهای اسلامی، نمونه‌هایی از این حرکت‌ها در جهان اسلام است.

مهم‌ترین ویژگی‌های نخستین بیدارگران اسلامی آن است که:

- به خطر کشورهای غربی برای جوامع اسلامی توجه داشتند و خواستار استقلال اقتصادی و سیاسی جوامع اسلامی بودند.
- به دنبال اصلاح رفتار دولت‌ها در کشورهای اسلامی بودند.
- بیداری را بازگشت به اسلام و عمل به آن می‌دانستند.
- بسیاری از آنان وحدت امت اسلامی و عزّت جهان اسلام را دنبال می‌کردند و قومیت‌های مختلف را درون امت واحد اسلامی به‌رسمیت می‌شناختند.

بیدارگران نخستین، با وجود رویکرد اعتراض‌آمیز به غرب، از فرهنگ غرب شناخت عمیقی نداشتند. آنها خطر غرب را بیشتر در سلطه‌گری و قدرت سیاسی و اقتصادی آن می‌دیدند. برخی از آنان، دوری مسلمانان از عمل به اسلام را عامل ضعف جوامع اسلامی می‌دانستند و گمان می‌کردند دلیل قدرتمندی جوامع غربی این است که عملکرد آنها اغلب همان است که مورد توجه اسلام نیز می‌باشد.

گفت‌وگو کنید

محمد عبده شاگرد سید جمال‌الدین اسدآبادی، در مصر بود و این سخن منسوب به اوست: در شرق مسلمان دیدم و اسلام را ندیدم و در غرب، اسلام را دیدم و مسلمان ندیدم. در کلاس دربارهٔ این سخن گفت‌وگو کنید و آن را نقد و بررسی نمایید.

منوّرالفکران و روشنفکران غرب‌گرا

با شکل‌گیری استعمار و نفوذ دولت‌های غربی در کشورهای اسلامی، جریان اجتماعی دیگری به موازات نخستین بیدارگران اسلامی شکل گرفت. نسل اوّل این جریان به «منوّرالفکران» و نسل دوم آن به «روشنفکران» شهرت یافتند. این جریان با بیدارگران اسلامی چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی داشت؟ شباهت‌ها و تفاوت‌های نسل اول و دوم این جریان اجتماعی چه بود؟

به موازات نخستین بیدارگران اسلامی، گروه دیگری در جوامع اسلامی پیدا شدند که شیفتهٔ فرهنگ غرب بودند. این گروه ــ که بیشتر در لژهای فراماسونری سازمان می‌یافتند ــ نیز خود را بیدارگر می‌نامیدند، اما برخلاف بیدارگران اسلامی، بیداری را در گذر از فرهنگ اسلامی و پیوستن به فرهنگ غربی می‌دانستند. آنان در ایران، اومانیسم را به آدمیت و روشنگری مدرن را به منوّرالفکری ترجمه کردند و به همین دلیل، خود را منوّرالفکر خواندند. لژ آدمیت و لژ بیداری ایرانیان از اولین لژهایی بود که منوّرالفکران در ایران تأسیس کردند.

منوّرالفکران غرب‌گرا ویژگی‌هایی داشتند:

- نسبت به‌کشورهای استعمارگر احساس خطر نمی‌کردند، بلکه حضور سیاسی و اقتصادی آنان را فرصت می‌دانستند.
- مانند بیدارگران اسلامی، خواستار اصلاح رفتار دولت‌ها درکشورهای اسلامی بودند.
- برخلاف بیدارگران اسلامی، بیداری را بازگشت به اسلام نمی‌دانستند بلکه بیداری را در تقلید از رفتار فرنگیان می‌دیدند.
- مفهوم امت و ملت اسلامی برای آنها بی‌معنا یا منفور بود و در مقابل، به ناسیونالیسم که اندیشهٔ سیاسی قوم‌گرایانهٔ غرب متجدد بود، روی آورده بودند.

منوّرالفکران غرب‌گرا مورد حمایت دولت‌های استعمارگر غربی بودند و این دولت‌ها به کمک آنان توانستند از موفقیت بیدارگران اسلامی جلوگیری کنند.
منوّرالفکران غرب‌گرا که در قدم‌های نخست از ضرورت اصلاحات در دولت‌های کشورهای اسلامی خود سخن می‌گفتند، در نهایت با حمایت کشورهای غربی، در جوامع خود حکومت‌های سکولار تشکیل دادند.

اقدامات آتاتورک؛ کشف حجاب، تغییر خط عربی به لاتین، تبدیل مسجد ایاصوفیا به موزه، لغو تقویم هجری، پخش اذان به زبان ترکی، انتشار اسکناس با نماد پان ترکیسم و ...

قدرت حاکمان سکولار در کشورهای مسلمان، ریشه در اعتقادات و پیشینهٔ تاریخی این کشورها نداشت. قدرت آنها وابسته به قدرت جهانی استعمار بود. آنان با اتّکا به این قدرت، می‌کوشیدند مظاهر دینی و اسلامی را از بین ببرند و ساختارهای اجتماعی[1] پیشین را حذف و ساختارهای اجتماعی جدیدی ایجاد کنند.
آتاتورک در ترکیه، رضاخان در ایران و امان‌الله‌خان در افغانستان، سه نمونه از قدرت‌های سکولاری‌اند که آرمان‌های منوّرالفکران غرب زده را با حمایت دولت‌های غربی دنبال می‌کردند.

۱ـ نهادها، قواعد، رویه‌ها و روابط میان آنها

گفت‌وگو کنید

دربارهٔ فعالیت‌های اسلام ستیزانهٔ رضاخان و چهره‌های منوّرالفکری که در کابینه‌های او حضور داشتند، گفت‌وگو کنید.

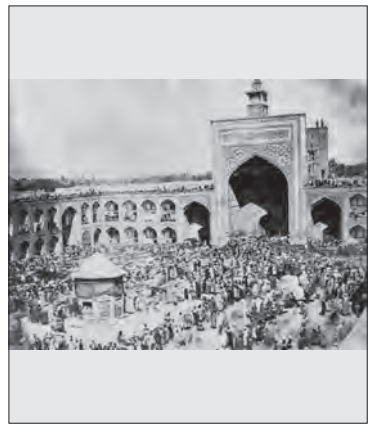

واقعهٔ مسجد گوهرشاد

علی‌اکبر داور، عبدالحسین‌خان تیمورتاش، تقی‌زاده و محمدعلی فروغی از جمله چهره‌های منوّرالفکری بودند که در کابینه رضاخان حضور داشتند.

حکومت منوّرالفکران غرب‌گرا در کشورهای اسلامی، استبداد استعماری را به دنبال داشت. استبداد استعماری به دلیل وابستگی به کشورهای استعمارگر و عمل‌کردن مطابق منافع این کشورها، استقلال سیاسی و اقتصادی جوامع اسلامی را مخدوش می‌ساخت و مقاومت‌های مردمی برای حفظ هویت اسلامی خود را نیز سرکوب می‌کرد.

در هم ریختن نظم پیشین به بهانهٔ رسیدن به جایگاه کشورهای غربی انجام شد؛ امّا در عمل، این کشورها همچنان در جایگاه کشورهای پیرامونی و استعمارزده باقی ماندند. این مسئله باعث اعتراض برخی از نخبگان غرب‌گرای این کشورها شد.

نخبگان غرب‌گرایی که به عملکرد نسل اول روشنفکران معترض بودند، نسل دوم روشنفکران را شکل دادند. این گروه تحت تأثیر جریان‌های چپ در کشورهای اروپایی بودند. این نسل با عنوان روشنفکران چپِ کشورهای اسلامی شناخته می‌شود. اعتراض روشنفکران چپ به روشنفکران نسل اول، به‌دلیل گریز آنان از اسلام یا اسلام‌ستیزی آنان نبود، بلکه از نوع اعتراضاتی بود که طیّ قرن بیستم در کشورهای غربی نسبت به عملکرد اقتصادی نظام‌های لیبرالیستی و سرمایه‌داری شکل می‌گرفت.

حرکت‌های اجتماعی روشنفکران چپ، در چارچوب اندیشه‌های ناسیونالیستی، سوسیالیستی و مارکسیستی بود. برخی از آنان، آشکارا اندیشه‌های غیرتوحیدی را مطرح می‌کردند و برخی دیگر از رویارویی مستقیم با باورهای دینی مردم خودداری می‌کردند؛ حتّی گاهی اندیشه‌های خود را در پوشش دینی بیان می‌داشتند. به این ترتیب، روشنفکری التقاطی[1] چپ در کشورهای اسلامی پدید آمد. حرکت‌های اعتراض آمیز روشنفکران چپِ کشورهای مسلمان، اغلب مورد حمایت بلوک شرق قرار می‌گرفت.

تا پیش از فروپاشی بلوک شرق، روشنفکران چپ در کشورهای اسلامی جاذبه داشتند و جریان چپ حتی در کشورهایی که زیر نفوذ بلوک غرب قرار داشتند، یک جریان اجتماعی تأثیرگذار بود. با فروپاشی بلوک شرق، جاذبه‌های روشنفکری چپ در سطح جهان از بین رفت و این جریان در کشورهای اسلامی نیز جاذبهٔ خود را از دست داد و غرب‌گرایان این جوامع، دیگر بار به اندیشه‌های لیبرالیستی غربی روی آوردند.

مطالعه کنید

دربارهٔ سرانجام جریان‌های ناسیونالیستی و مارکسیستی در ایران مطالعه کنید.

با هم تکمیل کنید

نخستین جریان‌های اجتماعی جهان اسلام	ویژگی‌ها	نقد و ارزیابی
۱ـ	.....	.....
۲ـ	.....	.....
۳ـ	.....	.....

۱ـ یکی از ویژگی‌های اساسی اندیشهٔ درست این است که اجزای آن دارای انسجام‌اند. از این‌رو به دیدگاهی که در آن تضاد و تناقض وجود دارد، به دیدهٔ شک و تردید نگریسته می‌شود. اندیشهٔ التقاطی در همین ویژگی دچار نقص است. چرا که معمولاً آمیزه‌ای از باورها و ارزش‌هایی است که از مکاتب و جهان‌بینی‌های مختلف گردآوری می‌شوند و به‌صورتی ناسازگار در کنار هم چیده می شوند. برخی جریان‌ها، عقاید اسلامی را با سوسیالیسم، مارکسیسم، لیبرالیسم و ... بدون توجه به مبانی آنها و به‌صورتی ناسازگار درهم ادغام می‌کنند.

مفـاهیـم اساسی

نخستین بیدارگران اسلامی .....

خلاصـه کنیـد

ـ منوّرالفکران غرب‌گرا، بیداری را در عبور از فرهنگ اسلامی و پیوستن به فرهنگ غربی معنا می‌کردند.

آنچـه از ایـن درس آمـوختیـم

درس چهاردهم انقلاب اسلامی ایران، نقطهٔ عطف بیداری اسلامی

«شک نباید کرد که انقلاب اسلامی ایران از همهٔ انقلاب‌ها جداست؛ هم در پیدایش و هم در کیفیت مبارزه و هم در انگیزهٔ انقلاب و قیام. تردید نیست که این یک تحفهٔ الهی و هدیهٔ غیبی بوده که از جانب خداوند منّان بر این ملّت مظلومِ غارت زده، عنایت شده است.»

(وصیت‌نامهٔ الهی ـ سیاسی امام خمینی رحمه‌الله)

انقلاب اسلامی ایران ویژگی‌هایی متمایز از دیگر جنبش‌های اجتماعی داشت و با همهٔ جنبش‌های اجتماعی که پیش از آن در ایران رخ داده بود یا هم‌عصر با آن در سایر نقاط دنیا وجود داشت، متفاوت بود. آیا ویژگی‌های انقلاب اسلامی ایران را می‌دانید؟

■ انقلاب اسلامی ایران تنها یک انقلاب سیاسی نبود و تمامی انسان‌ها را مخاطب خود قرار می‌داد.

انقلاب مشروطه

نخستین بیدارگران اسلامی در جهان اسلام، حرکت‌ها و جنبش‌هایی ایجاد کردند. جنبش عدالتخانه و جنبش تنباکو دو نمونه از این جنبش‌ها در ایران هستند. دربارهٔ این دو جنبش چه می‌دانید؟ چرا جنبش‌های اجتماعی نخستین بیدارگران اسلامی در ایران متوقف شدند؟

نخستین بیدارگران اسلامی در ایران، جنبش‌هایی را برای اصلاح رفتار حاکمان و ساختار حکومت[1] قاجار به‌وجود می‌آوردند.

تعامل عالمان شیعی با قاجار براساس «مقاومت منفی» بود. در مقاومت منفی، حاکمیت پادشاه، ظالمانه و غیرمشروع دانسته می‌شود و همکاری سیاسی با آن، جز در حدّ واجبات نظامیه انجام نمی‌شود. منظور از واجبات نظامیه اموری است که برای بقای زندگی اجتماعی لازم است؛ مانند حفظ امنیت یا مقابله با دشمنان خارجی.

هنگامی که قاجار ـ به دلیل اثرپذیری از دولت‌های استعماری ـ به جای مقاومت در برابر بیگانگان به قراردادهای استعماری روی آوردند، «مقاومت منفی» به سوی «فعالیت رقابت‌آمیز» تغییر کرد. منظور از فعالیت رقابت‌آمیز، ورود فعّال به عرصهٔ زندگی اجتماعی و سیاسی، نه درجهت تأیید قدرت حاکم و حمایت از آن، بلکه در رقابت با آن است.

حضور فعال مردم در جنبش تنباکو به تبعیت از علما

نمایندگان دوره‌های نخست مجلس شورای ملّی

برخورد رقابت‌آمیز عالمان دینی با قاجار، حرکتی اصلاحی بود. آنها برای اصلاح برخی رفتارهای پادشاهان قاجار تلاش می‌کردند. جنبش تنباکو نمونه‌ای موفق از فعالیت رقابت‌آمیز اصلاحی

۱ـ برای پی بردن به تفاوت رفتار حاکمان و ساختار حکومت، یک گروه اجتماعی مانند تیم فوتبال را در نظر بگیرید. در هر گروه اجتماعی، افراد، نقش‌ها و روابط میان نقش‌ها وجود دارند. به روابط میان نقش‌ها یا روابط میان مجموعه‌های نقشی، ساختار می‌گویند. افراد، نقش‌ها را اجرا یا به تعبیری بازی می‌کنند. یک نقش را افراد مختلف می‌توانند به شیوه‌هایی متفاوت ایفا کنند. برخی قوی‌تر و برخی ضعیف‌تر، برخی با پایبندی بیشتری به حقوق و تکالیف نقش و برخی با پایبندی کمتر. در تیم فوتبال اگر بازیکنی نقشی را به خوبی ایفا نکند، می‌توان از او خواست که این کار را بهتر انجام دهد و اگر نتوانست، می‌توان او را تعویض کرد امّا برای مثال، نمی‌توان از یک بازیکن فوتبال انتظار داشت که نقش یک بازیگر تئاتر را ایفا کند. اگر چنین انتظاری وجود داشته باشد، باید در ساختار بازی فوتبال تغییر ایجاد کرد.

است. این تجربهٔ موفق، فعالیت رقابت‌آمیز را از اصلاح رفتار به اصلاح ساختار تغییر داد و به «جنبش عدالتخانه» منجر شد.

جنبش عدالتخانه فقط به دنبال اصلاح کار یا رفتار خاصی از پادشاه نبود بلکه اصلاح شیوهٔ زمامداری او را هدف قرار داده بود. این جنبش ـ با توجه به شرایط داخلی و خارجی ـ در پی تأسیس مجلسی بود که قوانینِ عادلانهٔ الهی را تدوین کند و شاه را ملزم سازد که در چارچوب این قوانین عمل کند. این حرکت، حاکمیت را از مدار استبداد به مدار عدالت منتقل می‌کرد. البته در فقه اجتماعی و سیاسی تشیع، این نوع حاکمیت نیز آرمانی نبود امّا فساد آن از استبداد کمتر بود و ظلم را کنترل می‌کرد. به همین دلیل، فقط در شرایطی که برقراری حاکمیت آرمانی امکان نداشت، پذیرش آن ممکن بود.

جنبش عدالتخانه از آن جهت که ساختار سیاسی جامعه را تغییر می‌داد، یک انقلاب اجتماعی بود. با اوج‌گیری این جنبش، منوّرالفکران غرب‌زده به آن پیوستند و در جریان بست‌نشینی در سفارتخانهٔ انگلستان، نام مشروطه را برای آن برگزیدند. عالمان مسلمان نیز از همراهی منوّرالفکران استقبال کردند و این نام را پذیرفتند اما منظور عالمان دینی از مشروطه با منوّرالفکران تفاوت داشت. منظور عالمان مسلمان از مشروطه، مشروط کردن حاکمیت به احکام عادلانهٔ الهی بود اما منوّرالفکران مشروطه را نوعی حاکمیت سکولار مانند دولت انگلستان می‌دانستند.

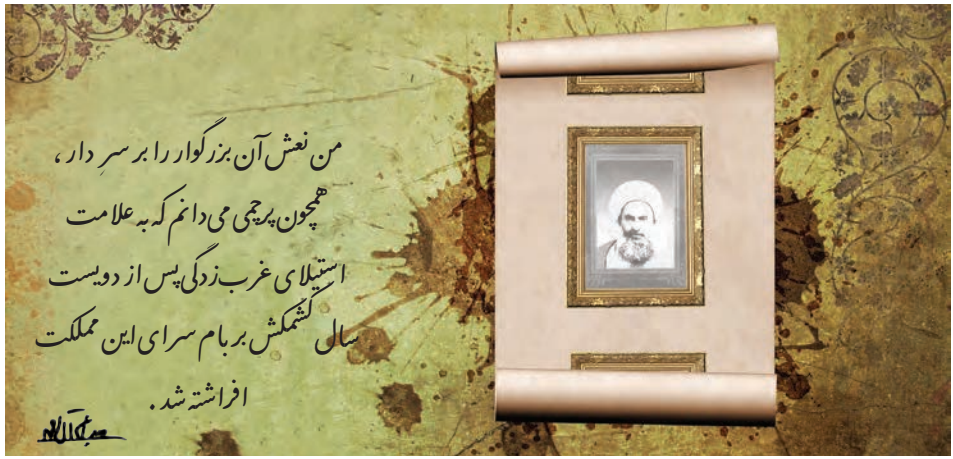

جمله‌ای از جلال آل‌احمد دربارهٔ شهید شیخ فضل‌الله نوری

از نظر منوّرالفکران مشروطه‌خواه، مجلس محلی بود که در آن، قوانین نه بر پایه احکام اسلام، بلکه براساس اراده و خواست بشر تنظیم و تدوین می‌شد.

در جریان انقلاب مشروطه، نزاع و رقابتی سخت بین بیدارگران اسلامی و منوّرالفکران غرب‌گرا به‌وجود آمد که پس از دو دهه کشمکش، با حضور قدرت‌های استعماری و دخالت انگلستان،

به نفع جریان منوّرالفکران پایان یافت. حاکمیت منوّرالفکران در ایران به استبداد استعماری رضاخان ختم شد.

مقایسه کنید

با توجه به جدول زیر مقاومت منفی، فعالیت رقابت‌آمیز اصلاحی و انقلاب اجتماعی را با یکدیگر مقایسه کنید.

فعالیت اجتماعی ـ سیاسی	ویژگی	نمونهٔ تاریخی
مقاومت منفی	همکاری با حاکم نامشروع در حد واجبات نظامیه	تدوین رساله‌های جهادیه
فعالیت رقابت‌آمیز اصلاحی	اصلاح رفتار حاکمان یا ساختار حکومت	جنبش تنباکو
انقلاب اجتماعی	تغییر ساختار سیاسی	جنبش عدالتخانه، انقلاب مشروطه

انقلاب اسلامی

رهبران دینی پس از شکست در مشروطه، از موضع فعالیت رقابت‌آمیز به موضع مقاومت منفی بازگشتند. این موضع در مرجعیت شیعه تا شروع انقلاب اسلامی ادامه یافت. انقلاب اسلامی ایران چگونه به‌وجود آمد و چه تفاوتی با انقلاب مشروطه داشت؟

پس از گذشت بیش از هفتاد سال از انقلاب مشروطه و نیم قرن از حاکمیت پهلوی، انقلاب اسلامی ایران رخ داد. امام خمینی ﷺ انقلاب را هنگامی آغاز کرد که شاه تحت حمایت دولت‌های غربی بود و مأموریت حفظ امنیت منطقه را به عهده داشت. روشنفکران چپ نیز از صحنهٔ رقابت‌های سیاسی داخلی کشور حذف شده بودند.

دادگاه سران حزب توده، این حزب از سازمان یافته‌ترین گروه‌های سیاسی چپ و مخالف شاه بود که با سرکوب گسترده از سوی حکومت پهلوی روبه رو شد.

دیدار ارتشبد طوفانیان معاون وزیر جنگ حکومت پهلوی با موشه‌دایان وزیر اسرائیل، برای همکاری مشترک نظامی

امام خمینی به‌عنوان یک مرجع دینی، مردم و عالمان را از موضعِ مقاومت منفی به فعالیت رقابت‌آمیز بازگرداند. این فعالیتِ رقابت‌آمیز، با اعتراض به کاپیتولاسیون و رفتار استعماری شاه آغاز شد ولی در حد یک حرکت اصلاحی نماند و به‌صورت یک حرکت انقلابی درآمد که حذف شاهنشاهی و تحقق حکومت اسلامی را دنبال می‌کرد.

در اندیشهٔ اجتماعی و سیاسی شیعی، حاکمیت آرمانی دینی، حاکمیت الهی است که به‌وسیلهٔ پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم‌السلام تحقق پیدا می‌کند و در زمان غیبت امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه اجرای احکام الهی، وظیفهٔ کسانی است که هم به احکام و شرایط اجرای آنها آگاه و عالم باشند و هم به علم و آگاهی خود عامل باشند و به آن عمل کنند.

مشکل عدالتخانه این بود که رفتار عادلانه را به کسانی تحمیل می‌کرد که با معیارهای الهی به قدرت نرسیده بودند. آنها قدرت را با شمشیر قوم و عشیره یا حمایت دولت‌های استعمارگر به‌دست آورده بودند؛ عالم به عدالت نبودند و عمل به عدالت نیز به قدر کافی در شخصیت آنها نهادینه نشده بود. به همین دلیل، در شرایطی که به‌نظر می‌رسید برقراری حاکمیت آرمانی امکان‌پذیر نیست، مشروطه در مقایسه با نظام استبدادی ترجیح داده شد.

انقلاب اسلامی، بازگشت مردم ایران به حرکت ناتمامی بود که در مشروطه آغاز کرده بودند. این بازگشت با هزینهٔ نزدیک به صدسال تجربهٔ تاریخی انجام می‌شد؛ تجربهٔ رقابت با منوّرالفکران غرب‌گرا، استبداد استعماری و روشنفکرانی که در حاشیهٔ بلوک شرق و غرب عمل می‌کردند.

گفت‌وگو کنید

دربارهٔ شباهت‌ها و تفاوت‌های انقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی ایران گفت وگو کنید.

مقایسهٔ انقلاب اسلامی و انقلاب‌های آزادی‌بخش

قرن بیستم را قرن انقلاب‌های آزادی‌بخش می‌دانند و انقلاب اسلامی، آخرین انقلاب قرن بیستم است. در این قرن، انقلاب‌ها و جنبش‌های آزادی‌بخش در بسیاری از کشورهای جهان سوم در آفریقا، آسیای جنوب شرقی و آمریکای لاتین شکل گرفتند. انقلاب اسلامی ایران با این انقلاب‌های آزادی‌بخش چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی دارد؟

انقلاب اسلامی ایران، انقلاب‌ها و جنبش‌های آزادی‌بخش قرن بیستم، همگی جهت‌گیری ضداستعماری داشتند و در جهت از بین بردن سلطهٔ سیاسی کشورهای غربی عمل می‌کردند.

شعار نه شرقی و نه غربی، شعار اصولی انقلاب اسلامی و ترسیم کنندهٔ سیاست واقعی کشورهای اسلامی و کشورهایی است که در آیندهٔ نزدیک و به یاری خدا، اسلام را به عنوان تنها مکتب نجات بخش بشریت می‌پذیرند. (امام خمینی قدس سره)

اما انقلاب اسلامی ایران با انقلاب‌های آزادی‌بخش این قرن تفاوت‌هایی دارد:

- انقلاب‌های آزادی‌بخش اغلب در مقابل بلوک غرب شکل می‌گرفتند و مورد حمایت بلوک شرق بودند. ولی انقلاب اسلامی ایران به هیچ‌یک از دو بلوک وابستگی نداشت و از آغاز، جهت‌گیری ضد آمریکایی و ضد صهیونیستی و ضد مارکسیستی خود را اعلان کرد.
- انقلاب‌های آزادی‌بخش، اغلب با جنبش‌های چریکی گروه‌ها و احزاب مختلف شکل می‌گرفتند. اما انقلاب اسلامی ایران یک انقلاب فراگیرِ مردمی با مرجعیت و رهبری دینی بود و همهٔ اقشار و گروه‌های جامعه را دربر گرفت.
- انقلاب‌های آزادی‌بخش در چارچوب نظریه‌ها و مکاتب چپ شکل می‌گرفتند که برای حل بحران‌های جهان غرب به‌وجود آمده بودند ولی انقلاب اسلامی ایران از آموزه‌های اسلامی بهره می‌برد و به فلسفه‌ها و مکاتب سیاسی غرب تعلقی نداشت.
- انقلاب‌های آزادی‌بخش در مقابله با استعمار قدیم و حذف کارگزاران مستقیم غرب موفق می‌شدند ولی در قطع وابستگی اقتصادی و فرهنگی توفیقی نداشتند؛ و به همین سبب، استعمار با دست کارگزاران این انقلاب‌ها، در چهرهٔ استعمار نو بازمی‌گشت. این انقلاب‌ها نتوانستند جایگاه کشورشان را از حاشیهٔ قطب‌های سیاسی و اقتصادی جهان خارج کنند اما انقلاب اسلامی ایران فقط یک انقلاب سیاسی نبود بلکه هویتی فرهنگی و تمدنی داشت. این انقلاب بیرون از قطب‌بندی سیاسی شرق و غرب، یک قطب‌بندی جدید فرهنگی به‌وجود آورد و خود درکانون قطب فرهنگی جهان اسلام قرار گرفت.

انقلاب‌های کوبا، الجزایر، هند و چین

بیندیشید

برای یک شباهت و چهار تفاوت انقلاب اسلامی ایران و انقلاب‌های آزادی‌بخش، پنج عنوان مناسب انتخاب کنید.

با هم تکمیل کنید

مقایسهٔ انقلاب ایران و انقلاب‌های آزادی‌بخش	
شباهت‌ها	تفاوت‌ها
.....	.....
.....	.....
.....	.....

مفـاهیـم اساسی

انقلاب اسلامی ایران .....

خلاصـه کنیـد

ـ انقلاب اسلامی ایران، فقط یک انقلاب سیاسی نبود بلکه هویتی فرهنگی و تمدنی داشت.

آنچـه از ایـن درس آمـوختیـم

درس پانزدهم

افق بیداری اسلامی

خانهٔ دوست کجاست؟ در فلق بود که پرسید سوار
آسمان مکثی کرد
رهگذر شاخهٔ نوری که به لب داشت به تاریکی شن‌ها بخشید
و به انگشت نشان داد سپیداری و گفت نرسیده به درخت کوچه باغی است
می‌روی تا ته آن کوچه که از پشت بلوغ سر به در می‌آرد
در صمیمیت سیال فضا خش‌خشی می‌شنوی
کودکی می‌بینی رفته از کاج بلندی بالا جوجه بردارد از لانهٔ نور
و از او می‌پرسی خانهٔ دوست کجاست؟

(سهراب سپهری)

اینکه گفته‌اند هر چیز که در جستن آنی، آنی؛ یعنی ارزش هر فرد، گروه، جریان، جنبش، انقلاب و جامعه‌ای را بلندای همت آن و آنچه از زندگی می‌خواهد معلوم می‌کند. از افق بیداری اسلامی چه دورنمایی، برای بشریت دست‌یافتنی می‌شود؟ بی‌شک بیداری اسلامی، تغییر موقعیت ملت‌ها و کشورهای پیرامونی، در نظام جهانی سلطه را هدف نهایی خویش نمی‌بیند و تنها آرمان بشر را صلحی که بی توجه به عدالت است، نمی‌پندارد؛ بیداری اسلامی از افق جهان متجدد به عالم نمی‌نگرد تا در تنگنای جهان سکولار و چالش‌ها و بحران‌های آن متوقف گردد. بیداری اسلامی، دفاع از محرومان و مستضعفان جهان را وظیفهٔ خود می‌داند؛ نوع بشر را مخاطب قرار می‌دهد و حل

مشکلات معرفتی و معنوی بشریت را در محدودهٔ رسالت خود می‌بینند.
دستاوردهای بیداری اسلامی چیست؟ غرب برای مقابله با بیداری اسلامی چه کارهایی انجام داده است؟
انقلاب اسلامی ایران بر جریان بیداری اسلامی چه تأثیراتی داشته است؟

نخستین انقلاب

برخی دانشمندان علوم اجتماعی، انقلاب اسلامی ایران را نخستین انقلابی می‌دانند که پس از انقلاب فرانسه در سطح جهان اتفاق افتاده است. این گفته به چه معناست؟ چرا در مورد انقلاب اسلامی ایران چنین گفته می‌شود؟

در جهان دو قطبی قرن بیستم، هویت جنبش‌ها، انقلاب‌ها و کشورها براساس جایگاه و اهمیتشان برای یکی از دو قطب جهان؛ یعنی بلوک شرق یا غرب شناسایی می‌شد.
بر این‌اساس، انقلاب اسلامی‌ایران از آن جهت که یک نظام سیاسی وابسته به بلوک غرب (پهلوی) را هدف قرار داده بود، اهمیت می‌یافت امّا چون به بلوک شرق وابسته نبود، از اهمیت آن کاسته می‌شد. آمریکا با حمایت از رژیم پهلوی، مانعی را در مرزهای جنوبی شوروی ایجاد کرده بود. اگر انقلاب اسلامی وابسته به جریان چپ بود، با فروریختن این مانع، فرصت جدیدی برای شوروی پدید می‌آمد.
از نظر دولتمردان آمریکا، انقلاب اسلامی‌به‌دلیل اینکه با بلوک شرق ارتباط برقرار نمی‌کرد، توان مقاومت نداشت، نمی‌توانست تداوم یابد و دیر یا زود، بار دیگر، دست نیاز به سوی بلوک غرب دراز می‌کرد. دولتمردان غربی با چنین نگاهی به انقلاب اسلامی‌ایران، از عمق حادثه غافل بودند. آنها انقلاب را با موازین فرهنگ غرب می‌سنجیدند حال آنکه انقلاب اسلامی‌ایران از متن فرهنگی دیگر برمی‌خاست.
انقلاب اسلامی‌ایران، در چارچوب آرمان‌ها و ارزش‌های سکولار جهان غرب قرار نداشت بلکه از متن فرهنگ اسلامی برمی‌خاست و برای حفظ هویت اسلامی و تأمین حقوق از دست رفتهٔ امت اسلامی‌شکل گرفته بود. بر این اساس، انقلاب اسلامی نخستین انقلابی بود که بعد از انقلاب فرانسه اتفاق می‌افتاد؛ زیرا هیچ یک از انقلاب‌هایی که پس از انقلاب فرانسه رخ داده بودند، یک انقلاب جدید نبودند بلکه همه در جهت بسط و گسترش انقلاب فرانسه بودند.

■ آرمان‌های انقلاب اسلامی ایران با آرمان‌های انقلاب فرانسه و روسیه متفاوت است.

انقلاب فرانسه در سال ۱۷۸۹م با آرمان‌ها و ارزش‌های مدرنی شکل گرفت که پس از رنسانس به‌وجود آمده بودند. این انقلاب ابتدا در خاستگاه خود، فرانسه، گرفتار مشکلاتی شد اما به‌زودی به‌صورت سلسله انقلاب‌های ۱۸۳۰م و ۱۸۴۸م حیاتی مجدد یافت و همهٔ کشورهای اروپایی را فراگرفت.

انقلاب اکتبر ۱۹۱۷م روسیه نیز، گرچه به‌دلیل رویکرد چپ و سوسیالیستی با دیگر انقلاب‌های اروپایی تفاوت داشت ولی به‌دلیل سکولار بودن، درون فرهنگ غرب قرار می‌گرفت. دیگر انقلاب‌ها و جنبش‌های آزادی بخش قرن بیستم[1] نیز تقلیدی از انقلاب‌های مدرن بودند.

فرهنگ‌هایی که در دورهٔ استعمار، مقهور و مرعوب جوامع غربی شده بودند، راه حلّ چالش‌های خود را نیز در پیوستن به جوامع غربی می‌دانستند.

در این میان انقلاب اسلامی‌ایران با الگو گرفتن از فقه اجتماعی و سیاسی شیعی، از منظر دینی و فرهنگی به شناخت بحران‌ها و چالش‌های جهان اسلام پرداخت و با بازگشت به هویت اسلامی، فرصت جدیدی را برای جهان غرب، جهت حل بحران‌های معرفتی و معنوی آن پدید آورد.

گفت‌وگو کنید

به نظر شما مهم‌ترین شباهت و تفاوت انقلاب فرانسه و انقلاب اسلامی ایران چیست؟

۱ـ مانند جنبش‌ها و انقلاب‌های ۱۹۲۱مراکش، ۱۹۳۰ لیبی، ۱۹۴۱ لبنان، ۱۹۴۴ سوریه، ۱۹۴۷ پاکستان و ۱۹۴۸ چین.

تأثیرات انقلاب اسلامی ایران بر جهان اسلام

دولتمردان و روشنفکران جهان اسلام قبل از انقلاب اسلامی ایران، اغلب مسائل و مشکلات جوامع خود و جهان اسلام را با یکی از دو رویکرد زیر می‌دیدند:
در رویکرد اول (نسل اول روشنفکران)، مسائل جهان اسلام از نوع مشکلاتی بود که در اثر عقب‌ماندگی تاریخی از جوامع غربی پیش آمده بود.
در رویکرد دوم (نسل دوم روشنفکران)، مسائل جهان اسلام از نوع مشکلاتی بود که لیبرالیسم غربی به‌وجود آورده بود. کسانی که این رویکرد را داشتند، از موضع اندیشه‌های مارکسیستی و سوسیالیستی با غرب مبارزه می‌کردند.
وقوع انقلاب اسلامی، افق جدیدی را به روی جهان اسلام گشود. انقلاب اسلامی چه تأثیراتی بر جهان اسلام داشته و مهم‌ترین تأثیر آن کدام است؟

تا پیش از انقلاب اسلامی، هر یک از ده‌ها کشور بزرگ و کوچک مسلمان با گرایش به یکی از دو رویکرد گفته شده، در حاشیهٔ بلوک شرق یا غرب قرار می‌گرفتند و چگونگی برخوردشان با مسائل مهم جهان اسلام از جمله مسئلهٔ فلسطین، تحت‌تأثیر همین قطب‌بندی بود.

برخی کشورهایی که زیر نفوذ بلوک غرب بودند، دولت غاصب اسرائیل را به‌رسمیت می‌شناختند و یا با آن سازش می‌کردند و برخی دیگر که زیر نفوذ بلوک شرق بودند، جبههٔ پایداری و مقاومت را تشکیل می‌دادند. گروه‌های مبارز فلسطینی ناگزیر به بلوک شرق می‌پیوستند. بعضی از این گروه‌های فلسطینی هویت مارکسیستی و بعضی دیگر اندیشه‌های ناسیونالیستی داشتند.

گروه‌های مارکسیستی جایگاهی برای اعتقادات دینی قائل نبودند و گروه‌های ناسیونالیستی، اسلام را پدیده‌ای عربی می‌دانستند.

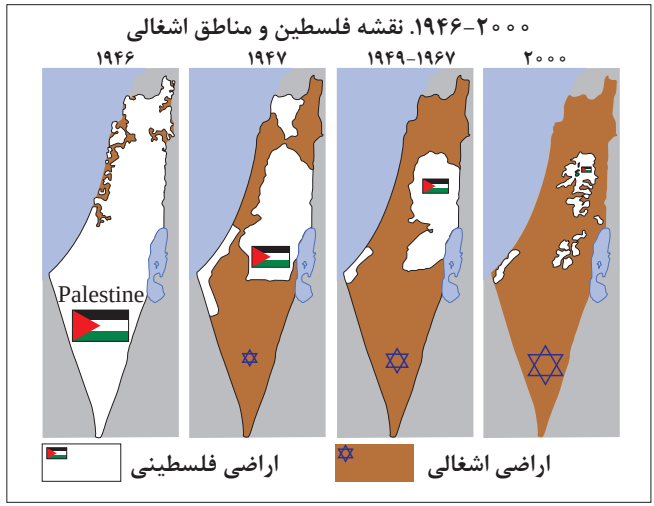

فلسطین یکی از عرصه‌های تقابل بلوک شرق و غرب شده بود. دولت اسرائیل با حمایت‌های مالی و تسلیحاتی آمریکا و کشورهای اروپایی وابسته به بلوک غرب تجهیز می‌شد و جبههٔ مقابل با سلاح‌های روسی می‌جنگید.

دولت مصر به رهبری جمال‌عبدالناصر، مظهر ناسیونالیسم عربی بود اما پس از مرگ او انور سادات، رئیس‌جمهور وقت مصر با امضای قرارداد کمپ دیوید، اسرائیل را به‌رسمیت شناخت و این مسئله، موقعیت گروه‌های فلسطینی را تضعیف کرد.

انقلاب اسلامی‌ایران، الگوی نوینی در برابر امت اسلامی قرار داد و افق جدیدی را به‌روی جهان اسلام گشود. اهمیت این انقلاب فقط به این دلیل نبود که مهم‌ترین قدرت حامی‌اسرائیل در منطقه، یعنی شاه را ساقط کرده بود، بلکه در راهکاری بود که برای مبارزه با صهیونیسم ارائه می‌داد.

راهپیمایی روز قدس

انقلاب اسلامی با بازگشت به اسلام و اتکا به فقه سیاسی و اجتماعی شیعی، مسئلهٔ اسرائیل را مسئلهٔ جهان اسلام مطرح می‌کرد. بازگشت به اسلام، اولاً مشروعیت قرارداد کمپ‌دیوید را در باور مسلمانان، مخدوش کرد؛ ثانیاً مقاومت در برابر صهیونیسم را از موضع اعتقاد اسلامی و با تکیه بر ایمان به خداوند و قدرت الهی آغاز کرد.

شکل‌گیری انتفاضه و جنبش‌های جدید اسلامی‌در فلسطین، جهاد اسلامی افغانستان در برابر حکومت وابسته به بلوک شرق، تشکیل جبههٔ نجات اسلامی‌در الجزایر و پیروزی اسلام‌گرایان در انتخابات ۱۹۹۰م این کشور، نمونه‌هایی از حرکت‌ها و جنبش‌های اسلامی‌در جهان اسلام است که تحت‌تأثیر انقلاب اسلامی ایجاد شد.

مهم‌ترین پیامد انقلاب اسلامی ایران در جهان اسلام، جنبش‌ها و انقلاب‌های گستردهٔ مردم در کشورهای عربی از سال ۱۳۸۹هـ.ش است که تاکنون به سقوط قدرت‌های سیاسی در چهار کشور عربی منجر شده است. وقوع این انقلاب‌ها، سه دهه بعد از انقلاب اسلامی‌ایران، نظیر همان وقایعی است که چهار دهه پس از انقلاب فرانسه در کشورهای اروپایی رخ داد.

■ امروز مهم‌ترین نیاز جهان اسلام، اتحاد و انسجام اسلامی است.

دولت‌های غربی تلاش کردند تا این انقلاب‌ها را بخشی از فرایند غربی شدن کشورهای عربی معرفی کنند و از همین رو آن را بهار عربی نامیدند. امّا این انقلاب‌ها حکایت از بیداری اسلامی دارند. به همین دلیل غرب برای منحرف کردن آنها با تمام توان خود وارد عمل شده است.

نخستین بیدارگران در جهان اسلام، اندیشمندان و عالمانی بودند که برای حفظ استقلال و عزّت جهان اسلام به دنبال اصلاح رفتار حاکمان جوامع اسلامی بودند اما بیداری اسلامی در جهان امروز، از سطح نخبگان به مردم و فرهنگ عمومی جهان اسلام منتقل شده است. انقلاب اسلامی ایران از طریق بیداری اسلامی، الگوی جدیدی در برابر امت اسلامی قرار داده است.

اگر بیداری اسلامی در جوامع اسلامی تحقق پیدا کند، این جوامع به سوی نظامی حرکت خواهند کرد که فارغ از قدرت‌های قومی و قبیله‌ای براساس فقاهت و عدالت، سازمان می‌یابند.

امام خمینی ﷺ در وصیت‌نامه الهی ـ سیاسی خود، تشکیل یک دولت اسلامی را با جمهوری‌های آزاد و مستقل برای آیندهٔ کشورهای مسلمان ترسیم می‌کند.

بخوانیم و بدانیم

امام خمینی ﷺ در وصیت‌نامهٔ الهی ـ سیاسی خود خطاب به همهٔ مسلمانان و مستضعفان جهان می‌نویسد:

«و شما ای مستضعفان جهان و ای کشورهای اسلامی و مسلمانان جهان به پا خیزید و حق را با چنگ و دندان بگیرید و از هیاهوی تبلیغاتی ابرقدرت‌ها و عمّال سرسپردهٔ آنان نترسید و حکّام جنایت‌کار که دسترنج شما را به دشمنان شما و دشمنان اسلام عزیز تسلیم می کنند را از کشور خود برانید.

خود و طبقات خدمتگزار متعهد، زمام امور را به دست گیرید و همه در زیر پرچم پر افتخار اسلام مجتمع و به سوی یک دولت اسلامی با جمهوری‌های آزاد و مستقل به پیش روید که با تحقق آن، همهٔ مستکبران جهان را به جای خود خواهید نشاند و همهٔ مستضعفان را به امامت و وراثت ارض خواهید رساند.

به امید آن روز که خداوند تعالی وعده فرموده است.»

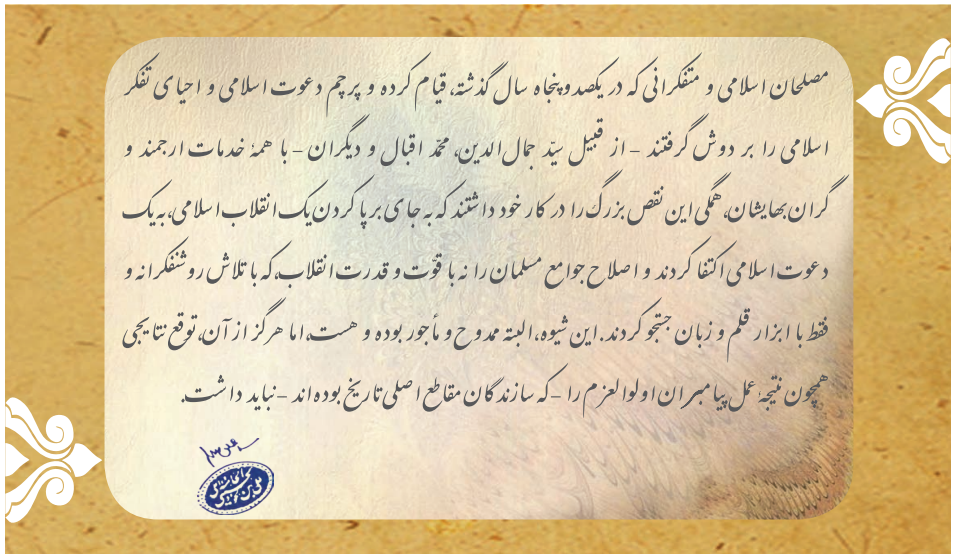

گفت‌وگو کنید

دربارهٔ تفاوت حرکت اجتماعی نخستین بیدارگران اسلامی با حرکت‌های اخیر بیداری اسلامی گفت‌وگو کنید.

جغرافیای فرهنگی جهان جدید

دنیای دو قطبی قرن بیستم چگونه فرو ریخت و جغرافیای فرهنگی و سیاسی جهان جدید چگونه به‌وجود آمد؟ قطب‌های اصلی این جهان کدام‌اند؟

انقلاب اسلامی با آنکه در ایران رخ داد و از ذخایر معرفتی شیعی استفاده کرد، آرمان‌ها، ارزش‌ها و رسالت خود را به حلّ چالش‌های جامعهٔ ایران یا شیعیان جهان محدود نکرد. انقلاب براساس آموزه‌های اسلامی، از عزّت و اقتدار جهان اسلام پاسداری می‌کرد، دفاع از محرومان و مستضعفان جهان را وظیفهٔ خود می‌دانست، فطرت الهی همهٔ انسان‌ها را مخاطب پیام خود قرار می‌داد و حلّ مشکلات معرفتی و معنوی بشر را رسالت خود می‌دید.

امام‌خمینی ﷺ در نامه‌ای که برای گورباچف ـ آخرین صدر هیئت رئیسهٔ اتحاد جماهیر شوروی ـ نوشت، به اشکالاتی اشاره کرد که در محدود کردن دانش و علم به شناخت حسی یا شناخت عقلی وجود دارد. امام ضمن پیش‌بینی فروپاشی بلوک شرق، از آنان خواست که برای حل همهٔ بحران‌ها، به سوی آموزه‌های اسلام گام بردارند و بدین‌منظور، نخبگان خود را برای فراگیری علوم اسلامی به ایران بفرستند.

برپایی نماز جماعت، مراسم مذهبی و چاپ قرآن با الفبای سیریلیک در کشورهای پساشوروی یادآور این پیام امام به گورباچف است که با مادی‌گرایی نمی‌توان بشریت را از بحران به‌درآورد.

انقلاب اسلامی ایران با آرمان‌ها و ارزش‌هایش، تأثیراتی فراتر از مرزهای جهان اسلام به دنبال داشت. بحران‌های معرفتی و معنوی جهان غرب با انقلاب اسلامی و شکل‌گیری جنبش‌های اسلامی فرصت بروز و ظهور یافتند. این انقلاب که مستقل از ارزش‌ها و آرمان‌های جهان غرب شکل گرفت، شاهدی گویا برای حضور تاریخ‌ساز فرهنگ‌های غیرغربی بود. انقلاب اسلامی

در شکل‌گیری یا گسترش اندیشه‌های پسامدرن، به‌وجود آمدن رویکرد دینی و معنوی به زندگی اجتماعی در جوامع غربی، از دست رفتن اعتبارِ ارزش‌ها و آرمان‌های پس از رنسانس و شکل‌گیری نظریه‌های افول سکولاریسم مؤثر بود.

انقلاب اسلامی‌ایران راه نوینی را فرا روی کشورهای جهان سوم قرار داد. این مسیر جدید، موقعیت استوار دو قطب سیاسی قرن بیستم را درهم ریخت و قطب‌بندی جدیدی را به جهان تحمیل کرد. جهان غرب پس از پی‌بردن به عمق حادثه و توان تأثیرگذاری انقلاب اسلامی، سلسله اقدامات مستمری برای مقابله با آن انجام داده اما مقاومت ایران اسلامی در برابر هریک از این اقدامات، موقعیت جدیدی را برای جهان اسلام پدید آورده است.

طراحی و اجرای کودتای نوژه و هشت سال جنگ تحمیلی از نخستین تلاش‌هایی بود که برای مقابله با انقلاب اسلامی ایران انجام شد.

اسرای نظامی غیرعراقی در میان اسرای عراقی؛ این نظامیان از سوی سایر کشورها برای تقویت رژیم بعثی صدام ارسال می شدند.

اعتراف رسانه‌های غربی به کمک تسلیحاتی غرب به صدام حسین

جنگ رژیم بعثی عراق علیه ایران با همهٔ جنگ‌های قرن بیستم متفاوت بود. در این جنگ، تمامی کشورهای بلوک شرق و غرب، علیه ایران متحد شده بودند. تسلیحات روسی، آمریکایی، فرانسوی، آلمانی و... و دلارهای نفتی کشورهای عربی در خدمت ارتش عراق قرار داشت که آغازگر جنگ بود، در حالی که ایران برای تهیهٔ ابتدایی‌ترین تجهیزات، از جمله سیم خاردار، تحریم شده بود.

سردشت، شهر قربانی جنگ‌افزارهای شیمیایی غرب

مقاومت انقلاب اسلامی ایران در دههٔ نخست پیدایش آن نشان داد بلوک شرق، تنها رقیب بلوک غرب نیست و موقعیت جهان اسلام را به عنوان یک قطب فرهنگی تثبیت کرد.

کشورهای غربی در نخستین نظریه‌پردازی‌های خود، فروپاشی بلوک شرق را به شکل‌گیری نظم نوین جهانی بر مدار یک قطب واحد معنا می‌کردند. نظریهٔ «پایان تاریخ» فوکویاما[1] همین معنا را القا می‌کرد. امّا موفقیت انقلاب اسلامی ایران و پیامدهای جهانی‌اش باطل بودن این نظریه را نشان داد. با قبول حضور فرهنگی و تمدنی جهان اسلام، نظریهٔ «جنگ تمدن‌ها» از سوی برخی نظریه‌پردازان غربی، مطرح شد. این نظریه شکل‌گیری قطب‌بندی جدید فرهنگی تمدنی را می‌پذیرفت ولی از یک سو دیگر تمدن‌ها را در عرض تمدن اسلامی قرار می‌داد و جایگاه مهم و منحصر به فرد انقلاب و فرهنگ اسلامی را نادیده می‌گرفت؛ و از سوی دیگر با طرح جنگ تمدن‌ها، رویکرد خصمانهٔ جهان غرب را به جنبش‌های اسلامی، توجیه می‌نمود و از این طریق، هراسی را که پس از جنگ جهانی دوم، نسبت به بلوک شرق وجود داشت، متوجه جهان اسلام می‌کرد.

آموختید که اقتصاد و سیاست جهان غرب در شرایط فعلی ابعاد جهانی پیدا کرده است و به مناطق پیرامونی نیاز دارد. انباشت ثروت جهان در دست جمعی اندک، تنها با فقر و وابستگی اقتصادی و سیاسی انبوه آدمیان امکان‌پذیر است. دنیای غرب، برای رفع نیازهای اقتصادی و سیاسی ناگزیر است با حرکت مستقلی که در جهان اسلام شکل گرفته، مقابله کند و به همین منظور فعالیت‌های زیر را انجام می‌دهد:

نظامیان آمریکایی در عراق و افغانستان

- مقابلهٔ نظامی‌و سیاسی از طریق حضور مستقیم؛ مانند آنچه در افغانستان و عراق رخ داده است.
- محاصره و تحریم اقتصادی از طریق سازمان‌های بین‌المللی مانند آنچه نسبت به ایران انجام می‌شود.
- تبلیغ معنویت‌های کاذب و سکولار در کشورهای غربی برای پر کردن خلأ معنوی فرهنگ غرب.
- ارائه تصویری خشن و غیرعقلانی از فرهنگ اسلامی از طریق سازماندهی و شکل‌دهی جریان‌های تروریستی وهابی.

۱ـ او فروپاشی بلوک شرق و شوروی سابق و غلبهٔ نظام لیبرال دموکراسی غرب را پایان مبارزات عقیدتی ـ سیاسی بشر می‌پنداشت و نظام لیبرال دموکراسی را محصول نهایی تاریخ بشر می‌دانست که برای آن جایگزین بهتر و مناسب‌تری قابل تصور نیست.

- ارائه تفسیرهای سکولار از اسلام و حمایت از اسلام آمریکایی در مقابل انقلاب اسلامی.
- جنگ رسانه‌ای همه‌جانبه در برابر حرکت فرهنگی جهان اسلام.
- ایجاد اختلافات فرقه‌ای و مذهبی برای تضعیف جهان اسلام.

استقبال آی‌پک از تصویب تحریم‌های ضدایرانی در سنای آمریکا

اسلام هراسی در غرب

تأمل کنید

به نظر شما، جهان اسلام در برابر محدودیت‌هایی که جهان غرب ایجاد می‌کند چه فرصت‌هایی دارد؟ دربارهٔ فرصت‌ها و محدودیت‌های پیشِ روی جریان بیداری اسلامی تأمل کنید.

مفـاهیـم اساسی

بیداری اسلامی .....

خلاصـه کنیـد

ـ بیداری اسلامی حاصل انتقال بیداری از سطح نخبگان به مردم و فرهنگ عمومی جامعهٔ اسلامی است.

آنچـه از ایـن درس آمـوختیـم

همان‌گونه که انقلاب فرانسه، سرآغاز شکل‌گیری یک جهان دنیوی بود، انقلاب اسلامی ایران، سرآغاز شکل‌گیری یک جهان توحیدی است.

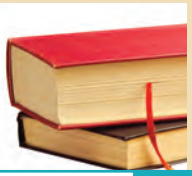

منابع

- آربلاستر، آنتونی. (۱۳۸۸) ظهور و افول لیبرالیسم غرب. ترجمهٔ عباس مخبر. تهران: نشر مرکز.
- آرون، ریمون. (۱۳۹۳). مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه شناسی. ترجمهٔ باقر پرهام. تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- اشپنگلر، اسوالد. (۱۳۶۹). انحطاط غرب. ترجمهٔ هوشنگ ایرانی. نشریه فلسفه، کلام و عرفان. شماره ۳
- افروغ، عماد. (۱۳۹۳). اسلام و جهانی شدن. تهران: نشر کانون اندیشه جوان.
- ـــــ . (۱۳۸۱). رنسانسی دیگر. تهران: انتشارات کتاب آشنا.
- ـــــ . (۱۳۸۷). ما و جهانی شدن. تهران: انتشارات سوره مهر.
- امین، سمیر (۱۳۸۹). اروپامداری. ترجمهٔ موسی عنبری. تهران: نشر علم.
- ـــــ . (۱۳۸۲). سرمایه‌داری در عصر جهانی شدن. ترجمهٔ ناصر زرافشان. تهران: نشر آگه.
- امینی، علیرضا. (۱۳۹۱). بررسی فرصت‌ها و چالش های ایجاد وحدت در سایهٔ بیداری اسلامی. تهران: نشر نهضت نرم‌افزاری.
- برگر، پیتر و توماس لاکمن. (۱۳۸۰). افول سکولاریسم. ترجمهٔ افشار امیری. تهران: مؤسسهٔ نشر پنگان.
- پارسانیا، حمید. (۱۳۹۲). جهان‌های اجتماعی. قم: انتشارات کتاب فردا.
- ـــــ . (۱۳۸۹). حدیث پیمانه. قم: دفتر نشر معارف.
- ـــــ . (۱۳۸۱). هفت موج اصلاحات. تهران: انتشارات فراندیش.
- ـــــ . (۱۳۹۱). انواع و ادوار روشنفکری؛ با نگاه به روشنفکری حوزوی. قم: کتاب فردا.
- پرتو، امین. (۱۳۹۱). موانع تحقق بیداری اسلامی از دیدگاه امام خمینی. تهران: نشر نهضت نرم‌افزاری.
- ترنر، برایان. (۱۳۸۴). رویکردی جامعه‌شناختی به شرق‌شناسی، پست مدرنیسم و جهانی شدن. ترجمهٔ محمدعلی محمدی. تهران: شرکت نشر یادآوران.
- توحیدفام، محمد. (۱۳۸۲). فرهنگ در عصر جهانی شدن. مجموعه مقالات. تهران: انتشارات روزنه.
- جعفریان، رسول.(۱۳۸۱). جریان‌ها و جنبش‌های مذهبی ــ سیاسی ایران. تهران: نشر مؤسسهٔ فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۶). اسلام و محیط‌زیست. قم: مرکز نشر اسراء.
- ـــــ . (۱۳۷۵). فلسفهٔ حقوق بشر. قم: مرکز نشر اسراء.
- ـــــ . (۱۳۷۸). ولایت فقیه، ولایت فقاهت و عدالت. قم: مرکز نشر اسراء.
- چامسکی، نوام. (۱۳۸۷). نظم‌های کهنه و نوین جهانی. ترجمهٔ مهبد ایرانی طلب. تهران: نشر نی.
- حسینی بهشتی، سید محمدرضا. (۱۳۷۹). فرانسیس بیکن و بحران طبیعت. فصل‌نامه فلسفه. شماره ۱
- حنفی، حسن. (۱۳۸۹). علم غرب‌شناسی چیست. ترجمهٔ جنان سیدعبدالمناف الحلو. قم: نشر ادیان.
- خمینی، سید روح‌الله. (۱۳۶۸). صحیفه امام، جلد ۲۱. تهران: مؤسسهٔ تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- داوری اردکانی، رضا. (۱۳۹۳). دربارهٔ غرب. انتشارات هرمس.
- رابرت، مارک و همکاران. (۱۳۸۴). جهانی‌سازی، چالش‌ها و راهکارها. ترجمهٔ سید هادی عربی و همکاران. قم: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- رجب‌زاده، احمد. (۱۳۸۵). علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی نظام جهانی. چاپ دهم، تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
- رینولدز، چارلز. (۱۳۸۶). وجوه امپریالیسم. ترجمهٔ سید حسن سیف زاده. تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- ژیژک، اسلاوی. (۱۳۹۳). نقد باورهای مغرب زمین. ترجمهٔ کیوان آذری. اردبیل: انتشارات محقق اردبیلی.
- سو، آلوین. (۱۳۹۴). تغییر اجتماعی و توسعه. ترجمهٔ محمود حبیبی مظاهری. تهران: انتشارات پژوهشکدهٔ مطالعات راهبردی.
- سعید، ادوارد. (۱۳۸۲). فرهنگ و امپریالیسم. تهران: نشر توس.
- شولت، جان آرت. (۱۳۸۶). نگاهی موشکافانه بر پدیدهٔ جهانی شدن. ترجمه مسعود کرباسیان. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- کچوئیان، حسین. (۱۳۹۱). انقلاب اسلامی ایران و انفتاح تاریخ. تهران: انتشارات سوره مهر.
- ـــــ . (۱۳۸۷). نظریه‌های جهانی شدن و دین. تهران: نشر نی.
- کوزر، لوئیس آلفرد. (۱۳۹۳). زندگی و اندیشهٔ بزرگان جامعه‌شناسی. ترجمهٔ محسن ثلاثی. تهران: انتشارات علمی.
- کهون، لارنس. (۱۳۸۸). متن‌های برگزیده از مدرنیسم تا پست مدرنیسم. ترجمهٔ عبدالکریم رشیدیان. تهران: نشر نی.
- گل‌محمدی، احمد. (۱۳۹۲). جهانی شدن. تهران: نشر نی.
- گنجی ارجنگی، عبدالله. (۱۳۸۸). موج سوم بیداری اسلامی. تهران: مؤسسهٔ مطالعات اندیشه سازان نور.
- گنون، رنه. (۱۳۸۸). بحران دنیای متجدد. ترجمهٔ ضیاءالدین دهشیری. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- گیدنز، آنتونی و کارون بردسال. (۱۳۸۶). جامعه شناسی. ترجمهٔ حسن چاوشیان. تهران: نشر نی.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۹۴). علل گرایش به مادیگری. تهران: انتشارات صدرا.
- نجفی، موسی. (۱۳۹۱). نظریه بیداری اسلامی بر اساس اندیشهٔ سیاسی آیت‌الله العظمی خامنه‌ای. تهران: نشر نهضت نرم افزاری.
- نصر، سید حسین. (۱۳۹۲). انسان و طبیعت. ترجمهٔ عبدالکریم گواهی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- واعظی، حسن. (۱۳۸۱). استراتژی سلطه. تهران: انتشارات سروش.
- واعظی، حسن. (۱۳۸۸). استعمار فرانو، جهانی‌سازی و انقلاب اسلامی. قم: مؤسسهٔ آموزشی و پژوهشی امام‌خمینی.
- هانتیگتون، ساموئل. (۱۳۸۰). تمدن‌ها و بازسازی نظام جهانی. ترجمهٔ مینو احمد سرتیپ. تهران: انتشارات کتاب سرا.
- همیلتون، ملکم. (۱۳۹۰). جامعه‌شناسی دین. ترجمهٔ محسن ثلاثی. تهران: نشر ثالث.

سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی جهت ایفای نقش خطیر خود در اجرای سند تحول بنیادین در آموزش و پرورش و برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران، مشارکت معلمان را به‌عنوان یک سیاست اجرایی مهم دنبال می‌کند. برای تحقق این امر در اقدامی نوآورانه سامانه تعاملی بر خط اعتبارسنجی کتاب‌های درسی راه‌اندازی شد تا با دریافت نظرات معلمان دربارهٔ کتاب‌های درسی نونگاشت، کتاب‌های درسی را در اولین سال چاپ، با کمترین اشکال به دانش‌آموزان و معلمان ارجمند تقدیم نماید. در انجام مطلوب این فرایند، همکاران گروه تحلیل محتوای آموزشی و پرورشی استان‌ها، گروه‌های آموزشی، دبیرخانهٔ راهبری دروس و مدیریت محترم پروژه آقای محسن باهو نقش سازنده‌ای را بر عهده داشتند. ضمن ارج نهادن به تلاش تمامی این همکاران، اسامی دبیران و هنرآموزانی که تلاش مضاعفی را در این زمینه داشته و با ارائهٔ نظرات خود سازمان را در بهبود محتوای این کتاب یاری کرده‌اند به شرح زیر اعلام می‌شود.

کتاب جامعه شناسی ۲ ـ کد ۱۱۱۲۲۲

ردیف	نام و نام خانوادگی	استان محل خدمت	ردیف	نام و نام خانوادگی	استان محل خدمت
۱	نسرین عزیزیان	کردستان	۱۹	عزیزاله علی زاده	گیلان
۲	صدیقه خلیلی بروجنی	البرز	۲۰	بیژن کاردوست	همدان
۳	بهروز نوروزی	آذربایجان شرقی	۲۱	سهیلا دباغی	همدان
۴	زهرا دانش پژوه	مرکزی	۲۲	صغری یعقوب زاده	خراسان جنوبی
۵	شیوا مجد	کردستان	۲۳	حسن مومنی	ایلام
۶	طاهره شیخ زاهدی	کرمان	۲۴	ژاله فاضلی	کرمانشاه
۷	غلامعلی مرادی	خراسان جنوبی	۲۵	احمد قنبری	مرکزی
۸	ایرج ابراهیمی	زنجان	۲۶	سجاد پناه پور	کهگیلویه وبویراحمد
۹	سولماز فیض الله زاده	البرز	۲۷	صمصام مهدی پور	خوزستان
۱۰	حسین عبادالهی	هرمزگان	۲۸	نسرین حسنی	اردبیل
۱۱	صفدر اسماعیلی فارسانی	چهارمحال وبختیاری	۲۹	شعبان ولی زاده	ایلام
۱۲	محمد حسین کاوه یزدی	یزد	۳۰	معصومه احمدی	بوشهر
۱۳	نیره قاضی مومن	سمنان	۳۱	زینب محمدی	خراسان شمالی
۱۴	سعیده رحمانپور	آذربایجان شرقی	۳۲	سلیمان نسترن بلداجی	چهارمحال وبختیاری
۱۵	محبوبه پورشفیعی	کرمان	۳۳	احمدعلی باقری	مازندران
۱۶	خدیجه رضایی	تهران (شهرستان‌ها)	۳۴	ایمان رضاییان	مازندران
۱۷	رحیمه شقاقی	زنجان	۳۵	فرشته کاظمی	شهرتهران
۱۸	ابراهیم حسنی	فارس	۳۶	شمس الدین کریمی	شهرستان‌های تهران